

هشدار امام!

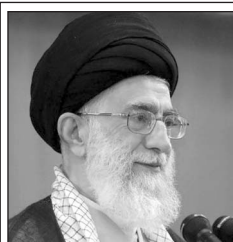
قلم شیطان

((... به همه آقاییان می گویم با هم جنگ نکنید. روزنامه هارا
پر نکنید از بدگویی از هم... انتقاد غیر انتقامجویی است.
انتقاد، انتقاد صحیح باید بشود. هر کس از هر کس می تواند
انتقاد صحیح بکند اما اگر قلم دستش گرفت انتقاد کند برای
انتقامجویی، این همان قلم شیطان است...))

صحیفه نور، جلد ۱۳ صفحه ۷۸



سال سی و یکم
شماره مسلسل ۱۳۸۴
نیمه دوم تیر ماه
و نیمه اول مرداد ماه ۱۳۸۹ ۲۰۰ تومان



حضرت آیت الله خامنه ای:
**با دشمنان وحدت
و امنیت کشور با
قاطعیت و جدیت
مقابله شود**

صفحه ۳



عبرت از وقایع صدر
اسلام، بهترین راه
مقابله با مشکلات است
آیت الله تسخیری

صفحه ۳



نگاهی گذرا به
فعالیت های علمی و
فرهنگی آیت الله
صابری همدانی

صفحه ۹



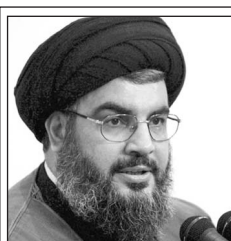
امام جمعه کوهشدت:
**تقوا و زهد رمز
موفقیت آیت الله
مروجی بود**

صفحه ۷



قضاوت در نظام
ارزشی اسلام
آیت الله دکتر سید مصطفی
محقق داماد

صفحه ۱۵



همزمان با سالگرد پیروزی
حزب الله بر اسرائیل:
**ناگفته هایی از زندگی
دبیر کل حزب الله از
زبان پدر**

صفحه ۱۳



مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:
**علامه فضل الله مجتهدی نواندیش و
مصلحی بزرگ بود**

صفحه ۱۲

سازمان عفو بین الملل اعلام کرد:

ربوده شدن امام موسی صدر از موارد نقض حقوق بشر لیبی است

این نامه این است که در طول این سال ها، خانواده از عملکرد حکومت لیبی تصویری دارد که بارها در جلسات خصوصی و رسانه ها، آن را برای مقامات ایران توضیح داده و بیان کرده است به نظر خانواده، دولت لیبی، دولتی قابل اعتماد نیست و هرگونه همکاری درباره هر مسئله ای با لیبی خلاف منافع و امنیت کشور است. وی گفت: خانواده امام موسی صدر به دستگاه دیپلماسی کشور منتقد و معتقد است با وجود اینکه مقامات مسئول گفته اند هم روابط ایران و لیبی را گسترش می دهیم و هم قضیه را پیگیری می کنیم، اما فقط شاهد ایجاد روابط بوده ایم و به مسئله پیگیری پرداخته نشده است.

این شخصیت ها اصرار دارد. نامه به مراجع با وجود پیگیری جدی در لبنان، همواره نسبت به عملکرد دولت های ایران درباره امام موسی صدر انتقادهایی مطرح بوده است. آخرین مورد جدی این مسئله سفر منوچهر متکی در اسفندماه سال گذشته به لیبی بود که با انتقادهایی روبرو شد. یکی از این واکنش ها نوشتن نامه ای گله آمیز از سوی خانواده امام موسی صدر به مراجع عظام در انتقاد از عملکرد دستگاه دیپلماسی کشور درباره ارتباط با لیبی بود. مهدی فیروزان داماد امام موسی صدر این نامه را گله آمیز، دردمندانه و منتقدانه خواند و درباره علت نوشتن این نامه گفت: علت نوشتن

همچنین در این گزارش به اقدام پر دامنه دولت لبنان و شرکت نکردن در نشست اتحادیه عرب در لیبی اشاره شده است. میشل سلیمان رئیس جمهور این کشور از شرکت در این اجلاس که اواخر مارس ۲۰۱۰ در لیبی برگزار شد، خودداری کرد. این اقدام پس از دعوت برخی سیاستمداران لبنانی برای تحریم این اجلاس به علت مسئولیت لیبی در ربودن امام موسی صدر و دو همراهش صورت گرفت. همچنین خواهر امام موسی صدر گفت که خانواده و دوستان امام موسی صدر به دلیل اینکه مسئله ربودن ایشان از دستور کار اجلاس خارج شده بود، خواهان شرکت نکردن مسئولان لبنانی در این نشست بودند. میشل سلیمان نیز در این باره به یک روزنامه لبنانی گفته بود سؤال اصلی این است که امام موسی صدر و همراهانش کجا هستند؟ ما جواب این سؤال را می خواهیم. ما با احساس مسئولیت با این موضوع برخورد خواهیم کرد، در مرحله دوم مصلحت لبنان و مصلحت کشورهای عربی را در نظر خواهیم گرفت. سلیمان تاکید کرده است لبنان آماده برقراری بهترین روابط با لیبی است اما بر روشن شدن سرنوشت

و اتیکان، ادعای رژیم لیبی مبنی بر خروج امام موسی صدر از آن کشور و ورود او به رم را رسماً تکذیب کردند. مجموعه اطلاعات آشکار و پنهانی که طی دو دهه پیش به دست آمده، نشان می دهد امام موسی صدر هرگز خاک لیبی را ترک نکرده است. عفو بین الملل در ادامه به تلاش های حقوقی اخیر در لبنان برای یافتن سرنوشت امام موسی صدر اشاره کرده است: در آگوست ۲۰۰۸ یک قاضی تحقیق لبنانی حکم جلب معمر قذافی، رهبر لیبی به همراه شش نفر دیگر را صادر کرد و آنان را مسئول ربودن امام موسی صدر و همراهانش دانست. پس از حکم این قاضی "سمیح الحاجب" بازپرس دادگستری لبنان، قذافی را به ربودن امام صدر و "محمد یعقوب" از یاران وی و "عباس بدرالدین" روزنامه نگاری که وی را در سفر به لیبی همراهی کرده بود، متهم کرد. البته پس از این مسئله، دولت لیبی مانند همه ۳۰ سال گذشته هرگونه ارتباط با این مسئله را رد کرد و علت این امر را تلاش برخی گروه های لبنانی برای ایجاد تشویش و متهم کردن قذافی با قضایای تروریستی دانست.

سازمان عفو بین الملل در گزارشی که به تازگی منتشر کرده است مسئله ربوده شدن امام موسی صدر را از موارد نقض حقوق بشر و از مسائل حل نشده حقوق بشری این کشور دانسته است. این گزارش با عنوان "لیبی فردا" منتشر شد، به تفصیل وضعیت حقوق بشر در لیبی را بررسی کرده است. در متن این گزارش آمده است: از دیگر موارد حل نشده ربودن که توجه و اهتمام بین المللی را برانگیخته، ربودن امام موسی صدر است؛ روحانی شیعه لبنانی که در ایران متولد شده است و با دو همراهش، شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین حین سفر به لیبی در سال ۱۹۷۸ ناپدید شدند. مقامات لیبی ادعا کردند آنها دخالتی در ناپدید شدن این سه نفر نداشته اند و ادعا کردند دلایلی وجود دارد که آنها لیبی را به مقصد کشوری اروپایی ترک کرده اند. امام موسی صدر سوم شهریور سال ۱۳۵۷ و در آخرین مرحله از سفر دوره ای خود به کشورهای عربی بنا بر دعوت رسمی معمر قذافی وارد لیبی شد و نهم شهریور ماه ربوده شد. دستگاه های قضایی دولت های لبنان و ایتالیا و همچنین تحقیقات انجام شده از سوی

تسلیت

درگذشت عالم بزرگوار، مؤسس حوزه علمیه باقرالعلوم کوهشدت لرستان، آیت الله حاج شیخ ماشاءالله مروجی (مبلغی) را به خاندان محترم آن مرحوم، به ویژه حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای شیخ احمد مبلغی رئیس محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و مدیر بخش تحقیقات مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی - قم تسلیت گفته از خداوند متعال برای ایشان و همه بازماندگان آن مرحوم، اجر جزیل و صبر جمیل خواستارم. سید هادی خسروشاهی تهران - ۸۹/۴/۲۵

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی:

وحدت به امنیت، پیشرفت و پویایی امت اسلام منجر می شود

مبلغی خاطرنشان کرد: اگر علمای

امت اسلام شرایط زمان و مکان را آنگونه که باید خوب شناسند با مشکل مواجه خواهیم شد، امت اسلام دارای پیشینه و منابع قوی و غنی در زمینه علوم اسلامی، فقهی، تاریخی ، فلسفی و میراث فرهنگی می باشد ولی متأسفانه تا حدی به بیماری عدم وحدت مبتلا شده است.

وی یادآورشد: از نظر قرآن کریم امت واحده همیشه در امنیت به سر می برد و به این مساله تأکیدات فراوانی شده است بنابراین ما برای آینده امت اسلام باید برنامه داشته باشیم. وی اظهار داشت: در شرایط کنونی باید به راحتی بتوان منطق گفت و گو را برقرار کرد و گفت و گو در فطرت انسان نهفته است و با منازحه و

ریس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

با اشاره به اینکه تفرقه ریشه همه شرارت های باشد، گفت: وحدت و یکپارچگی عرصه ای است که همه مذاهب اسلامی از آن سود می برند و به امنیت، پیشرفت و پویایی امت اسلام منجر خواهد شد.

به گزارش اداره همکاری های علمی

و بین الملل پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی در دیدار با ندرژاد گرابوس^{*} مفتی جامعه اسلامی اسلونی و ابراهیم مولانوویچ^{*} معاون ایشان خاطرنشان کرد: تعامل و وحدت امری تشریفاتی نیست بلکه مساله ای ضروری و حیاتی برای تمام مذاهب اسلامی است و اگر در این زمینه کوتایی شود همه مقصر خواهیم بود.

شیخ الازهر:

شهید صدر از جمله دانشمندان ارزشمند و مورد اعتماد جهان اسلام است

شهید صدر از جمله دانشمندان ارزشمند و مورد اعتماد

جهان اسلام است که بدرستی درک کرده بود تنها اندیشه های وحدت گرا هستند که در جهان جاودان و باقی خواهند ماند بر عکس افکار واندیشه های ناصبیان ضد شیعه که اذیت و آزارهای زیادی بر شیعیان عراق روا داشتند اما هم اکنون منقرض گردیده و تنها آثار باقی مانده از آنان همین جریان تندرو "تکفیریان" است که بزرگترین خطر برای اتحاد جهان اسلام و آوازه ناب و میانه رو دین مبین اسلام می باشد، لذا باید با تمام قدرت پیروان آنرا محاصره نمود ونقاب از اندیشه های پلید و وحدت ستیز آنان برداشت، کما اینکه شیعیان تندرو نیز از قاعده مستثنا نمی باشند.

این سخنان را دکتر احمد الطیب شیخ الازهر در حضور هیئت

اوقاف شیعه عراق که به سرپرستی آقای محمد الساعدی مشاور رئیس اوقاف شیعیان عراق به دیدار او رفته بود، بیان کرد. در این ملاقات محمد الساعدی دعوتنامه رئیس اوقاف شیعه عراق آقای

صالح الحیدری جهت بازدید از این کشور را تقدیم الطیب کرد و تأکید نمود که این سفر بازتابهای بسیار خوبی برای تمام مردم عراق چه سنی و چه شیعه خواهد داشت.

در مقابل نیز شیخ الازهر ضمن اعلام آمادگی جهت بازدید از کشور عراق اعلام نمود: " دین اسلام بر پایه یکتا پرستی واتحاد تمام مسلمانان استوار است ". وی در ادامه اظهار داشت که به دستاوردهای اندیشه ای و علمی عظیم علمای شیعه ارج می نهد وبا احترام به آنها می نگرد. کمااینکه او بیشتر کتابهای شهید محمد باقر صدر را مطالعه کرده است ونظر وی شهید صدر جزو بزرگترین اندشمندان جهان اسلام بشمار می رود.

از سوی دیگر هیئت علمای اوقاف شیعی عراق ضمن تقدیر از نقش الازهر در دفاع از میراث فرهنگی و علمی اسلام وتلاشهای این مرکز علمی - اسلامی در راستای وحدت بین مسلمانان وهمگرایی بین مذاهب اسلامی، به تعدادی از علمای الازهر مانند محمد عبده اشاره کرد.

محکومیت حمله تروریستی زاهدان توسط مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

وقوع این حادثه در مسجد جامع شهر

زاهدان گویای داستان کهنه تفرقه مذهبی است؛ همان شیوه ای که استعمارگران سالهاست با آن در پی تحکیم موقعیت خود هستندکه با پیروزی قاطع و چشمگیر ایران در نبرد اطلاعاتی و امنیتی در مورد شهرام امیری و شکست سهمگین اطلاعاتی آمریکا بار دیگر به نمایش گذاشته شد.

باید گفت، هدف اصلی آمریکا از تأسیس گروهک تروریستی شورو عبدالملک ریگی، ایجاد تفرقه میان شیعه و سنی و ناامنی در منطقه شرق کشور برای ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی بود که با دستگیری و اعدام سرکرده این گروهک،

گامی به سوی وحدت شیعه و سنی

مشترک علمای شیعه و سنی از موضوعات طرح شده در این دیدار بود.

امام جمعه نجف در این دیدار با تأکید بر حمایت از اقداماتی که موجب اتحاد می شوند گفت: نجف از هر گونه طرح وحدت آفرین و وحدت گرا استقبال می کند. وی نقش موسسه امام شافعی را در این زمینه بزرگ خواند وافزود: مادر طول دوسال گذشته، پذیرای هیئت های مختلفی از علمای اهل سنت از سرتاسر عراق در کنفرانس ملی

مقابله تفاوت دارد.

آقای مبلغی با اشاره به اینکه تفرقه مشکل اصلی جهان اسلام است، گفت: تنها راه پیش روی امت اسلام وحدت و یکپارچگی است. مفتی جامعه اسلامی اسلونی نیز در این دیدار خواهان تعامل و همکاری بیشتر جهان اسلام خصوصا در مباحث علمی - پژوهشی شد.

به گزارش اداره همکاری های علمی و بین الملل پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ، ندرژد گرابوس^{*} مفتی جامعه اسلامی اسلونی سوابقی مانند مدیر بخش آموزش در جامعه اسلامی بوسنی و هرزگوین و سردبیر برنامه مذهبی در رادیو بوسنی وهرزگوین و مدرس برخی دانشگاه های اسلامی را در کارنامه خود دارد.

حجت الاسلام والمسلمین الشیخ محمد الحسون:

مسلمانان با وحدت، قوی و قدرتمند هستند

مصاحبه خبرگزاری تقریب با حجت الاسلام والمسلمین الشیخ محمد الحسون ریاست مرکز پژوهش های اعتقادی (مرکز الابحاث الاعتقادیه) و عضو هیات علمی شبکه الکوثر را می خوانیم :

به نظر حضرتعالی ایا وجود مذاهب و فرق مختلف دینی مانع از وحدت می شود، یا دران هدفی نهفته است ؟

قال الله تعالی فی محکم کتابه المبین: " یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرکمکم عندالله اتقاکم ان الله علیم خبیر "

" ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم، و آنگاه شعبه های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، بزرگوارترین شما نزد خدا باتقواترین مردم اند، و خداوند کاملاً آگاه است ". (حجرات ۱۳) از این آیه مبارکه روشن می شود که خداوند متعال انسان ها را به صورت ملتها و قبایل گوناگونی آفرید که هرکدام از آنها گویش، فرهنگ و عادات متفاوتی دارند، و اینچنین آفرینش برای آن بود که مردم با یکدیگر آشنا شده و روابط میان آنها برقرار شود، و هر گروهی بتواند از عادات، تقالید و مفاهیم گروه های دیگر استفاده کند.

خداوند متعال می توانست همه مردم را در گروه واحدی بیافریند که زبان، گویش، فرهنگ و عادات همسانی داشته باشند، ولی آنها را در مجتمع های مختلف و بر گونه های متنوعی آفرید تا مکمل یکدیگر باشند.

با توجه به اینکه تقریب یک نیاز ضروری است و باید به صورت فرهنگ در جامعه دراید .راهکار شما برای نشر این فرهنگ چیست؟

مسلمانان بر دو گروه اصلی شیعه وسنی در کنار هم زندگی می کنند. البته هرکدام از این دو گروه معتقدند که گروه دیگر از مسلمانان است، از این رو احکام اسلام را راجع به آنها اجرامی کنند، پس با آنها ازدواج کرده، آنها را مستحق ارث دانسته، و ذبیحه های آنها را حلال می شمارند، استناد به اینکه هرکس شهادتین را به زبان می آورد مسلمان است، و مسلمانان برادر یکدیگرند و خون، اموال و أعراض آنها محترم است.

ائمه ما (علیهم السلام) نیز سفارش کردند با مخالفین در عقیده به نیکی برخورد شود، شیعیان بیماران آنها را عیادت کرده، و بر جنازه های آنها حضور داشته باشند.

اینگونه سفارش ها به خاطر حفظ وحدت مسلمانان است تا مسلمانان گروه قوی و قدرتمندی باشند دربرابر کفار و منافقین.

همچنان که امامان(علیهم السلام) و مراجع بزرگوار ما سفارش کردند که با اشخاصی که در اعتقاد با ما مخالف اند مباحثه ها و گفتگوهای علمی صورت پذیرد، و ابحاث بر اساس قوانین صحیح گفتگو و به دور از هر گونه ناسزا و بدگویی و توهین به شخصیت های برجسته آنها، و با آوردن دلایل محکم و پایدار صورت گیرد، آن هم در فضای علمی آرام و برادرانه و دور از هرگونه توهین و تعصب طائفی و گروهی.

ما درحالی که به احترام مخالفین در عقیده می پردازیم، و به شخصیت های بارز آنها توهین نمی کنیم، در همین زمان هم باید از عقایدمان به اندازه مویی یا کمتر کوتاه نیاییم.

مسلمانان هم پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) به دو گروه تقسیم شدند: گروه اول شیعیان :- این گروه قائل شدند به امامت و خلافت علی بن ابی طالب(علیه السلام) و پس از ایشان دو فرزند او یعنی امام حسن و امام حسین ، و سپس نه تن از فرزندان امام حسین(علیه السلام). شیعیان خلافت ابوبکر را شرعی ندانسته، و به نتایج جلسه ای که در سقیفه بنی ساعده برگزار شد تن ندادند.

گروه دوم اهل سنت :- این گروه قائل شدند به خلافت ابوبکر و خلفایی که پس از او در اسلام حکومت کردند، و خلافت بلافصل امام علی(علیه السلام) را معتبر نمی دانند .

حضرت تعالی کنفرانس ها ورفت وامدهای علما وبحثهای علمی را تا چه حد در حرکت تقریب موثر می دانیذ؟

ما برگزاری نشست های وحدت اسلامی که مسلمانان را به یکدیگر نزدیک می کنند و کدورت هایی که دشمن درمیان ما بوجود آورده را از بین می برد، را تأیید می کنیم، واین نشستها را مفید می دانیم . به شرطی که در آنها هیچگونه کوتاه آمدن در امور اعتقادی نباشد و این امری است که پیشوایان معصوم(علیهم السلام) و مرجعیت دینی ما بر آن تأکید دارند.

آنچه مشاهده می شود از برخی مسؤولین برقراری نشست های وحدت اسلامی و افرادی که در گفتگوها مشارکت می کنند که در برخی موارد از عقایدشان کوتاه می آیند و از بعضی از امور عقایدی مهم و استواری که دلایل قاطع بر آنها وجود دارد چشم پوشی می کنند، این فعل آنها قطعاً مردود است، احترام به طرف مقابل و عدم توهین به رهبران او امری است و کوتاه آمدن در عقیده امر دیگری است.

حضرت آیت الله خامنه ای:

با دشمنان وحدت و امنیت کشور با قاطعیت و جدیت مقابله شود

رهبر معظم انقلاب اسلامی یکی از اهداف اصلی دشمنان از اقدام تروریستی در زاهدان را اختلاف افکنی و فتنه انگیزی مذهبی دانستند و فرمودند: همه دستگاههای مسئول در قوای سه گانه موظفند با دشمنانِ وحدت و امنیت کشور با قاطعیت و جدیت مقابله کنند.

متن پیام مقام معظم رهبری به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

هفتمین روز شهادت مظلومانه جمعی از هم میهنان مؤمن و مخلص در زاهدان به دست جنایتکاران و تروریستهای جرّار فرا رسید. در این حادثه خونین دست گنهکار و مُجرّم منحرفان متعصّب و هابی با پشتیبانی و فتنه انگیزی سازمانهای جاسوسی بیگانه دهلایی را داغدار و خانواده هایی را عزادار کرد که فروغ محبت و ارادت به اهل بیت پیامبر علیه وعلیهم السلام بر آن تابیده و پرتو معرفت و توحید خالص بدان صفا بخشیده است. متعصبان کور و جاهل و قاتل، دل گمراه و باطن ظلمانی خود را به قدرتهای فاسدی سپردند که دشمنی خود را با اسلام و مسلمین بارها و بارها نشان داده و هر جا و هر گاه توانسته اند عناد و بُغض خود نسبت به مسلمانان را آشکار کرده و ضربه خود را وارد ساخته اند.

دشمنی آنان با جمهوری اسلامی هم به خاطر پرچم برافراشته اسلام در این کشور و دعوت همیشگی آن به اتحاد و اقتدار و عزّت اسلامی است. در این حادثه خونین و مشابهات آن یکی از هدفهای دشمنان، اختلاف افکنی میان مسلمانان است. جمهوری اسلامی که دهها سال بزرگترین و مطمئن ترین حامی مسلمانان مظلوم در غزه و فلسطین و افغانستان و کشمیر و دیگر مناطق اسلامی بوده و هست اکنون آماج این توطئه خبیث از سوی دستگاههای جاسوسی آمریکا و رژیم صهیونیستی و انگلیس قرار می گیرد تا به خیال خام آنان درگیر فتنه مذهبی و نزاع شیعه و سنی شود. غافل از آن که اهل تسنن در ایران اسلامی نیز مانند برادران شیعه خود بارها وفاداری خویش را به این نظام مقدس اسلامی ثابت کرده و مردانه و مؤمنانه در برابر استکبار و عوامل مزدورش،

عبرت از وقایع صدر اسلام، بهترین راه مقابله با مشکلات است

آیت الله تسخیری در نوشتاری با عنوان مُشکلات جهان

اسلام و درمان آن در پرتو جهانی سازی^۱ به پیامدهای منفی جهانی سازی پرداخته و با مقایسه اوضاع امروز جهان اسلام با وضعیت صدر اسلام، بهره گیری از طرح های رسول اکرم (ص) و آموزه های قرآن کریم را بهترین راه مقابله با مشکلات جهان اسلام مطرح نموده است.

در قسمتی از این مقاله که در بیست و یکمین شماره فصلنامه اندیشه تقریب^۲ منتشر شده است چنین می خوانیم:

همه جهان از جمله جهان اسلام در پرتو سیستم جهانی جدید که به نوبه خود مظهر بزرگی از جنبش فراگیر جهانی سازی بوده با حالت تازه ای از تعامل غرب و در راس آن ایالات متحده آمریکا رویه رو گردیده است، که این مسئله همگان را وادار می کند تا نسبت به مواضع خود تجدیدنظر کنند، زیرا تمام زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی جهان در معرض خطر این خیزش بزرگ و فراگیر قرار گرفته است.

ما نیز بر این باوریم که جهان اسلام بیش از سایر بخش های جهان در معرض زیان این پدیده قرار گرفته است، چون جهانی سازی وحشی- به گفته خود غربی ها- روی آن تمرکز دارد. استراتژی های تهیه شده در پرتو این سیستم با صراحت به آن اشاره دارد(نظیر استراتژی آمریکا در سال ۱۹۹۷) بلکه ما تقریباً یقین داریم که با توجه به تمرکز فشارهای نظامی، فرهنگی و اقتصادی علیه ما و حرکت پروژه های استعماری نوین در این راستا همچون طرح خاورمیانه بزرگ که در برگیرنده جهان اسلام و اطراف آن است، این حمله در درجه نخست متوجه ما می باشد.

در ادامه مقاله با اشاره تعریف جهانی سازی آمده است: جهانی سازی تعریف مبهم و پیچیده ای دارد و تعریف های ارائه شده برای آن متناقض و گوناگون است و در واقع با شناخت نوع تفسیر ها و تعاریف ارائه شده برای جهانی سازی می توان پی برد که جهانی سازی، تلاش برای نفی تمدن های غیر غربی و تحمیل سرمایه داری و مدل آمریکایی به سایر تمدن ها و زیر سلطه در

به دفاع از جمهوری اسلامی و کشور عزیز ایران برخاسته اند.در منطقه ما پیدایش و رشد تروریسم وحشی و کور از اساس زائیده سیاست خبائثت آلود آمریکا و انگلیس و مزدوران دولتی و غیر دولتی آنها است و بر همه مسلمانان واجب است که با این مولود شوم و نحس که مصداق بارز افساد فی الارض و محاربه با خدا است مقابله و مبارزه کنند.همه فرقه های اهل سنّت در ایران و کشورهای همسایه که آبروی اسلامی آنان آماج این سیاست خبیث است به خصوص علمای دینی و روشنفکران و دانشگاهیان آنان وظائف سنگین تری دارند. فرزنانگان شیعه و سنی در همه کشورهای اسلامی و عربی باید اغراض پلید دشمنان را در ایجاد و تقویت تروریسم فرقه ای برای همگان تبیین کنند و آنان را از خطر بزرگ فتنه های مذهبی که آرزوی بزرگ دشمنان اسلام است بر حذر دارند.جمهوری اسلامی باذن الله تعالی اجازه نخواهد داد که آیدای استکبار جهانی زیر نام وهابیت و امثال آن میان برادران مسلمان اختلاف افکنی کنند. دستگاههای مسئول حکومتی موظفند در هریک از قوای سه گانه برابر مسئولیتهای خود با این دشمنان امنیّت و وحدت کشور با قاطعیت و جدیت، مقابله کنند و فتنه گران را به سزای اعمال خود برسانند. مردم مؤمن و پاک نهاد نیز باید آرامش و بصیرت خود را حفظ کنند و با پرهیز از هر نوع حرکت بی رویه، مأموران و مسئولان کشور را در انجام وظائف خود یاری رسانند.اینجانب بار دیگر به روح شهدای عزیز حادثه خونین زاهدان که در سالروز ولادت حضرت سیدالشهداء علیه آلاف السلام و الثناء به دیدار حق شتافتند درود می فرستم و همدردی خود را با خانواده های عزیز و محترم آنان اعلام و صبر و آرامش و آجرو پاداش الهی را برای آنان مسئلت می کنم و شفای عاجل مجروحان و مصدومان مظلوم را متضرعانه از خداوند متعال استدعا دارم.

والسلام علی عبادالله الصالحین و رحمه الله و برکاته

سید علی خامنه ای

۳۰/ تیر ماه/ ۱۳۸۹

انفجار زاهدان و مسوولیت شیعیان و اهل تسنن

عصر ایران:حادثه خونبار زاهدان که به شهادت و مجروح شدن بیش از ۳۰۰ تن از هموطنان مان انجامید ، اگر پیامدهای آن کنترل نشود ، می تواند مقدمه ای بر درگیری های بی حاصل بین شیعیان و اهل سنت در استان سیستان و بلوچستان باشد کما این که بعد از این اقدام تروریستی ، گروهی کوشیدند فضای شهر زاهدان را به سمت تقابل مذهبی ببرند که با مداخله به موقع نیروی انتظامی و دستگیری تعدادی از آنان ، اقدامات شان متوقف ماند.

واقعیت این است که شعله ور کردن آتش نزاع بین شیعه و سنی ، از اهداف استراتژیک اقدامات تروریستی در سیستان و بلوچستان است ، استانی که در طول تاریخ ، شیعیان و سنیان را در کنار یکدیگر با دوستی و همسایگی پذیرا بوده است.

با این حال طراحان حملات تروریستی در این استان ، با ظرافت خاصی در حال به هم زدن دوستی دیرینه میان مردم خونگرم این استان هستند. به تبلیغات تروریست ها نگاه کنید ؛ آنها همواره بر سنی بودن خود تاکید و اصرار دارند و به طرز آشکاری می کوشند چنین وانمود کنند که یک جنبش سنی در حال کشتار شیعیان است!

به عنوان مثال در حادثه تاسوکی که تروریست ها گروهی رهگذر را در جاده دستگیر کرده بودند ، از آنها مذهب شان را سوال می کردند و اگر پاسخ 'شیعه' بود ، به سمت شان شلیک می کردند.

حمله به مسجد جامع زاهدان نیز در سالروز میلاد امام سوم شیعیان رخ داد و یک مسجد شیعی هدف این عملیات وحشیانه قرار گرفت.

همه این ها نشان می دهد که تروریست های جنوب شرق کشور ، بیش از آن که بر روی کشتارها تمرکز داشته باشند، بر این موضوع کار می کنند که به هر شکل ممکن ، سنی بودن خود را پر رنگ تر جلوه دهند.

این در حالی است که اگر تروریست ها واقعاً سنیان مومنی باشند ، هرگز کاری نمی کنند که مذهب شان بدین شکل ناشایست معرفی شود.

به راستی کدام مسلمان پیرو اهل سنت دوست دارد صحنه های سر بریدن بی گناهان ، شلیک تیر به سر اسیران دست بسته و تکه تکه شدن زنان و کودکان در مساجد به اسم این مذهب اسلامی تمام شود؟!

بنابر این ، عقل سلیم حکم می کند که بگوییم عاملان این جنایات ، یا برداشت صحیحی از دین و مذهب ندارند یا اساساً اعتقادی به مذهب اهل سنت ندارند و الا این گونه در صدد بدنام کردن این مذهب اسلامی بر نمی آمدند.

سنیان جنوب شرق ایران ، مردمانی سختکوش ، مهربان و دین دار هستند و اتفاقاً از قربانیان بزرگ اقدامات تروریستی سال های اخیر ، همین اهل سنت سیستان و بلوچستان هستند که تلاش هدفمندی از سوی تروریست ها برای بدنام کردن آنها صورت می گیرد.

اگر برنامه های تروریست ها به بار بنشیند و شیعیان جنوب شرق کشور با این تصور که نه با یک گروه تروریستی وابسته به خارج ، که با یک گروه مذهبی سر و کار دارند ، آنگاه دیگر لازم نیست تروریست ها ، خود وارد عملیات جدید شوند ، بلکه تنها نظاره گر رشد و نمو بذرهایی خواهند بود که پاشیده اند و از آنها بوی خون و تفرقه می آید.

بنابر این هوشیاری سیاسی و دینی ایجاب می کند که نه شیعیان و نه اهل سنت ، در زمینی که دشمن مشترک شان تهدید کرده ، بازی نکنند.

اقدامات تروریستی جنوب شرق ، هر چند توسط افرادی صورت می گیرد که مدعی پیروی از اهل سنت هستند ، اما هیچ ارتباط منطقی ، عقلی و شرعی بین این آدم کش های بی رحم با مذهب اهل سنت و پیروان آن وجود ندارد.

سال ها پیش اعضای منافقین مدام دست به اقدامات تروریستی می زدند و درست مانند تروریست های جنوب شرق، مردم بی گناه را به خاک و خون می کشیدند و این در حالی بود که آنان ادعای این را داشتند که شیعه هستند و سران شان (رجوی ها)نیز در مقابل دوربین های تلویزیونی به کربلا می رفتند و زیارت عاشورا می خواندند! و البته هیچ کس هم جنایات آنها را به پای مذهب تشیع و شیعیان ننوشت.

اکنون هم همین ماجرا دربارۀ تروریست های جنوب شرق صادق است و نباید شقاوت های گروهی تروریست وابسته به آن سوی مرزها را به حساب اهل سنت گذاشت و بر تخم کینه ای که می خواهند بپاشند ، آب فشانند.

شیعیان زاهدان ، هر چند عزادار و خشمگین اند و در این عزاداری و خشم نیز ذیقح اند ، اما باید خشم خود را متوجه کانون های اصلی تروریست ها بکنند و خدای نکرده وارد بازی تعریف شده توسط تروریست ها نشوند.

امروز ، فارغ از تمام مشکلات و دیدگاه های متفاوت سیاسی در کشور ، حفظ وحدت شیعه و سنی و بسط تساهل مذهبی نیاز راهبردی جامعه است.

تقریب

آیت الله تسخیری:

به دلیل اختلاف با آقای قرضاوی، از نایب رئیسی اتحادیه جهانی علمای مسلمان استعفا دادم

شیعیان ایران، عراق، لبنان و عربستان در این نشست حضور مؤثر داشتند.

وی خاطر نشان کرد: باید در چنین نشست هایی حضور جدی داشته باشیم و از این طریق می توانیم روابط خوبی با سایر اندیشمندان اسلامی برقرار کنیم و جلوی بسیاری از تنش ها را بگیریم.

خاطر نشان می شود در نشست مجمع عمومی اتحادیه جهانی علمای مسلمان که در ترکیه برگزار شد، "یوسف قرضاوی" مجدداً به عنوان رئیس این اتحادیه و آیت الله "واعظ زاده خراسانی" و شیخ الخلیلی" مفتی عمان به عنوان نواب رئیس انتخاب شدند.

رییس پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی:

علمای اهل سنت به میدان آیند

رییس پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، خواستار حضور علمای برجسته اهل تسنن به عنوان افرادی بیدارگر، استکبار ستیز و مدافع تقریب و وحدت به منظور برخورد جدی با اعمال تروریستی و وحشیانه وهابیت شد.

حجت الاسلام والمسلمین نجف لک زایی در گفت وگو با مرکز خبر حوزه با محکوم کردن جنایات تروریستی و به خاک خون کشیدن مردم بی گناه زاهدان، گفت: مسئله ای که باعث شد اربابان گروهک ریگی، مانند آمریکا دستور به انجام این عمل ننگین دهند به شکست هایی که در سطح جهان و منطقه برای آنان ایجاد شد، بر می گردد.

این محقق و پژوهشگر حوزوی که خود اهل سیستان و بلوچستان است، ادامه داد: دستگیری عبدالملک ریگی سرکرده گروهک جندالله و یا آزادی شهرام امیری دانشمند ربوده شده ایرانی، اقدامات بی سابقه ای بود که اتفاق افتاد.

رییس پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اضافه کرد: در همان روزی که این پیروزی برای جمهوری اسلامی رقم خورد و شهرام امیری به شکل غیرقابل باور به ایران بازگشت برای انحراف افکار عمومی و حفظ آبرو و کم شدن فشار بر عربستان و آمریکا، این حادثه تروریستی را آفریدند.

وی، تفرقه مسلمین را از دیگر اهداف دشمنان برشمرد و اظهار داشت: دشمنان آرزو دارند مسائلی که در افغانستان، پاکستان و عراق بین شیعه و سنی جاری است، در ایران نیز ایجاد شود؛ بنابراین باید مراقب اعمال و توطئه های شوم آنان باشیم.

حجت الاسلام والمسلمین لک زایی با بیان راه کارهای مقابله با چنین اعمال غیر انسانی، گفت: باید در استراتژی های امنیتی خود بازنگری داشته باشیم و راهبردهای جدید امنیتی با اتکا به نیروهای اطلاعاتی ورزیده و با تکیه به بدنه جامعه و مردم به ویژه شیعه و سنی تعریف شود، همچنین در زمینه مشارکت جدی مردم در تامین امنیت سیستان و بلوچستان و کنترل اقدامات احتمالی اقدام جدی صورت بگیرد.

وی از منظر دینی به حوادث تروریستی مسجد جامع زاهدان پرداخت و یادآور شد: باید در حوزه راهبرد دینی فعال شویم و علمای اهل سنت به عنوان افرادی بیدارگر، استکبارستیز و طرفدار تقریب و وحدت وارد صحنه شوند ودیدگاه های اسلام را در این زمینه تبیین کنند.

این روحانی اهل سیستان و بلوچستان تصریح کرد: هر چند تروریست ها نگاه دینی به قضیه ندارند و برای رضایت اربابان خود این کارها را انجام می دهند، اما از انگیزه و مسایل دینی سوءاستفاده می کنند که باید این آگاهی بخشی از سوی علمای اهل سنت صورت بگیرد.

وی با بیان این که باید بین وهابیت و اهل سنت تفکیک قایل شد، خاطر نشان کرد: با کسانی که به شکل علنی و آشکار مخالف وحدت شیعه و سنی هستند، به عنوان دشمن درجه یک برخورد جدی صورت پذیرد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ابراز داشت: انتخاب آقای واعظ زاده، انتخاب به جایی بود زیرا ایشان هم عضو شورای عالی تقریب بوده و هم کانون تفاهم است.

وی همچنین در خصوص برخی گمانه ها برای طرح مباحث افراطی علیه شیعه در نشست اتحادیه جهانی علمای مسلمان گفت: در سخنرانی های رسمی این نشست هیچ گونه مطلبی علیه شیعه و جمهوری اسلامی ایران مطرح نشد. آیت الله تسخیری با اشاره به حضور جدی علمای شیعه در این نشست گفت: علمایی از

عمومی مطرح نکند و موضوع به نحوی حل شد اما با این حال استعفا را مناسب دیدم.

در چند سال اخیر با برخی اظهارات آقای قرضاوی درباره شیعه و جمهوری اسلامی ایران اختلاف داشتیم و البته توافق شد که ایشان این مباحث را در رسانه های عمومی مطرح نکند و موضوع به نحوی حل شد اما با این حال استعفا را مناسب دیدم.

وی ادامه داد: با استعفای من، آیت الله واعظ زاده خراسانی به عنوان نایب رئیس و نماینده اصلی شیعه در این اتحادیه انتخاب شدند.

آیت الله نمازی:

وحدت امت ضرورتی عقلی و نیازی همیشگی

اجتماعی و بین المللی را از دست دادن.

در آیه دوم، دو مطلب بیان شده است:

۱- چنگ زدن به ریسمان پروردگار توسط

عموم امت اسلامی.

۲- نهی از تفرقه و جدایی.

اگر تقریب یک نیاز ضروری است، شما چه راهکاری را برای نشر فرهنگ آن پیشنهاد می کنید؟

به نظر من تقریب درجامعه امروزی یک نیاز است و بحث اتحاد امت اسلامی و ضرورت آن و نقش آن در بالارفتن اقتدار امت اسلامی و استکبارستیزی باید به فرهنگ عمومی تبدیل شود. برای این منظور باید به صورت ریشه ای عمل شود که در این زمینه دو پیشنهاد اصلی را ارائه می کنم:

۱- آثار و برکات و دستاوردهای وحدت به طور تفصیل گردآوری و تبلیغ شود.

۲- آثار و ثبعت منفی اختلاف در طول تاریخ به خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط کارشناسان بررسی و در کتاب های درسی مقطع متوسطه و دانشگاه به صورت استدلالی و فلسفی به نسل نوجوان و جوان کشور منتقل شود.
به نظر شما دشمنان اسلام تا چه حد در ایجاد فتنه میان مسلمانان موفق بوده اند؟ و چگونه می

عضو شورای عالی مجمع تقریب مذاهب اسلامی:

علامه شهید بلخی مبارزی خستگی ناپذیر بود

بزرگترین درد جامعه را نادانی می دانست.

به گفته محمدی عراقی، در آثار شهید سید اسماعیل بلخی تفسیر عقلایی و مبارزه با جهل و خرافات زیاد به چشم می خورد و با افکاری که معتقد بودند، میان دین و علم تضاد وجود دارد، شدیداً مخالف بود.

حجت الاسلام والمسلمین محمدی عراقی در ادامه با اشاره به مبارزه این عالم شهید با استعمار و استبداد گفت: حاصل ۱۵سال زندانی شدن او به گفته خود وی، یکهزار و ۷۰۰ مرتبه قرائت قرآن و دیوان ۷۵هزاری بیت شعر او است. عضو مجمع شورای عالی تقریب مذاهب اسلامی ادامه داد: بازگشت به قرآن و اندیشه های اسلامی، و عدم اعتقاد به قوم و قبیله گرایی و داشتن تفکر جهانی از ویژگی های این روحانی برجسته افغان است.

وی افزود: شهید بلخی انسانی وارسته بود، که از درد و رنج مردم آگاهی داشت و خودباوری در آثار برجای مانده از او موج می زند و از یاس و نومیدی شدیداً بیزار بود و این موضوع رامی توان به وضوح در افکار و اندیشه های بلخی مشاهده کرد. در این همایش محمد کریم خلیلی معاون دوم حامد کرزی رییس جمهور افغانستان علامه بلخی

به گزارش خبرگزاری تقریب، آیت الله تسخیری که برای حضور در نشست این اتحادیه به ترکیه سفر کرده بود، در گفت و گوی تلفنی با مرکز خبر حوزه گفت: به علت درگیری هایی که طی چند سال اخیر با آقای قرضاوی، رئیس این اتحادیه داشتم، ترجیح دادم از ادامه نایب رئیسی در این اتحادیه کناره گیری کنم.

آیت الله تسخیری افزود: در چند سال اخیر با برخی اظهارات آقای قرضاوی درباره شیعه و جمهوری اسلامی ایران اختلاف داشتم و البته توافق شد که ایشان این مباحث را در رسانه های

نماینده ولی فقیه و امام جمعه شهر کاشان و عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم چگونه و از چه زوایایی به وحدت امت اسلامی می نگرد؟
امروزه بعضی از صاحب نظران و اندیشمندان بر این باورند که وحدت در عمل و تقریب در نظر از ضروریات اسلام است، نظر حضرت تعالی در بقاره این مقوله چیست؟

اتحاد میان امت اسلامی ضرورتی عقلی و نیاز همیشگی تاریخ اسلام بوده و خواهد بود. تنازع و اختلافات در امت اسلامی عامل هدر رفتن سرمایه های مادی و معنوی و در نتیجه عقب ماندگی و سلطه بیگانگان خواهد شد.

وجوب وحدت اسلامی را می توان در بعضی از آیات قران یافت ،که دو آیه برای نمونه ذکر می شود:

الف) وَلَا تَنَازَعُوا فِی فَعْشَلُوا وَ تَذَهِبَ رِیْحُکُمْ (سوره انفال، آیه ۴۶)

ب) وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً وَلَا تَفَرَّقُوا (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳)

در آیه اول سه نکته اساسی بیان شده است:

۱- نهی از منازعه و اختلاف (لَا تَنَازَعُوا)

۲- نتیجه نزاع و اختلاف که عبارت است از فشل شدن یعنی از کارایی و قدرت ساقط شدن.

۳- تذهب ریحکم" یعنی اعتبار و موقعیت

حجت الاسلام والمسلمین محمدی عراقی در همایش بررسی اندیشه های علامه بلخی گفت: شهید بلخی اندیشمندی برجسته، مبارز، ادیب، مجاهد، آزادیخواه و مرد علم، دین و سیاست بود.

وی اضافه کرد: این شهید بزرگوار اندیشه های بزرگی داشت و بسیاری از افکار و اندیشه های این شخصیت بزرگ، امروز برای ما ارزنده است.

وی یادآور شد: در سراسر زندگی این مجاهد نستوه، پیام هایی برای جوانان به چشم می خورد، و زندگی پر افتخار او توام با مبارزه، جهاد، مقاومت و نیز درد و رنج بود. وی زندگی از دیدگاه علامه بلخی را عشق به مرام و زندگی دانست.

محمدی عراقی یادآور شد که علامه بلخی بسیار گسترده و عمیق و جهانی فکر می کرد و مهمترین وظیفه امروز ما باز شناسی اندیشه های او است.

وی اعتقاد عمیق به وحدت میان دین و سیاست، پای بندی به وحدت اسلامی، شناخت درد و آلام جامعه به ویژه فقر فرهنگی را از اندیشه های این مرد فرزانه یاد کرد و گفت: این مبارز خستگی ناپذیری که ۱۵سال از ۴۸سال عمر خود را در زندان دهمزنگ کابل گذارند،

آیت الله سیداحمد خاتمی:

رئیس جمهور از ورود به مسائل چالش زا در حوزه دینی خودداری کند



آیت الله سیداحمد خاتمی در گفت وگو با ایسنا با اشاره به این که مواضع خود را به صورت شفاف در ارتباط با دولت محترم عرض می کنم اظهار کرد: اینجانب تقویت دولت را یک ضرورت می دانم و این آموزه ای است که ما از امام(ره) و رهبری یاد گرفته ایم. لیکن سخن این است که تقویت دولت به چه چیزی است؟ بر این باورم که تقویت دولت بر دو پایه است؛ یک حمایت ناصحانه و تجلیل و تکریم از خدمات ارزشمندی که انجام شده و دوم نقد سازنده.

وی با یادآوری این که دکتر احمدی نژاد در همایش مسئولان نهاد رهبری در دانشگاه ها فرموده اند زمانی کراوات زدن را عده ای مسخره می کردند، در حالی که هیچ یک از مراجع فتوایی بر اشکال شرعی کراوات نداده اند خاطر نشان کرد: من به ایشان عرض می کنم؛ بسیاری از بزرگان و مراجع تقلید هستند که تاکید بر اجتناب از کراوات زدن کرده اند، از جمله مقام معظم رهبری که فتوای ایشان در مجله نصیحت شماره ۱۵۴ آمده است که فرموده اند زدن کراوات و بستن پاپیون چون تقلید از فرهنگ مهاجم غیرمسلمین است، جایز نیست. حضرت آیت الله صافی گلپایگانی نیز فرموده اند که کراوات یا پاپیون شعار کفار است و مسلمین نباید از آن استفاده کنند. آیت الله مکارم شیرازی نیز فرموده اند با توجه به این که کراوات و پاپیون زدن در ایران ترویج فرهنگ بیگانه محسوب می شود استفاده از آن اشکال شرعی دارد و مراجعی چون آیت الله گلپایگانی، آیت الله بهجت و آیت الله تبریزی نیز در این ارتباط اشکال شرعی وارد کرده اند.

شریعتی و درد دین

بنده به عنوان کسی که اکثر قریب به اتفاق آثار شریعتی را مطالعه و پرونده ساواک وی را به دقت بررسی کرده است، وی را روشنفکر مذهبی نمی دانم، بلکه او را یک دیندار روشنفکر می شناسم. دغدغه اصلی یک دیندار روشنفکر، دین است و برای دین اصالت قائل است، هر چند به دنبال نوآوری و ابتکار هم هست. روشنفکران مذهبی، اصل را بر حقانیت لیبرالیسم و قبل از آن بر مارکسیسم قرار

می دادند، اما به خاطر فرهنگ ایرانی که بدون مذهب نمی شود بر جامعه تأثیر گذاشت، سعی می کردند عناصری از مفاهیم مذهبی را با لیبرالیسم یا مارکسیسم ممزوج یا تفسیر کنند؛ ولی شریعتی هیچیک از ویژگی های این دو قشر روشنفکر مذهبی را نداشت. او ضد مارکسیسم بود و بارها با توده ای ها و مارکسیست ها جنگیده بود. او فرهنگ غرب بر مبنای لیبرالیسم را درک کرده بود و از آن تنفر داشت. شریعتی به تمام معنا درد دین داشت. دردمند بودن وی حتی از نامه ای که به ساواک نوشته، کاملاً قابل درک است. او نمی خواست از اسلام قرائتی راستی یا چپی داشته باشد، بلکه به دنبال قرائتی اصیل از اسلام بود. به قول خودش او به دنبال نفی اسلام تاریخی بود که در حوادث تاریخ توجیه شده بود. او به دنبال بازگشت به خویشتن اسلامی بود. شریعتی قرائتی ایدئولوژیک از اسلام داشت، حال آنکه روشنفکران اسلامی به دنبال ایدئولوژی زدایی هستند. شریعتی روی عناصر انقلابی اسلام تأکید می کرد تا اسلام را رقیب مارکسیسم انقلابی نشان بدهد و اگر بر عناصری از قبیل آزادی و دموکراسی اصرار می کرد، به دنبال رقابت اسلام با لیبرالیسم بود. هر چند شریعتی در مسیر حرکت خود دچار اشتباهاتی شد، ولی هدف او خیر بود. به قول دکتر شهید بهشتی، شریعتی جست وجوگری در مسیر شدن بود. او به سوی شناخت اسلام زنده سازنده پیش برنده خالص تر حرکت می کرد و پیوسته رو به اصالت اسلامی

حجت الاسلام حسینیان



پیش می رفت. آخرین کتاب های او که کمتر حاوی اشتباهات جدی بود، این ادعا را اثبات می کند.

در آثار شریعتی بدبینی تندی نسبت به روحانیت دیده می شود. این موضوع یکی از اشتباهات شریعتی بود، چون از سویی اعتراض روحانیون سنتی را بر انگیخت و از طرف دیگر روحانیونی را که نسبت به اهداف شریعتی وقوف بیشتری داشتند، خلع سلاح می کرد؛ ولی تذکر دوستان و روحانیون انقلابی به وی موجب تجدید نظر در مواضع شریعتی نسبت به روحانیون شد. در جلسه پرسش و پاسخی که بعداً به صورت کتاب چاپ شد، وی اتهامات خود علیه روحانیت را توجیه کرد و مدعی شد انتقادات من به روحانیت است نه عالمان دین. مادر تشیع روحانی نداریم، عالم دین داریم. گرچه این توجیه قابل قبولی نبود، ولی وی تلاش کرد تا با تعریفی جدید از روحانیت، گذشته ها را ترمیم کند. وی در این جلسه ۱۲ دلیل بر عظمت روحانیت شیعه آورد و وجود روحانیت را یک ضرورت تاریخی و طلاب را مجاهدان پاکبازی که با حقوقی کمتر از یک مرغ امریکایی، دوران طلبگی را با زهد می گذرانند و آنان را مایه امید آینده بیداری مردم و روحانیون را مشعلداران مبارزه علیه ظلم در طول تاریخ و پاک ترین طبقه ... معرفی کرد. با این حال شریعتی همواره از امام خمینی(ره) به نیکی یاد می کرد و ظهور روح انقلابی را در مردم، مدیون شخصیت های پارسایی چون میرزای شیرازی تا آیت الله خمینی(ره) می دانست. او قیام امام را قیامی ابوذروار توصیف می کرد که بر سر قدرت زمان فریاد می زد و اسرافیل وار در صور قرآن می دمید. امام خمینی(ره) هم در ختم آیت الله آقا مصطفی به صورت اشاره، هم از روحانیونی که شریعتی را مرتد می دانستند گله کرد و هم از شریعتی که عالمانی چون مجلسی را متهم می کرد. امام خمینی با کنایه شریعتی را روشنفکری معرفی کرد که به اسلام خدمت می کند.

دکتر احمدی نژاد:

راه تغییر چیست؟

رئیس جمهور با بیان اینکه از روزی که در کشور جناح بندی درست شد، فاتحه برخی از آرمان ها خوانده شده است، گفت: نظام ولایت یک حزب بیشتر ندارد و آن حزب ولایت است.

به گزارش ایسنا، محمود احمدی نژاد در همایش مسئولان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها گفت: اوایل انقلاب شعاری که مطرح می شد، این بود که ما می خواهیم دانشگاه را از مدرک گرایی خارج کنیم و به سمت ماموریت اصلی اش سوق بدهیم و یکی از اهداف انقلاب فرهنگی نیز همین بود. البته من الان کاری ندارم که این موضوع تحقق پیدا کرده یا نه، ولی هستند افرادی که در بین مدیران و برنامه ریزان کشور که تصور می کنند موضوع دانشگاه فقط دانش است در صورتی که من فکر می کنم باید در این ارتباط مقداری تغییر ایجاد کنیم نه اینکه اسم دانشگاه را عوض کنیم بلکه باید موضوع دانشگاه را عوض کنیم.

وی با بیان اینکه اگر موضوع دانشگاه فقط دانش باشد، نتیجه آن این می شود که می بینید، گفت: باید ماموریت و موضوع دانشگاه را کمی عوض کنیم و اگر موضوع دانشگاه را انسان قرار دهیم آن وقت دانشی که در دانشگاه ارائه می شود مفهوم پیدا می کند و گر نه دانش صرف منهای حقیقت انسان به چه کار می آید؟

احمدی نژاد با طرح این پرسش که چرا برخی از وقت ها این احساس در ما به وجود می آید که وضع فرهنگی خوب نیست، گفت: زیاد به من می گویند که عده زیادی رفتارشان نادرست و خارج از محدوده و ضابطه است که به نظر من این مسئله دو علت دارد؛ علت اول آن است که ما دایره و محدوده را درست تنظیم نکرده ایم، به همین خاطر عده زیادی از همان ابتدا تصور می کنند خارج از دایره ارزش ها و آرمان ها قرار دارند، ما کراوات زدن را مسخره می کردیم و حتی کار کفرآمیز شد در حالی که هیچ مرجعی فتوا به حرمت کراوات نداده بود، نمی گویم کار خوبی است، نباید مشابه بیگانه بود. یا می دیدیم اساتید مسلمان و انقلابی مان از اساتیدی که مثلاً ریش شان را تراشیده بودند، فاصله می گرفتند، در حالی که برخی از مراجع تراشیدن ریش را فاقد اشکال می دانند.

وی افزود: وقتی موضوع دانشگاه، انسان و ساختن انسان شد در آن موقع روش کار ما در دانشگاه نیز متفاوت می شود. رابطه استاد و دانشجو فقط محدود به امتحان، نمره دادن و حضور و غیاب نمی شود و روش کار متفاوت می شود چرا که می خواهیم تربیت کنیم. تربیت یعنی چه؟ شاید دو تعریف را بتوانیم از تربیت داشته باشیم. البته اینها یک تعریف و مکمل یکدیگرند. تعریف اول این است که راه را باز کنیم و موانع را برداریم تا فطرت ها بیدار شود و اسماء الهی در وجود انسان متجلی شود. تربیت، انتقال یک ادبیات و انتقال یک مجموعه از مفاهیم نیست. تعریف دوم از تربیت، انتقال ارزش های انسانی است.

آقای احمدی نژاد با طرح این پرسش ها که چگونه می خواهیم عاشق مردم و خداوند باشیم و چه باید بکنیم که حقیقت وجودی انسان شکوفا شود، عنوان کرد: درس اخلاق بگذاریم خیلی خوب است اما آیا با درس اخلاق و معارف انسان ها شکوفا می شوند؟ اکنون به گفته دوستان ۱۴ واحد معارف در دانشگاه داریم که ۱۴ واحد کم نیست. بر حسب ظاهر باید با ۱۴ واحد بتوانیم همه را متغلب کنیم و سئوالات جواب داده شود اما چرا این اتفاق نمی افتد؟ درس معارف را باید خوب یاد گرفت. لیسانس الهیات دارد و تمام سئوالات را جواب می دهد و نمره ۲۰ می گیرد ولی وقتی در جامعه به او نگاه می کنیم، می بینیم این آن چیزی نیست که شما برای آن زحمت کشیده اید.

آیت الله سیدمحمد خامنه ای:

بازشناسی هویت ایرانی به استقلال کشور کمک می کند

رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدر گفت: بازشناسی هویت ایرانی و اسلامی در شرایط کنونی امری ضروری است زیرا استقلال کشور در سایه توجه به هویت ایرانی و اسلامی حفظ می شود. آیت الله سید محمد خامنه ای در همایش حکمت شیعی و علم و تمدن اسلامی که در سالن اجتماعات دانشکده علوم انسانی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین برگزار شد، اظهار داشت: شیعه به برکت اهل بیت(ع) توانست به اسلام روی آورد و از هدایت ادیان الهی بهره مند شود اما ظلم و ستم ظالمان موجب شد حقایق شیعه پنهان بماند. وی برگزاری این گونه همایش ها را در کشف حقایق شیعه موثر دانست و افزود: برگزاری همایش حکمت شیعی و علم و تمدن اسلامی می تواند نسل های آینده را با بررسی تمدن اسلامی بیشتر آشنا کند. وی اظهار داشت: انقلاب اسلامی فرصتی بود تا استعداد های دینی و مذهبی ملت شکوفا شود و بسیاری از ظرفیتهای مغفول مانده دینی که فراموش شده بود زمینه بروز پیدا کند و توان شیعه در اداره امور به منصف ظهور در آید. رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدر تصریح کرد: شیعه امروز توانسته است به برکت وجودی معصومین(ع) ویژگیهای تمدن اسلامی را به جهان عرضه کند و مسیر سعادت بشریت را در سایه اخلاق و نزدیکی به خداوند روشن کند. وی خاطرنشان کرد: خودشناسی انسان را به خداشناسی می رساند و سعادت دنیا و آخرت راه یافتگان را تضمین می کند.

در ادامه این همایش آیت الله باریک بین امام جمعه قزوین گفت: این همایش برای بررسی تمدن اسلامی و علم بویژه شیعه اسلامی برگزار شده است و انتظار داریم با توجه ویژه رئیس بنیاد حکمت اسلامی به نتایج ارزشمندی دست پیدا کنیم. وی افزود: در فرصت ایجاد شده باید با تداوم برگزاری این همایش ها بتوانیم شخصیت های برجسته اسلامی را به جامعه جهانی معرفی کنیم و یادشان را گرامی بداریم. آیت الله باریک بین یادآور شد: انتخاب قزوین برای برگزاری این همایش را بسیار مناسب بود زیرا این شهر دارای سابقه و پیشینه تاریخی بسیار گرانبهایی است و روزگاری مهد علما و بزرگان علم و فلسفه بوده و علمایی چون شیخ بهاء الدین آملی را تربیت و تقدیم جامعه دینی کرده است.

نکوداشت بین‌المللی آیت‌الله سید مجتبی

موسوی‌لاری در قم

نکوداشت بین‌المللی آیت‌الله سید مجتبی موسوی‌لاری به منظور تجلیل از تلاش‌های ارزشمند این عالم در زمینه ترویج معارف شیعی در عرصه بین‌الملل، با حضور شخصیت‌هایی از کشورهای مختلف در قم برگزار می‌شود. دبیر اجرایی این همایش با اشاره به اهداف برگزاری این نکوداشت اظهار داشت: مهم‌ترین اهداف برگزاری این همایش گسترش فرهنگ و معارف اهل بیت(ع) در پوشش معرفی شخصیت آیت‌الله موسوی‌لاری و الگودهی به نسل جوان به ویژه طلاب و فضایی جوان حوزه‌های علمیه است.

حجت‌الاسلام "حسن امیر انصاری" به برنامه‌های این همایش یکروزه اشاره کرد و افزود: قرائت پیام آیت‌الله مکارم شیرازی درباره شخصیت و اقدامات چشمگیر ایشان در سطح بین‌الملل، سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین اعرافی رئیس جامعه‌المصطفی‌العالمیه و ارائه مقاله درباره زندگی و شخصیت ایشان توسط دکتر ویلیام جیتیک اندیشمند مسلمان کانادایی از برنامه‌های این همایش است.

مدیر پشتیبانی امور علمی پژوهشی جامعه‌المصطفی‌العالمیه خاطر نشان کرد: پروفیسور حامد الگار از اندیشمندان آمریکایی و برخی از محققین و پژوهشگرانی که مورد تأثیر تالیفات ایشان، مسلمان یا شیعه شده و از اندیشمندان جهان اسلام به شمار می‌روند و بزرگان و محققین حوزه از مدعوین این همایش هستند.

وی با اشاره به بخش‌های مختلف همایش نکوداشت آیت‌الله موسوی‌لاری اظهار داشت: این همایش از دو کمیته علمی و اجرایی تشکیل شده که وظیفه کمیته علمی، تهیه آثار و تالیفات ایشان و معرفی آنها به جامعه علمی کشور به ویژه نسل جوان در قالب برگزاری نمایشگاه کتاب در حاشیه این همایش است.

انصاری با اشاره به اقدامات کمیته علمی این همایش ادامه داد: در حال حاضر چکیده اندیشه‌ها و افکار آیت‌الله موسوی‌لاری در حال جمع‌آوری و تدوین است و کارهای پژوهشی فراوانی برای معرفی ایشان در حال انجام است.

وی اضافه کرد: تهیه یادنامه آیت‌الله موسوی‌لاری با بیش از ۵۰ مقاله از بزرگان جامعه علمی دنیا، همچون پروفیسور حامد الگار، آیت‌الله محقق داماد، دکتر ویلیام جیتیک، استاد محمدرضا حکیمی و دیگر شخصیت‌های علمی دنیا از دیگر اقدامات کمیته علمی این همایش است.

دبیر اجرایی نکوداشت بین‌المللی آیت‌الله موسوی‌لاری بیان داشت: تهیه ویژه‌نامه‌ای برای معرفی شخصیت ایشان و تدوین زندگینامه این عالم مجاهد ویژه نسل جوان با عنوان "نخل و نسیم" که به سبک روان و ساده زندگی ایشان را به تصویر کشیده از دیگر اقدامات این کمیته به شمار می‌رود.

آیت‌الله سیدمجتبی موسوی‌لاری از عالمان برجسته است که کتاب‌های او توسط اندیشمندانی چون پروفیسور حامد الگار و دکتر ویلیام جیتیک در آمریکا و اروپا به ده‌ها زبان زنده دنیا ترجمه و چاپ شده و مورد استقبال بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته است به طوریکه تاکنون هزاران نفر را در جهان به سوی اسلام و مکتب غنی تشیع رهنمون ساخته است.

نگارش کتاب اسلام و سیمای تمدن غرب توسط آیت‌الله موسوی‌لاری در قبل از انقلاب، محدودیت‌ها و واکنش‌هایی را از سوی ساواک در پی داشت، اما او در مقطعی که بسیاری از نویسندگان جریان‌های چپگرا را نشانه رفته بودند، غرب و فرهنگ غربی را به چالش کشاند، به گونه‌ای که در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی خلیل زاد (نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل) به نقد کتاب این دانشمند فرهیخته پرداخت.

آیت‌الله سید عباس کاشانی عمر خود را در ترویج

معارف اسلام سپری نمود

در پی ارتحال آیت‌الله حاج سید عباس کاشانی(ره)، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران در پیامی، درگذشت این عالم ربانی را تسلیت گفت.

در این پیام آمده است: عالم عامل، مرحوم مغفور حضرت آیت‌الله علامه سید عباس کاشانی(رحمة الله علیه) عمر پربرکت خود را در راه تحقیق و تدبیر در منابع فقهی و نشر معارف حقه شیعی سپری کرد، ثلمه‌ای جبران‌ناپذیر است.

در بخشی از این پیام با اشاره به این که آیت‌الله کاشانی آخرین شاگرد مرحوم آیت‌الله قاضی بود و از محضر پرفیض آن عالم جلیل‌القدر بهره‌ها برده‌اند، خاطرنشان شده است: این عالم ربانی، عمر شریف خود را در تهذیب نفس و ترویج و گسترش معارف و فرهنگ اسلامی سپری نمود و سال‌ها امامت جماعت صحن مقدس حضرت اباعبدالله الحسین(ع) را بر عهده داشت، همچنین کتاب‌های دست‌نویس بسیاری از این عالم فقیه به جا مانده است که بی‌شک از ذخایر ارزشمند فقه جعفری به حساب می‌آیند. در ادامه پیام با یادآوری تلاش‌های این عالم فقیه در رفع مشکلات مردم، تصریح شده است: ایشان ارتباطات مردمی گسترده در اهتمام و برطرف ساختن مشکلات آنان به ویژه مستمندان جامعه داشت که باعث انس و الفت میان اقشار مختلف مردم با آن فقیه مجاهد شده بود.

حوزه‌های علمیه خواهران در پایان پیام تسلیت خود، این ضایعه بزرگ را به محضر حضرت ولی‌عصر(عج)، رهبر معظم انقلاب اسلامی، شاگردان و خانواده آن عالم جلیل‌القدر و همه دوست‌داران ارزش‌های الهی و انسانی تسلیت گفته و برای آن مرحوم علو درجات از خداوند منان مسئلت نموده است.

آیت‌الله خرازی: روحانیون، پیشگام عرصه امر به معروف و نهی از منکر هستند

به معروف و نهی از منکر در ملت‌های گذشته هم بوده و علاوه بر سرزنش الهی دچار عذاب نیز شده‌اند.

عضو جامعه مدرسین حوزه با تأکید بر عبرت‌گیری از سرنوشت گذشتگان تصریح کرد: فریضه امر به معروف و نهی از منکر باید در جامعه جاری گردیده و در همین راستا روحا نیون باید پیش‌گام باشند.

استاد خارج حوزه علمیه قم با بیان این مطلب که در این راه نباید هراسی به دل راه داد، گفت: کسی که حسینی فکر می‌کند نباید از مردم ابایی داشته، بلکه باید تنها از خدا برترسد. آیت‌الله خرازی با تأکید بر اقامه فریضه امر به معروف و نهی از منکر، گفت: در جامعه اسلامی همه باید مراقب باشند تا خطایی صورت نگیرد.

وی ادامه داد: اگر فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه احیاء شود، سایر فرائض هم زنده می‌شوند؛ به طوری که جامعه‌ای که این فریضه در آن اجرا گردد در بین جوامع دیگر می‌درخشد.

عضو جامعه مدرسین حوزه بیان داشت: ائمه جماعات حوصله داشته باشند و با اخلاق پسندیده با مردم برخورد نمایند. استاد اخلاق حوزه علمیه قم، مردم‌داری را شاخصه بارز روحانیت عنوان کرد و ابراز داشت: هرچه روحانیون در کنار و همراه مردم باشند و اخلاق را در این ارتباط مراعات کنند، جامعه به روی صلاح گام برمی‌دارد.



عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بر پیشگام بودن روحانیون در عرصه احیاء و فرهنگ‌سازی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه تأکید کرد.

آیت‌الله سیدمحسن خرازی نقش امامان به خصوص اباعبدالله (ع) را پس از رسول اکرم(ص) در حفظ جامعه اسلامی بسیار مؤثر ارزیابی کرد و اظهار داشت: امروز چهره اسلام به برکت امام حسین(ع) می‌درخشد. وی با بیان این که محبت به امام حسین(ع) صرفا

مخصوص شیعیان نبوده، بلکه آن حضرت علاقه‌مندان زیادی در سراسر دنیا را به خود جلب کرده است، افزود: استحکام گذشته، حال و آینده اسلام به برکت امام حسین(ع) است.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ادامه داد: باید برای بهره‌گیری از این موهبت به بهترین شکل، برنامه ریزی کرده و مردم را به سوی اسلام و صلاح دعوت و به امام حسین(ع) علاقه‌مند نماییم.

وی همچنین با اشاره به آخرین سخنرانی امام حسین(ع) در مکه معظمه یادآور شد: مخاطب حضرت، دانشمندان و علمای اسلام هستند و در این خطبه جامعه اسلامی را به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر متوجه داده است.

آیت‌الله خرازی اذعان داشت: کسانی که از این فریضه الهی تخلف کنند، عصیان الهی کرده و این عصیان الهی نسبت به امر

حجت‌الاسلام غروی‌ان:

کسی که به فلسفه حجاب نرسیده با بخشنامه محجبه نمی‌شود

اظهار داشت: از دولت هم چنین انتظاری نمی‌رود چرا که بدحجابی، جریان‌های فکری زیربنایی و فلسفی دارد.

این عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ادامه داد: کسی که به فلسفه حجاب نرسیده باشد با بخشنامه محجبه نمی‌شود، دولت باید با یک برنامه ریزی جامع، از اساتید حوزه و دانشگاه برای همایش‌ها، سخنرانی‌ها، میزگردها و جلسات پرسش و پاسخ وسیع و جدی در دانشگاه‌ها خصوصا در زمینه حجاب دعوت کند، موافق و مخالف بیایند دیدگاه‌های خود را مطرح کنند تا فضای بحث فرهنگی باز بشود، بسیاری از بدحجابی‌های موجود از سر لجبازی است و اگر این‌ها فضایی برای اظهار نظر پیدا کنند، منطقی ندارند.

خطر ظهور خوارج جدید جدی گرفته شود

خودری بر اثر رفتار سلیقه‌ای برخی افراد نشان دهنده آن است که بایستی هشدار امام جمعه قم توسط مراکز ذریط جدی گرفته شود. نکند با مسامحه و سهل‌انگاری به واسطه اعمال برخی از افراد و محافل دل مقام معظم رهبری غمگین و دشمنان قسم خورده کشور و نظام مسرور شود.

۳- جناب آقای دکتر لاریجانی، نماینده مردم شریف و انقلابی قم و ریاست محترم مجلس شورای اسلامی شخصیتی دانشمند، فرزانه، اصول‌گرا و مورد حمایت و عنایت مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و مراجع عظام تقلید (حفظهم‌الله) و جامعه مدرسین و حوزه علمیه و قاطبه اقشار فهیم قم بوده و می‌باشند.

در قسمت دیگر بیانیه تصریح شده است: بدیهی است خدمات ارزشمند جناب دکتر لاریجانی نسبت به شهر مقدس قم و مجاورین کریمه اهل بیت(ع) و مشی مستقل و اعتدالی ایشان و مدیریت عالی مجلس را برخی افراد که دنبال تحمیل سلیقه خود به جای سیاست‌های نظام هستند را برنمایند و با انگیزه‌های مختلف در پی آن باشند که شرایط سیاسی کشور همیشه ملتهب باشد.

۴- این جمله مؤکد مقام معظم رهبری که فرمودند: "حفظ وحدت، همدلی و انسجام در جامعه و پرهیز از هرگونه اختلاف و شکاف، نظر رهبری در این برهه حساس است." بایستی سرمشق تمام تحركات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی همه جریان‌ها و نیروهای سیاسی وفادار به نظام و انقلاب باشد.

در پایان این بیانیه تأکید شده است: امروز تمیز دادن کسانی که دنبال پیروی از مقام عظمای ولایت در رابطه با حفظ وحدت و همدلی در جامعه هستند با افرادی که بر طبل اختلاف می‌کوبند، کار مشکلی نیست. مردم فهیم و انقلابی ما بی‌تردید اجازه نخواهند داد در شرایط حساس کنونی خللی در وحدت و انسجام ملت ایجاد شود.

حجت‌الاسلام محسن غروی‌ان از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم هم در گفت‌وگویی با بیان اینکه سیاست‌گذاری کلان در بحث بدحجابی به دست نیروی انتظامی نیست، گفته: جریان‌های فکری-فلسفی، کلامی و انسان‌شناختی، زمینه‌ساز بدحجابی یا بی‌حجابی می‌شود.

وی افزود: باید در رسانه‌ها، مطبوعات و صدا و سیما از فیلسوفان و فرهیختگانی که آشنایی با فلسفه غرب دارند و با مکاتب فکری-فلسفی و انسان‌شناختی جهان آشنا هستند خواسته شود که بیایند بحث‌های مبنایی و ریشه‌ای درباره حجاب و عفت و پاکدامنی مطرح کنند.

غروی‌ان با عنوان این مطلب که ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که نیروی انتظامی مساله حجاب را ساماندهی کند،

خبرگزاری مهر: چند تشکل سیاسی در قم با صدور بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن پخش اطلاعیه علیه رئیس مجلس در قم، بر ضرورت جدی گرفتن هشدارهای اخیر امام جمعه قم مبنی بر خطر ظهور خوارج جدید تأکید کردند.

در این بیانیه که با امضای "مجمع طلاب و فضایی قمی" حوزه علمیه قم، جبهه پیروان خط امام و رهبری و مجمع هماهنگی پیروان امام و رهبری ارسال شده، خطاب به مردم شریف و انقلابی قم آمده است: هر سخن، حرکت و نوشته‌ای که موجب شکاف در جامعه و ظلم به افراد شود بر خلاف مصالح کشور است. (حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، سوم تیر ۱۳۸۹)

اطلاعیه‌ای با امضای مجهول و بدون هویت در محل نماز جمعه و خیابان‌های اطراف آن پخش گردید که انعکاس آن موجب نگرانی دلسوزان نظام و ناراحتی قاطبه مردم متعهد و متدین قم شد. در ادامه اطلاعیه آمده است: صرف نظر از محتوای سخیف و بی‌پایه بودن مطالب مغرضانه آن که نشأت گرفته از جلسات محفلی بود لازم می‌دانیم نکات ذیل را به عنوان مجموعه‌هایی که همواره در انتخابات‌های گذشته به ویژه در انتخابات مجلس هشتم مورد اعتماد مردم قرار گرفته‌اند، متذکر شویم.

۱- در شرایطی که کشور به واسطه تشدید فشارهای دشمنان کینه‌توز و تبعات حوادث و فتنه‌های بعد از انتخابات بیش از هر زمان دیگری به آرامش و همدلی و وحدت نیازمند است، هر عملی که موجب تشدید اختلاف شود و دشمنان نظام و انقلاب و ایادی آنها را شاد کند، خلاف نظر ولی امر مسلمین بوده و عاملین آنها را ناپیستی جزو پیروان امام و رهبری دانست.

۲- انتشار این اطلاعیه بعد از خطبه هشدار دهنده امام جمعه قم، مبنی بر خطر ایجاد خوارج جدید در صفوف جبهه

نامه آیت الله مقتدایی به شیخ الازهر



اشتراک عظیمی در رویکردها میان خود و شما می بینیم. از این رو در نظر داریم تاهیاتی متشکل از علمای حوزه علمیه قم را به الازهر اعزام کنیم تا در خصوص مسائل اسلامی و راه های شکست محاصره بی رحمانه از غزه ی آزاد و سربلند و ادای وظیفه در قبال امت اسلامی و حمایت از برادران ستم کشیده ی فلسطینی مان، با شما و دیگر شیوخ رایزنی و گفتگو داشته باشیم و آمادگی خود را برای این منظور اعلام می کنیم.

اسلامی شد. وی در ادامه به تأکید شیخ الازهر بر میانه روی و تعامل علمی و سازنده با حوزه های علمی شیعه اشاره و تصریح کرده است: اینها شما را در نظر ما خلفی شایسته برای گذشتگان بزرگی همچون (شیخ محمد شلتوت)، (شیخ عبد العزیز عیسی) و علمای برجسته ی دیگر نشان می دهد. اما چه کنیم که شیوه ی تدروهای تکفیری که خطاها و اشتباهات خود را اعمال نیکو می پندارند غیر از این است و پیامد تلاش ها و فعالیت هایشان چیزی جز پاره پاره کردن امت اسلامی و پراکنده ساختن آن نیست. در پایان این نامه آمده است: با تأکید جنابعالی بر ضرورت متحدسازی تلاش های امت اسلامی برای شکست محاصره ی ظالمانه ی غزه ی مظلوم و تحت فشار، همسویی کاملی در دیدگاه ها و

پشتکار دارند، ما نیز باید دست در دست هم دهیم و یکدل و منسجم در کنار یکدیگر بایستیم. مدیر حوزه های علمیه تأکید کرده است: در این راستا باید مواضع مقتدرانه ی علما و حامیان دین را که به ندای خداوند تعالی لبیک گفته و از آوارگان فلسطینی دفاع می کنند، ارج نهیم و جایگاه آنان را که به تبلیغ رسالت های خداوند همت گمارده و جز او از کسی بیمی به دل راه نمی دهند گرامی بداریم.

آیت الله مقتدایی با تقدیر از مواضع ضد صهیونیستی شیخ الازهر آورده است: مواضعان در محکوم کردن حمله ی وحشیانه ی رژیم اشغالگر به کشتی های کاروان آزادی و عدم پذیرش زیارت قدس شریف با ویزای اسرائیلی قابل تقدیر است و این شجاعت جناب عالی، موجب احیای الازهر در رویارویی با دشمنان و زدودن اندوه از دل امت

آیت الله مقتدایی مدیر حوزه های علمیه در نامه ای به دکتر احمد الطیب شیخ الازهر مصر به مسائل روز جهان اسلام به ویژه فلسطین اشغالی اشاره کرد و از اعزام هیاتی از علمای قم به مصر سخن گفت.

در این نامه با اشاره به تلاش رژیم صهیونیستی برای گسترش حضور خود در سرزمین های اسلامی و عربی و تحقق بخشیدن به رؤیای خیالی از نیل تا فرات آمده است: در حال حاضر امت اسلامی در سایه ی اتحاد نیروهای استعمارگر و اجماعشان بر بلعیدن حقوق مسلمانان و یکپارچگی شان در مشروعیت بخشیدن به رژیم پست و اشغالگر اسرائیل، شرایط سخت و دشواری را سپری می کند.

در ادامه نامه آیت الله مقتدایی تصریح شده است: وقتی می بینیم که آنان در باطل خود عزم و

رئیس سازمان تبلیغات اسلامی قم:

خلاء رساندن معارف اهل بیت (ع) به جهان احساس می شود

سخنرانی، داشتن ماهوارهای، سایتهای اینترنتی و... نیست، در عین حال که این کارها باید دنبال شود ولی هر زمان که ما به این معارف والا پایبند باشیم مطمئن باشید این امر به انتشار معارف اهل بیت(ع) منجر خواهد شد. اسکندری اضافه کرد: هر چقدر از طریق شبکههای ماهوارهای و سایتهای اینترنتی مکتب اهل بیت(ع) را ترویج کنیم اما مردم دنیا مغایرت رفتار و گفتار ما را ببینند قادر نخواهیم بود کام تشنه انسانهای عطشزده را سیراب کنیم.

نیاز دارند و حتی برخی کشورهای اسلامی به دلیل اینکه از معارف ناب و زلال اهل بیت دور نگه داشته شدند، به این آموزهها نیاز دارند.

حجت الاسلام اسکندری رساندن معارف عظیم اهل بیت(ع) به جهانیان را وظیفه همگان دانست و اظهار داشت: البته در سطح کلان، مسئولان باید این زمینه را فراهم کنند تا معارف زلال اهل بیت عصمت و طهارت(ع) به سرعت از قم به کشورهای مختلف جهان منتقل شود.

وی ادامه داد: نشر معارف اهل بیت(ع) صرفا به

مرحله جدیدی شده و احساس عطش شدیدی به اخلاق و معنویت دارد.

وی ادامه داد: کشورهای غربی و اروپایی همانند انسانهایی که سالهای سال با خشکسالی مواجه بودند و تشنگی به تمام معنا وجودشان را فرا گرفته، به دنبال دستیابی به مباحث اخلاقی و معنوی هستند.

رئیس سازمان تبلیغات اسلامی قم تصریح کرد: همین معارفی که ما به صورت ارزان به آنها دسترسی داریم، غربیها به قطره قطره این معارف

رئیس سازمان تبلیغات اسلامی قم گفت: کشورهای جهان به ویژه غربیها عطش شدیدی نسبت به دریافت معارف والا ی اهل بیت(ع) دارند ولی خلاء رساندن این معارف به جهان احساس میشود. حجتالاسلام عباس اسکندری با اشاره به عطش شدید دنیای غرب به معارف دینی و اخلاق اسلامی اظهار داشت: دنیا با پشت سر گذاشتن یک دوره زمانی فاصله شدید از معنویت به ویژه دنیای غرب که بعد از رنسانس و نهضت صنعتی در اروپا از اخلاق و معنویت فاصله گرفته است، امروز وارد

موسس حوزه علمیه کوهدشت به دیار باقی شتافت

برخی از اعضای جامعه مدرسین حوزه، نمایندگان خبرگان رهبری، مدیران ارشد دفتر تبلیغات اسلامی و سایر مراکز حوزوی، جمعی از اعضای مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، مسئولین استان لرستان و عموم ارادتمندان سلسله جلیله روحانیت، در فضایی آکنده از حزن و اندوه از مسجد امام حسن عسکری (ع) آغاز و تا حرم با صفا و نورانی کریمه اهل بیت (س) ادامه یافت.

پس از انتقال پیکر مرحوم حجت الاسلام والمسلمین مروجی(مبلغی) به حرم مطهر و سراسر معنوی حضرت فاطمه معصومه(س) نماز میت به امامت حضرت آیت الله سبحانی اقامه گردید و پیکر آن مرحوم، بر اساس وصیت ایشان جهت تدفین به شهرستان کوهدشت انتقال خواهد یافت. خاطر نشان می شود، حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ ماشاءالله مروجی(مبلغی) روز گذشته به علت بیماری در یکی از بیمارستان های قم دارفانی را وداع گفت و به دیار باقی شتافت.

نماینده ولی فقیه در استان لرستان، ائمه جمعه، نمایندگان خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی با انتشار پیام هایی، ارتحال این عالم فقید را به محضر حضرت ولی عصر(عج)، مقام معظم رهبری، مراجع عظام، حوزه های علمیه و مردم و ولایت مدار لرستان تسلیت گفتند.

نماینده ولی فقیه در لرستان:

مرحوم مروجی مرزبان اعتقادات مردم بود

داشتند، افزود: بسیاری از مردم منطقه کوهدشت، تربیت شده درس های اخلاقی ایشان بوده و هستند. حجت الاسلام والمسلمین میرعمادی، در گذشت این مجاهد فقید را صدمه جبران ناپذیری برای استان لرستان توصیف کرد و اذعان داشت: با تشکیل شورای عالی در استان ها توسط مرکز مدیریت حوزه های علمیه، انتظار داشتیم از این عالم فرزانه که عضو شورای حوزه علمیه استان لرستان بود، بیشتر بهره ببریم که متأسفانه این امر میسر نشده و فقدان وی ضایعه بزرگی برای استان گردید.

وی در ادامه سخنان خود، حوزه علمیه کوهدشت را یکی از بارزترین و قوی ترین مدارس علمیه در استان لرستان ذکر کرد و گفت: تمام این خصوصیات مدیون تلاش های مرحوم مروجی(مبلغی) بود که این فعالیت ها باعث شد علاوه بر پیشرفت این حوزه علمیه ایشان به یک شخصیت محبوب، پر تلاش وجدی در امر تحصیل، در بین علما، روحانیون و مردم استان، تبدیل گردد.

حجت الاسلام والمسلمین ماشاء الله مروجی(مبلغی) موسس حوزه علمیه باقرالعلوم (ع) شهرستان کوهدشت لرستان، در یکی از بیمارستان های قم دارفانی را وداع گفت.

مرحوم حجت الاسلام والمسلمین مروجی(مبلغی)، پدر بزرگوار حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی، رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی در خانواده ای مذهبی در شهرستان بروجرد دیده به جهان گشود و از زمان حضور حضرت آیت الله بروجردی در شهرستان بروجرد، جهت کسب علوم و معارف دینی وارد حوزه علمیه این شهرستان شد و بعد از تحصیل مقدمات حوزوی، برای تحصیلات تکمیلی به نجف اشرف عزیمت نمود. آن مرحوم پس از مدتی اقامت در نجف اشرف و کسب مراتب علمی بار دیگر به ایران بازگشته و در حوزه های علمیه همدان و خرم آباد مشغول تدریس شد.

آن عالم ربانی به لحاظ ساده زیستی و روحیه مردم داری خود به سرعت در دل های مردم منطقه جای گرفت و همین امر باعث نفوذ معنوی و دین باوری در فضای عمومی این شهرستان گردید. مراسم تشییع پیکر پاک این عالم وارسته، با حضور علما، روحانیون،

امام جمعه کوهدشت:

تقوا و زهد رمز موفقیت

آیت الله مروجی بود

آیت الله حاج شیخ ماشاءالله مروجی(مبلغی) عالم فرزانه و زاهدی بود که با قناعت و همت والا توانست با تاسیس حوزه علمیه کوهدشت، نقش بسزایی در ترویج احکام اسلامی و معارف اهل بیت(ع) در این منطقه ایفا نماید.

حجت الاسلام طهماسبی، ضمن عرض تسلیت درگذشت آیت الله حاج شیخ ماشاءالله مروجی(مبلغی) اظهار داشت: ایشان عالمی جلیل القدر و وارسته بودند که مراحل مختلف سیر و سلوک را طی کرده و سالها برای هدایت مردم و ترویج احکام اسلامی در منطقه کوهدشت تلاش نمودند.

به اعتقاد وی این عالم فقید دارای انفاس قدسی بود که با قناعت و همت خود توانست حوزه علمیه شهرستان کوهدشت را تاسیس و شاگردانی را تربیت نماید و به جامعه تحویل دهد.

امام جمعه کوهدشت، ایشان را یکی از مریدان و ارادتمندان خاص امام عصر(عج) خواند و تصریح کرد: آن مرحوم به این مسئله بسیار تأکید داشته و یکی از کلیدهای حل مشکلات مردم را توسل به امام عصر(عج) می دانست.

وی ادامه داد: آن عالم وارسته همچنین اعتقاد عجیبی به ولایت فقیه، معمار کبیر انقلاب و رهبر معظم انقلاب اسلامی داشت و همواره بر پیروی از آنان تأکید می نمودند.

حجت الاسلام والمسلمین طهماسبی یادآور شد: با توجه به علاقه خاص آن مرحوم به امام عصر(عج)، نسبت به تاسیس حوزه علمیه در کوهدشت اقدام و سربازان زیادی در این راه تربیت کردند.

وی رمز محبوبیت مرحوم آیت الله مروجی در بین مردم را زهد، تقوی و مردم داری توصیف کرد و ابراز داشت: ایشان در تمام لحظه های عمر خود بر گره گشایی مشکلات مردم تأکید و در این راه تلاش بسیاری کردند.

در گفت و گوی "جوان" با حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی بررسی شد

امام خمینی (ره) و فتنه خلق مسلمان

توضیح و تذکار!

درباره فتنه خلق مسلمان

به دنبال نشر بخشی از خاطرات حجت الاسلام والمسلمین جناب استاد سید هادی خسروشاهی درباره چگونگی تأسیس و انحلال حزب خلق مسلمان و مسائل مربوط به آن، بعضی از دوستان خواستار ادامه و تکمیل این خاطرات شدند. بدین وسیله به اطلاع علاقمندان و خوانندگان محترم می‌رسد؛ آنچه که در نشریه «جوان» تهران چاپ شده بود و «بعثت» آن را در دو شماره گذشته نقل کرد، در واقع یک بخش از یادداشت‌هایی است که در این رابطه توسط ایشان تهیه شده و انشاءالله بزودی برای روشن شدن گوشه‌ای از تاریخ معاصر ایران به شکل کتابی منتشر خواهد شد و ریشه‌های اصلی فتنه‌ها را روشن خواهد ساخت. بنابراین انتظار آنست که دوستان و خوانندگان «بعثت» از پیش دآوری‌ها خودداری کنند و هرگونه اظهار نظر یا نقد و بررسی را به بعد از نشر کامل آن مجموعه و مطالعه دقیق آن موکول نمایند.

طبیعی است که برای کامل‌تر شدن آن از هرگونه پیشنهاد سازنده و تکمیلی استقبال می‌کنیم.

...البته پیش از نشر کتاب هم بعثت آمادگی دارد که بقیه خاطرات استاد را در این رابطه منتشر سازد و همزمان دیدگاه‌های متفاوت خوانندگان را نیز برای اطلاع علاقمندان در صفحات خود درج نماید...

پیش از این مرحله، ضروری است قسمتی از بخش دوم مصاحبه مندرج در بعثت شماره ۱۳۸۳ را برای تکمیل آن و رفع شبهه‌ای که بوجود آمده بود با نقل سند در این شماره بیاوریم:

بعثت

ظاهراً جنابعالی مصاحبه‌ای در این زمینه با ایشان داشته‌اید و آن را قبلاً در مجله‌های عربی منتشر نموده‌اید؟

در سال ۱۳۹۲ هـ. حدود ۴۰ سال قبل، مسئول انتشارات دارالتبلیغ اسلامی قم بودم. پس از پیشنهاد اینجانب و تصویب آیت‌الله شریعتمداری نخستین مجله یا فصلنامه عربی با سردبیری حقیر، از حوزه علمیه قم تحت عنوان «الهادی» منتشر گردید. اتفاقاً آن ایام مصادف شده بود با اخراج طلاب و فضلاء ایرانی‌الاصل از عراق که البته اغلب آنها به قم آمده بودند و با همکاری بعضی از آنها، مجله را منتشر کردیم. که اسامی بعضی از نویسندگان نخستین مقالات آن عبارت بود از شیخ محمد جواد مغنیه، سید محمد بحر العلوم، سید مهدی حسینی روحانی، سید حسن امین، سید مرتضی مرتضی، شیخ محمدعلی تسخیری، سید مصطفی جمال الدین، سید احمد حسینی اشکوری، شیخ سلمان هادی و سید هادی خسروشاهی. در آغاز هر شماره این مجله بخشی تحت عنوان آیت‌الله السید شریعتمداری یثدث بصراحه درج می‌کردیم که متن گفت‌وگوی مجله با ایشان در باره مسائل روز بود... اتفاقاً مصاحبه‌ای با آیت‌الله شریعتمداری درباره «ولایت فقیه» انجام دادیم که آیت‌الله شیخ محمدعلی تسخیری که تازه از نجف قرار کرده و به قم آمده بود و با مجله همکاری داشت، آن را تعریف کردند و در شماره چهارم سال اول همان فصلنامه، مورخ جمادی الاولی ۱۳۹۲ هـ - ص ۹ و به بعد درج گردید. این گفت‌وگو که ما خود آن را انجام دادیم و

مکتب اسلام

الْهَادِي

مَجَلَّةُ فِكْرٍ وَاسْتِبْلَاحٍ

تصدرها

دَارُ التَّبْلِيغِ الْإِسْلَامِيِّ

صاحب الانیاز : أحمد عباسی

ایران - قم

العدد الرابع . جمادی الاولی ۱۳۹۲ هـ . السنة الاولى

در زمان حیات آیت‌الله شریعتمداری منتشر گردید و فرزند ایشان یا دیگران، نمی‌توانند آن را انکار یا تکذیب کنند، در واقع منعکس‌کننده نظرات آیت‌الله شریعتمداری درباره «ولایت فقیه» است و بررسی و مطالعه آن به خوبی روشن خواهد ساخت که نظریه ایشان در این مسئله، با آنچه که در قانون اساسی به آن پرداخته شده، کاملاً هماهنگ است و اگر بعداً در ایشان تبدل رأی حاصل شده، مطلب دیگری است ولی استصحاباً باید گفت که نظریه ایشان همان است که ذکر شده، به‌ویژه که درخواست آیت‌الله شریعتمداری در مورد دخالت در امور آذربایجان در تعیین استاندار و فرماندار و امام جمعه و غیره، ناشی از همین اندیشه ولایی است وگرنه چه توجیهی وجود دارد که ایشان در این زمینه دخالت کرده باشند؟ اتفاقاً من همین مسأله را پس از مخالفت ایشان با اصل ۱۱۰ قانون اساسی شخصاً با ایشان در میان گذاشتم و با توجه به اعتمادی که به من داشتند و توجهی که به حرف‌های من می‌کردند، گفتم: اگر جنابعالی معتقد به اصل ۱۱۰ نیستید، پس چرا شما می‌توانید در تعیین مسئولین آذربایجان و امور دیگر آن منطقه دخالت کنید و من نمی‌توانم؟ اگر ملاک عمل آذربایجانی بودن باشد، بنده هم آذربایجانی هستم. ایشان با سماجت همیشگی و بدون واکنش منفی نسبت به سؤال صریح و بی‌پرده بنده پاسخ دادند: «من منکر ولایت فقیه نیستم، ولی می‌گویم ماده ۱۱۰ با ماده ۶ و ۵۶ قانون اساسی در تضادی آشکار است و بعدها مشکل ایجاد می‌کند. اگر آقایان فکر می‌کنند من نظرم مخالفت با ولایت فقیه است. ماده ۶ و ۵۶ را تغییر دهند!» که البته بنده همان وقت، با اجازه خود ایشان موضوع را به بعضی از مسئولین مربوطه منعکس کردم. به هر حال نظریه ایشان درباره ولایت فقیه، همان طور که در مجله «الهادی» آمده است به قرار زیر است...:

آیا وظیفه دینی فقیه و حاکم اسلامی منحصر به فتوا دادن است یا دایره وسیع‌تری را شامل می‌شود؟

حاکم شرع در نظر شیعه نائب امام(ع) و مسئول انجام وظایف امام است. امام حقایق دین را بیان می‌کند و مردم را به راه راست می‌برد و حاکم

مطلق در تمامی شئون دینی و دنیوی آنهاست. به عبارت روشن‌تر: امام(ع) همان وظیفه‌ای را انجام می‌دهد که پیامبر(ص) انجام می‌داد و حاکم شرع - فقیه - چنانکه گفتیم، نایب امام در همه چیزهایی است که امام به انجام آنها می‌پردازد. جای تردید نیست که پیامبر اکرم(ص) بر مردم حکومت داشتند و امور آنان را اداره می‌کردند و البته ایشان به علت شرایطی که مسلمانان در مکه با آن روبه رو بودند، نمی‌توانستند حکومت عدل اسلامی را تشکیل دهند، ولی پس از هجرت به مدینه و پیدایش امنیت بر آن حضرت و یارانش، برای نخستین بار حکومت عدل اسلامی را تأسیس کردند و در این حکومت همه خصلت‌ها و بنیادهای یک حکومت خدایی در روی زمین، وجود داشت. مضامین آیاتی که در قرآن کریم هست و پس از هجرت پیامبر نازل شده، شامل احکام جزایی، قضایی و سیاسی است و به موازات آن، کلیه پیوندهای لازم در زندگی خانوادگی و حقوقی انسان‌ها مانند آیات مربوط به: دزدی، زنا، زندگی زناشویی، ارث، جهاد، صلح، بازرگانی، جزیه و غیره... نیز مراعات شده است.

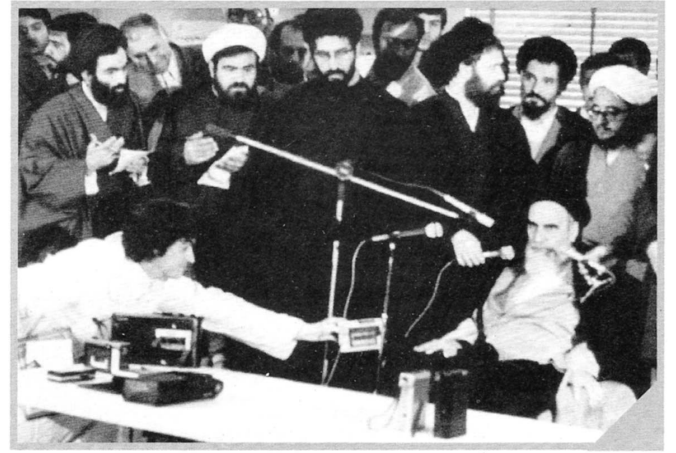
در اینجا این مسأله مطرح می‌شود که آیا دستور جهاد و فرمان جنگ می‌تواند از جانب غیر حاکم صادر شود و آیا معقول است که قرارداد صلح و عقدنامه و غیره از طرف کسانی غیر از دولت امضا گردد؟ و آیا ممکن است که حدود اسلامی از جانب یک حکومت نیرومند اجرا نشود و آیا اجراء امر به معروف و نهی از منکر، جز از راه قدرت ممکن و مقدور است؟ پس پیامبر اکرم(ص) همه این احکام آسمانی را در پرتو یک حکومت اسلامی اجرا کردند و همین طور است وظیفه و مقام امام(ع) که هر وقت که امکانات مساعد شد و قدرت بر نظارت بر امور ملت را پیدا کرد، به آن اقدام نمود. چون اساس عقیده ما جاودانه بودن دستور اسلامی در تمام شرایط و امکانات است، بر همه مسلمانان ضروری است که هرگونه کوششی را در راه تحقق اهداف عالیه اسلامی انجام دهند، ولو آنکه در زمان غیبت امام(ع) باشد، برای آنکه احکام اسلامی تعطیل بردار نیست، پس باید حکومت اسلامی به وجود آید و قانون اساسی آن، در پرتو قوانین اسلامی تنظیم شود.

از این گفتار دو چیز روشن می‌شود: ۱- تشکیل حکومت یکی از مسائل اساسی اسلامی است و بین دین و سیاست نمی‌توان جدایی افکند، مگر آنکه سیاست به معنی حقه‌بازی باشد، یا مراد از دین، اسلام راستین نباشد. ۲- مسئول این حکومت و کسی که در رأس آن قرار می‌گیرد، باید حتماً فقیه و حاکم شرع باشد و یا کسی باشد که از طرف فقیه منصوب می‌گردد، برای اینکه هیچ کسی را نمی‌توان یافت که بهتر از یک مجتهد جامع شرایط به معنی واقعی کلمه، آشنا به مبانی اسلامی باشد. به اضافه اینکه اخبار ما ولایت فقیه را ثابت می‌کند. جای شگفتی است که بعضی از مردم خیال می‌کنند که پیامبر اکرم(ص) حاکم نبود و حکومت یک مسأله اساسی اسلامی نیست! غلط بودن این توهّم از آنچه که ما گفتیم کاملاً روشن می‌گردد. چرا که احکام اسلامی منحصر به نماز و روزه و اخلاق و عبادات نیست، بلکه احکام اجتماعی فراوانی در اسلام وجود دارد که اجرای آنها بدون یک حکومت نیرومند و صالح امکان‌پذیر نیست و متأسفانه گروهی از مسلمانان از این نکته مهم که حکومت یک وظیفه دینی است، غفلت کردند و دچار زیان‌های جبران‌ناپذیری شدند. . . جای شگفتی

است که مسأله وظیفه دینی بودن حکومت، به آن مفهومی که ما گفتیم، در اغلب کتب شیعه مطرح نشده است. شاید علت این امر آن باشد که در قرون سیاه، حکومت بنی امیه و بنی عباس به آنها امکان مطرح ساختن این مسائل را نداده است. باز جای تعجب است که عده‌ای وظیفه فقیه و حاکم شرع را در فتوا و قضاوت منحصر بدانند و در غیر این امور، ولایتی بر آن قائل نشوند، این گروه باید به این سئوالات پاسخ دهند: وظیفه مسلمانان در زمان غیبت چیست؟ آیا اجرای احکام اسلام جزو وظایف آنها نیست؟ آیا حفظ امنیت بلاد اسلامی تکلیف شرعی آنها نیست؟ آیا وظیفه آنها مبارزه با نیرنگ‌های استعمار و نگهداری از استقلال کشورهای اسلامی نیست؟

از نقطه نظر عقلی و نقلی جای تردید نیست که هرگز نباید اجازه داد که سهل‌انگاری و هرج و مرج در صفوف ملل اسلامی رخنه کند، کما اینکه نباید به رهبری و ایدئولوژی خارج از چهارچوب رهبری اسلامی و عقیده اسلامی در سرزمین‌های اسلام، تکیه کرد. و آیا در اسلام کسی شناخته‌شده حاکم شرع و مجتهد به معنی صحیح کلمه به این مسائل وجود دارد؟ (مجله الهادی سال اول، شماره ۴، صفحه ۹ و به بعد، مورخ جمادی الاول ۱۳۹۲ هـ - قم). لازم به یادآوری است که صاحب امتیاز مجله الهادی جناب آقای احمد عباسی بودند. علاوه بر مطلب فوق آیت‌الله شریعتمداری در درس خارج بیع و خيارات که اینجانب نیز در بیشترین جلسات آن حضور داشتم، نظریه خود را در مورد ولایت فقیه همانند نظریه علامه حلی در تذکره و مرحوم نراقی در «عوائد الایام» بیان کردند و معتقد بودند که فقیه و مجتهد جامع شرایط، نایب امام معصوم(ع) و مسئول رهبری و زعامت مردم و بلاد در دوره غیبت است. آیت‌الله شریعتمداری با شفافیت در درس خارج که آقای سید حسن شریعتمداری در آن حضور نداشت، ولایت فقیه را تبیین می‌کنند و آن را می‌پذیرد. طبق آنچه که در تقریرات این دروس - که اخیراً در ۷ جلد در حوزه علمیه قم تحت عنوان تحقیق و تقریرات فی البیع و الخيارات منتشر شده است - تصریح دارد که اکثر خطابات تازه در مدینه منوره، مربوط به حکومت اسلامی و ریاست و رهبری آن است مانند مسئله: قضا، اقامه حدود، جهاد، موضوع امر به معروف و نهی از منکر و امثال اینها که همه مربوط به امام است، نه از این جهت که آنها پیامبر و یا امام هستند، بلکه برای اینکه تصدی این امور از وظایف رسالت انبیاء و ائمه و حکومت اسلامی است. یعنی همان طور که در زمان حضور پیامبر(ص) و امام(ع) متصدی این امور آنها هستند، در زمان عدم حضور آنها از وظایف فقیه جامع شرایط فتوی است (الربیع و الخيارات، تقریر و تألیف آیت‌الله شیخ حسین حقانی زنجانی، ج ۴ ص ۷۸ چاپ قم).

البته ایشان دایره ولایت فقیه را مطلق نمی‌دانند و در صفحه ۱۲۷ همان کتاب، ضمن تأکید بر اصل ولایت فقیه که: «... فالادله تدل علی ان الامام عند حضوره، فهو المجری لها و عند فقهه تكون مجاری الامور بيد العلماء بالله و الدلیل الذی یثبت ولایه الحاکم، یثبت ولایه الفقیه ایضاً من دون فرق بینها فی الدلاله علی الولایه المشروعه بدلیل: النبى اولی بالمؤمنین من انفسهم و قوله علیه السلام: مجاری الامور بيد العلماء می‌افزایند: «... فولاية الامام مطلقة واما ولاية الحاکم فکانت مخصوصه بالامور التي کانت ضروری الوقوع حتی فی صورة عدم الحاکم»، ولی روشن نمی‌کنند که در صورت غیبت امام - مانند عصر ما - در اموری که ضروری الوقوع است، چه کسی حق حاکمیت دارد؟ و چه کسی با



۱۳۵۸. بیمارستان قلب تهران، استاد سید هادی خسروشاهی در کنار امام خمینی

صلاحیت تراز ولی فقیه در اداره این امور است؟ و به هر حال باید قبول کرد که آیت الله شریعتمداری به ولایت فقیه اعتقاد دارند و فرزند ایشان از این امر غافلند!

پس از استعفا از حزب آیا خدمت امام رسیدید؟

بله. من پس از این حوادث و استعفا و اعلام

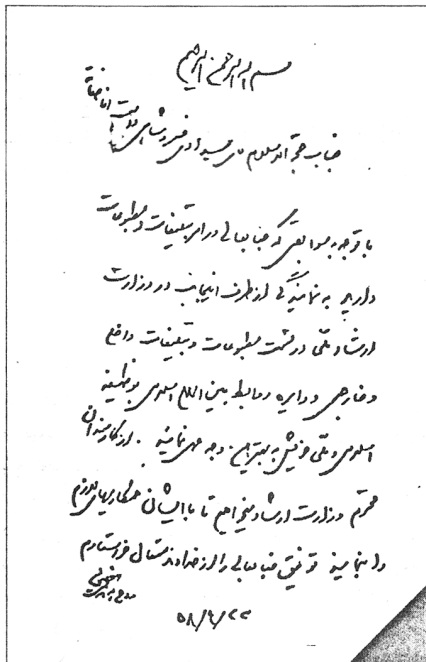
انحلال حزب، از تهران به قم برگشتم و چند روز بعد خدمت امام رسیدم و به ایشان گفتم: بنده همان طور که در آغاز تأسیس حزب خدمت حضرتعالی عرض کردم، هدف ما جذب افراد و نیروهایی بود که به هر دلیلی آماده همکاری با حزب جمهوری اسلامی

نبودند. پس از چند ماه وقتی روشن شد که افرادی به نام حزب، راه انحرافی در پیش گرفته‌اند و قصد مخالفت با اصل نظام و انقلاب را دارند، لذا همراه بقیه دوستان بیرون آمدم و استعفاء دسته جمعی و انحلال حزب را اعلام کردیم. امام در چند جمله کوتاه که دقیقاً یاد هست فرمودند: "جناب‌عالی به تکلیف خود عمل

کرده‌اید و عندالله مأجورید. نگران جوسازی‌ها و اتهامات نباشید. اینها زودگذر است و قابل اعتنا نیست. خداوند سبحان خود ناظر بر همه امور است، و فقهک الله.

بعد از ماجرای حزب به چه کاری مشغول شدید؟

بنده مانند گذشته در قم به کار طلبگی! مشغول شدم، اما چندی بعد، یک روز موقع ظهر، یکی از دوستان به من زنگ زد که امروز اخبار رادیو را حتماً گوش کنید و هیچ توضیحی هم نداد. من که حساس شده بودم، حتماً! به اخبار ساعت ۲ رادیو ایران گوش کردم و ناگهان شنیدم که طبق حکم رسمی امام خمینی (ره) به نمایندگی معظم له در وزارت ارشاد ملی منصوب شده‌ام. البته این حکم و این خبر ارزشمندترین و زیباترین حکم و خبری بود که در طول عمرم شنیده بودم. به هر حال حدود دو سال در وزارت ارشاد بودم و بعد راهی دیار غرب و واتیکان شدم. ... و اکنون هم کماکان به کار طلبگی خود مشغول هستم. و هذا من فضل الله يعطيه من يشاء من عباده.



تصویری از حکم امام خمینی به استاد خسروشاهی مبنی بر تصدی نمایندگی ایشان در وزارت ارشاد

نگاهی گذرا به فعالیت‌های علمی و فرهنگی آیت الله صابری همدانی



رسیدگی به وضع طلاب غیر ایرانی، عضویت در شورای مدیریت حوزه علمیه قم، نمایندگی مجلس خبرگان رهبری در دوره‌های دوم و سوم از استان همدان، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نماینده امام در استانبول، نماینده مقام معظم رهبری در باکو و تأسیس دفتر سرپرستی طلاب غیر ایرانی در حوزه علمیه قم برای اولین بار. (منبع: پایگاه اطلاع رسانی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم/با تلخیص)

بن علی (ع)، سازندگی‌های اخلاقی امام حسین (ع) و... از جمله آنهاست.

آیت الله صابری همدانی همواره در صحنه‌های گوناگون مبارزه با رژیم شاه حضور فعال داشته است. او در جوانی با شخصیت نواب صفوی و واحدی آشنا شده بود، همواره می‌کوشید که روحیه آن مبارزان را در خود پروراند و حماسه دینی و مذهبی را با علم توأمان سازد. کتاب از فیضیه ۴۲ تا فیضیه ۵۷ ایشان از جمله کتابهایی است که نقش بسزایی در نهضت اسلامی داشته و پس از پیروزی انقلاب بارها تجدید چاپ شده است. آیت الله صابری در این کتاب وقایع پانزده خرداد ۱۳۴۲ و بسیاری دیگر از وقایع را با قلمی حماسی نگاشته، به گونه‌ای که هر خواننده‌ای با خواندن آن احساس شور و شغف بسیار می‌کند.

آیت الله صابری همدانی در سالهای مبارزه بر ضد رژیم شاه، همواره از خط امام خمینی (ره) دفاع می‌کرده و در راه تحقق نظام اسلامی از هیچ گونه تلاشی دریغ نورزیده است. او پس از انقلاب نیز خدمات شایانی را به انجام رسانده است که برخی از آنها به قرار زیر است: مسئولیت

بهاء الدینی، علامه طباطبایی و آیت الله گلپایگانی شرکت می‌کرد تا همواره علم خود را با عمل توأم سازد. همچنین همنشینی با شهید آیت الله مدنی در شکل‌گیری شخصیت او بسیار موثر بود.

آیت الله صابری همدانی تا به امروز خدمات بسیاری در عرصه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. در ایام تبلیغ، به مناطق گوناگون کشور سفر کرده و ضمن ارشاد گروه‌های گوناگون مردم، در بسیاری از مناطق مسجد یا حسینیه بنا کرده است. همچنین برای تبلیغ به کشورهای استرالیا، آذربایجان، ترکیه، انگلستان، اسپانیا، ایتالیا، یونان، آلمان، هلند، ژاپن، چین، پاکستان، هندوستان و روسیه سفر کرده و در مجامع گوناگون به سخنرانی پرداخته است.

آیت الله صابری همدانی تاکنون تألیفات گوناگونی را به زبان فارسی، عربی، ترکی و آذری منتشر کرده که محمد (ص) و زمامداران، ادب الحسین، کتاب الحج (در سه جلد)، المهدی علی لسان الحسین (ع)، شخصیت امام صادق (ع) در اسلام و مذهب او، راه اهل بیت (ع) در اسلام، امامت و خلافت در اسلام، مسیحیت کنونی، مسند الامام امیرالمؤمنین (ع)، مسند الامام الحسین

آیت الله احمد صابری همدانی در سال ۱۳۰۲ روستای بیوک آباد از توابع همدان و در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر (ص) به دنیا آمد. در سال ۱۳۱۹ به حوزه علمیه همدان و مدرسه آخوند عزیمت کرد. او دروس دوره مقدمات و بخشی از دروس سطح را در همدان به پایان برد و سپس به علت تعطیلی بسیار حوزه علمیه همدان و کمبود استاد به حوزه علمیه مشهد رفت. اما پس از مدتی به سفارش یکی از اساتید آنجا، به حوزه علمیه قم آمد. ایشان در سال ۱۳۲۵ به حوزه علمیه قم وارد شد و از محضر استادان آن دیار عالم خیز در رشته‌های فقه و اصول و فلسفه و تفسیر و عرفان و... بهره‌های بسیار برد.

آیه الله صابری همدانی در سالهای تحصیل به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. در مشهد به درس مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی رفت و سپس در قم در درس حضرات آیات بروجردی، امام خمینی، گلپایگانی، سلطانی طباطبایی، سیداحمد خوانساری و محقق داماد حاضر شد. در زمینه علوم عقلی نیز به محضر علامه سید محمدحسین طباطبایی رفت و در دروس اخلاق امام خمینی، حاج آقا حسین قمی، حاج آقارضا

معرفی کتاب تاریخ مفصل همدان؛ تألیف آیت الله صابری همدانی

مشهور و مبلغ و مروج اسلام در کشمیر هند، آخوند ملاعلی معصومی همدانی، فضل الله رشیدالدین (مورخ و دانشمند برجسته)، محمد فریدالدین عطار (عارف و شاعر بزرگ مشهور به عطار نیشابوری)، شیخ محمد بهاری (عارف برجسته و شاگرد ملاحسینقلی همدانی)، میرزا محمد امام الحرمین، آیت الله شیخ محمدجواد انصاری همدانی (عارف نامی)، مسعود سعد سلمان، شهید مفتاح، میرزاده عشقی (شاعر) و... هم از جمله شخصیت‌هایی هستند که در این جلد، زندگینامه آنها آمده است.

جلد اول این کتاب در ۳۷۱ صفحه، جلد دوم در ۴۴۶ صفحه و جلد سوم هم در ۴۳۱ صفحه و قطع وزیری با جلد گالینگور از سوی موسسه فرهنگی انتشاراتی شاکر به چاپ رسیده است. برای تهیه این کتاب تاریخی ارزشمند می‌توانید با موسسه فرهنگی انتشاراتی شاکر (قم) ۸۳۰۹۶۳ و ۰۹۱۹۲۵۳۳۴۹۹ یا کتابفروشی اسلامی (قم) ۷۷۴۲۰۹۰ تماس بگیرید.

فضایی دیگر، در شناساندن و ضبط زندگی بزرگان در قید حیات این منطقه اقدام نمایند.

جلد دوم کتاب تاریخ مفصل همدان، به معرفی بزرگان همدان به ترتیب حروف الفبا می‌پردازد که از حرف الف شروع شده و تا حرف عین ادامه می‌یابد. در این بخش مولف به معرفی حدود دویست تن از بزرگان این منطقه می‌پردازد. سید جمال الدین اسدآبادی، ملا حسینقلی بن رمضان شوندی (معروف به ملاحسینقلی همدانی، عارف نامدار)، عبدالجبار قاضی معتزلی اسدآبادی و... نمونه‌ای از دهها شخصیت برجسته این منطقه هستند که گزارشی از زندگی آنها در این مجلد آمده است.

جلد سوم این کتاب هم به ادامه معرفی بزرگان همدان می‌پردازد که بزرگانی که نامشان با حرف عین آغاز می‌شود و به یاء ختم می‌شود. در این جلد نیز، شرح حال حدود ۲۰۰ تن از علما و بزرگان این منطقه می‌آید که برخی کوتاه و برخی مفصل‌تر است.

عین القضاء همدانی، میر سیدعلی کبیر (عارف

مختلف دانش در همدان، کتابخانه‌های قدیم و جدید همدان، حوزه‌های علمیه همدان، مدارس دینی و مساجد همدان، مزارات و مقابر همدان، در ستایش و نکوهش همدان، قراء، آبادی‌ها، محلات قدیم و دانشمندان منسوب به آنها عناوین بخش‌های هجدهگانه جلد اول هستند.

هدف جلد دوم و سوم این کتاب معرفی شخصیت‌های علمی، سیاسی، عرفانی، فلسفی و ادبی همدان است. استاد برجسته حوزه علمیه قم، تهیه یادداشت‌های این بخش از کتاب، یعنی شناسایی دانشمندان همدان را نتیجه تشویق‌های آیت الله آخوند ملاعلی معصومی همدانی (متوفی ۱۳۵۷ش) عنوان می‌کند که نگارنده توانست پس از انتشار جلد اول کتاب درباره تاریخ همدان، در مجلدات دیگر، به شرح بزرگان این منطقه بپردازد. البته در مجلدات دوم و سوم این کتاب، شرح حال علمای احياء معاصر همدان پرداخته نشده است و نویسنده تلاش کرده است در حد توان خویش، زندگی شخصیت‌های بزرگ این منطقه را ضبط کند و امیدوار است که

کتاب تاریخ مفصل همدان نوشته آیت الله احمد صابری همدانی، در سه جلد از سوی موسسه فرهنگی انتشاراتی شاکر قم منتشر شد.

مولف که شخصیتی برجسته و عالمی نامدار است در این کتاب به معرفی تاریخ همدان و شرح حال فقها، حکما، عرفا، وزرا، شعرا و دیگر رجال علمی و ادبی معارف گذشته شهر خود (همدان) می‌پردازد.

در مقدمه جلد اول این کتاب، جواد محقق همدانی، شاعر و نویسنده، به معرفی اجمالی از استاد صابری همدانی و فعالیت‌هایش می‌پردازد. جلد اول این کتاب، در ۱۸ فصل تنظیم و تألیف شده است. تواریخ گذشته همدان، اسامی و نام‌های گوناگون همدان، تشخیص همدان شهری از همدان قبیله‌ای، تاریخ تأسیس همدان، توابع همدان در روزگاران گذشته، توسعه همدان در ادوار گذشته، طلوع اسلام و تشیع در همدان، همدان در روزگار اسلام، حوادث تاریخی و آثار باستانی همدان، وزارت در همدان، رشته‌های

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب؛

علامه فضل‌الله یاور با اخلاص جمهوری اسلامی

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی، رحلت عالم مجاهد آیت الله آقای حاج سیدمحمدحسین فضل‌الله رحمة‌الله علیه را تسلیت گفتند.

متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

رحلت عالم مجاهد آیت الله آقای حاج سیدمحمدحسین فضل‌الله رحمة‌الله علیه را به بیت شریف فضل‌الله و همه ی ارادتمندان و دوستان آن مرحوم در لبنان و جوامع لبنانی تبار در آفریقا و آمریکای لاتین و به عموم شیعیان لبنان تسلیت می‌گویم. این عالم بزرگوار و سخت‌کوش، در عرصه ی دین و سیاست، شخصیتی اثرگذار بود و لبنان تا سال‌های طولانی، خدمات و برکات او را از یاد نخواهد برد.

وداع مردم و شخصیت‌های لبنان با مرجع عالی‌شیعیان و حامی مقاومت



مردم داغدار و اندوهگین لبنان با پیکر سید محمدحسین فضل‌الله روحانی برجسته و مرجع عالی‌شیعیان وداع کردند. بنا به وصیت ایشان پیکر علامه فضل‌الله در محله ضاحیه در جنوب بیروت به خاک سپرده شد.

مسئول اطلاع‌رسانی دفتر مرحوم علامه سید محمدحسین فضل‌الله اعلام کرد، مراسم تشییع پیکر وی از مقابل خانه اش در محله "حریک" آغاز و سپس با عبور از محله‌های اصلی منطقه ضاحیه بنا به وصیت ایشان در مسجد "الامامین الحسینین" واقع در محله ضاحیه به خاک سپرده شد.

محمد عمرو افزود، با توجه به ساده‌زیستی این عالم ربانی و وصیت خود ایشان مراسم تشییع پیکر علامه فضل‌الله به صورت بسیار ساده و عادی و دور از فضای رسمی برگزار شد.

وی اظهار داشت: ما از همدردی همه مردم، مسئولان و شخصیت‌های علمی، روحانی، سیاسی و رسانه‌ای قدردانی می‌کنیم. سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان نیز بر پیکر علامه محمدحسین فضل‌الله در بیمارستان منطقه ضاحیه بیروت حضور یافت.

دبیرکل حزب الله لبنان در دیدار با خانواده علامه فضل‌الله ضمن ابراز تسلیت اظهار داشت، در مدرسه علامه فضل‌الله آموختیم که به دنبال حکمت و موعظه حسنه باشیم، مخالف ظلم و مقاوم در برابر اشغالگری و عاشق دیدار با خداوند متعال باشیم. وی افزود، علامه فضل‌الله برای ما استاد، معلم، پرچم و نوری بود که در همه سختی‌ها از وی و پشتیبانی‌های وی بهره‌می‌بردیم.

سیدحسن نصرالله تاکید کرد، سید محمدحسین فضل‌الله تمام طول عمر شریفش را در راه پروردگار جهاد کرد با این

حذف ستایش علامه فضل‌الله از سایت وزارت خارجه بریتانیا

وزارت خارجه بریتانیا مطلبی را که سفیر این کشور در

لبنان در تمجید از علامه محمدحسین فضل‌الله روحانی بلند پایه شیعه لبنان نوشته بود، از وب‌سایت خود حذف کرده است. درج این مطلب با اعتراض شدید اسرائیل روبرو شده بود. آیت‌الله محمدحسین فضل‌الله در جهان اسلام به عنوان یک روحانی روشنفکر از احترام گسترده برخوردار بود ولی آمریکا و اسرائیل او را متهم می‌کردند که با حمایت از جنبش حزب الله لبنان، از تروریسم حمایت می‌کند.

فرانسیس گای سفیر بریتانیا در بیروت، محمدحسین فضل‌الله را شخصی قابل احترام معرفی کرده و گفته بود جهان به افراد بیشتری مانند او نیازمند است.

گای، وی را سیاستمداری که او از مصاحبتش لذت می‌برد، توصیف کرده بود. سفیر بریتانیا در لبنان در وب‌سایت وزارت خارجه این کشور نوشته بود: "هنگامی که شما به دیدار او می‌روید می‌توانید مطمئن باشید که یک بحث واقعی خواهید داشت؛ یک مباحثه توأم با احترام و وقتی محضرش را

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

علامه فضل‌الله سنگرداری نیرومند در لبنان در برابر

حملات دشمنان اسلام بود

آیت الله مکارم شیرازی با صدور پیامی درگذشت علامه فضل‌الله را تسلیت گفت و اظهار کرد: آن عالم سعید سنگرداری نیرومند در لبنان در برابر حملات دشمنان اسلام بود و با حسن تدبیر و شجاعت این سنگر را حفظ کرد.

به گزارش ایسنا، متن پیام بدین شرح است:

باسمه تعالی

فقدان اسفناک عالم بزرگوار حضرت آیت الله علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله (قدس سره) موجی از اندوه در جهان تشیع ایجاد کرد.

آن فقید سعید سنگرداری نیرومند در لبنان در برابر حملات دشمنان اسلام بود و با حسن تدبیر و شجاعت این سنگر را حفظ کرد.

اینجانب این مصیب بزرگ را به بیت شریف ایشان و تمام علمای لبنان و ملت عزیز لبنان تسلیت عرض می‌کنم و برای آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و اجر فراوان از خداوند بزرگ مسئلت دارم.

جامعه مدرسین حوزه قم

ارتحال علامه فضل‌الله را تسلیت گفت

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با صدور پیامی ارتحال علامه "سیدحسین فضل‌الله" مرجع عالیقدر شیعیان لبنان را تسلیت گفت.

در این پیام آمده است: خبر درگذشت عالم مجاهد و فقیه وارسته علامه سید حسین فضل‌الله موجبات تأثر و اندوه فراوان را پدید آورد.

ادامه این پیام حاکیست: این عالم وارسته و اندیشمند که مرجعیت شیعیان لبنان را بر عهده داشت، پناهگاه مردم مظلوم لبنان بود و دل مستضعفان و محرومان همواره به یادش می‌تپید.

دربخش دیگر این پیام آمده است: او که در زمره نخستین مجاهدان و در صف مبارزه با دشمنان اسلام - بویژه اسرائیل و آمریکا - بود تا آخرین لحظه عمر شریف خود بر این هدف استوار ماند و مرشد معنوی و روحی رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان حزب الله بود.

در پیام جامعه مدرسین حوزه علمیه قم افزوده شده است: خطبه‌های پرشور نماز جمعه او، ضمن ایجاد عاطفه انقلابی، اندیشه مبارزه با مستکبران را در دلها می‌پروراند و مواضع پر صلابت او در ماجرای مقاومت سی و سه روزه مردم لبنان، برگ زرین دیگری در کتاب فضایل اوست.

در بخش دیگر پیام جامعه مدرسین حوزه آمده است: خدمات فرهنگی آن دانشمند وارسته نیز فراوان بود، جلسات هفتگی تفسیر قرآن کریم، میزگردهای علمی در موضوعات مختلف علوم اسلامی، تأسیس مراکز بزرگ اسلامی در لبنان، تألیف و تدوین کتابها و مقالات فراوان در گستره‌های مختلف علوم اسلامی و نیز کرسی تدریس علوم دینی در مدارس علمیه، بخشی از خدمات آن مرد بزرگ بود که آثار آن در سرتاسر لبنان ساری و جاری است.

در این پیام آمده است: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، رحلت این عالم بزرگوار را به عموم مسلمانان جهان بویژه مردم مظلوم لبنان تسلیت عرض می‌کند و علو مقام را برای ایشان و صبر جمیل و اجر جزیل را برای بیت معظم ایشان از خداوند متعال خواستار است.

حزب‌الله:

علم و جهاد علامه فضل‌الله چراغ راه

مجاهدان آزاده باقی می‌ماند

حزب الله لبنان با صدور بیانیه‌ای با تسلیت درگذشت علامه فضل‌الله از مراجع شیعیان در لبنان، تاکید کرد که علم و جهاد و مواضع این مرجع عالیقدر چراغ راه مجاهدان آزاده باقی خواهد ماند.

در بیانیه حزب‌الله با اشاره به روحیه ضداستکباری ایشان آمده است: لبنان و امت اسلامی و همه جهان علامه مجاهد سید محمدحسین فضل‌الله (که خدا وی را غریق رحمت خود کند)، این دانشمند بزرگ اسلامی را که عرصه را با علم و جهاد و مواضع و تربیت و تألیفات خود پر کرده بود، از دست داد.

حزب الله با اشاره به روحیه مبارزه طلبی ایشان مقابل دشمن صهیونیستی همچنین اعلام کرد: کسی که به جرأت و به وضوح، یاریگر مقاومت در برابر دشمن صهیونیستی و مجاهدی قهرمان بود به طوری که عرصه [نبرد] هنوز مواضع و پایداری او مقابل اشغالگران و اقدامات جنایتکارانه آنان و تاوانی که ایشان برای مواضع خود و مقابله با طرح‌های استکباران داده است، به یاد دارد.

بنا بر آنچه در بیانیه حزب‌الله آمده است، "علاوه فضل‌الله یکی از بزرگ‌ترین دعوت‌کنندگان به اتحاد اسلامی و مبارز با هرگونه تفرقه و فتنه بود که با مردم و غم و شادی آنان زندگی کرد."

نگاهی به زندگی و فعالیت های علامه فضل الله

از کشورهای عربی خلیج فارس و لبنان اقدام به تأسیس مراکز و موسسات عظیم و پیشرفته ای برای تربیت یتیمان و به ویژه فرزندان شهدا و فرزندان فقرا و تأسیس بیمارستان ها و درمانگاه ها و مساجد کرد تا بتواند به مشکلات این اقشار آسیب پذیر بپردازد. در این مراکز خیریه، نیازمندان به طور شبانه روزی اسکان دارند و تحصیلاتشان را در بخش آموزشی همین مراکز می گذرانند.

فعالیت سیاسی

فضل الله پس از بازگشت به وطن پدری خویش (لبنان) در پی طرح صبغه سیاسی اسلام در جامعه مسلمانان لبنان برآمد، به گونه ای که اسلام گرایی سیاسی و مردم گرایی از وجوه بارز شخصیت او به شمار می آید.

زمانی که کشور لبنان مورد تهاجم رژیم صهیونیستی واقع شد، جوانانی که غالباً تحت تأثیر اندیشه و حرکت فضل الله بودند و گویا از پیش برای چنین دوره ای تربیت شده بودند، حرکت نامنظم و غیر تشکیلاتی مقاومت اسلامی را که برخوردار از بدنه ای مردمی و مستحکم بود، به راه انداختند. این حرکت که امروزه حزب الله لبنان شکل سازمان یافته و اصلی ترین شاخه آن است، همواره از فضل الله تغذیه فکری و سیاسی می کرد و می گفت: وسایل ارتباط جمعی جهان همیشه از فضل الله به عنوان (رهبر معنوی حزب الله) یاد می کنند - اما وی انتساب تشکیلاتی و سازمانی خود را به هر گروه سیاسی ای رد می کرد و می گفت: این نامگذاری ناشی از این است که اغلب این برادران مبارز و مومن در نمازهای جمعه و جماعت که به امامت من تشکیل می شود یا در درس ها و سخنرانی های من حاضر می شوند که این را تداعی می کند که من سمت رهبری آنان را به عهده دارم. در جریان انفجار مقر فرماندهی نیروهای آمریکایی و فرانسوی، رسانه های غربی انگشت اتهام را به طرف فضل الله گرفتند و او را مسوول این انفجارها معرفی کردند. جایگاه و نقش رهبری فضل الله در جنبش مقاومت اسلامی لبنان سبب شد تا یک بار برود و چهار بار در معرض ترور قرار گرفت.

الاسلامیه بود. تا آن زمان جامعه سنی عراق از چند حزب و جنبش - مانند اخوان المسلمین و حزب التحرير الاسلامی - برخوردار بود. فضل الله کتاب های (قضایانا علی ضوء الاسلام) و (اسلوب الدعوه فی القرآن) را در چنین مرحله ای نگاشته است. وی پس از بازگشت به لبنان در سال ۱۹۶۶ فعالیت های علمی، فرهنگی و اجتماعی گسترده ای را در لبنان به راه انداخت که امروزه پس از ۴۵ سال از آغاز این فعالیت ها کارنامه پرباری از آن در ابعاد مختلف مشهود است. وی با برگزاری جلسات تفسیر و وعظ دینی و اخلاقی و برنامه های پاسخ به پرسش ها - که هنوز هم به صورت منظم تداوم دارد - توانست تحول عظیمی در چندین نسل پدید آورد و چنان که خود می گوید: افتخار تربیت غالب نیروهای مبارز و فعالان مذهبی شیعه را از آن خود نماید. تأسیس حوزه علوم دینی به نام المعهد الشرعی الاسلامی به هدف پرورش طلاب علوم دینی بخش دیگری از فعالیت های فرهنگی و علمی سید محمد حسین فضل الله است. وی در این مدرسه تدریس درس خارج اصول و فقه را بر عهده داشت. بسیاری از شخصیت های جنبش مقاومت اسلامی لبنان تربیت شده این مدرسه هستند. شهید شیخ راغب حرب از نخستین طلاب این مدرسه بود. وی علاوه بر المعهد الشرعی که در شهر بیروت واقع است، حوزه علمیه ویژه زنان را نیز در بیروت و حوزه ای نیز در صور و حوزه المرتضی در دمشق (سیده زینب) را تأسیس کرده است.

گذشته از فعالیت های علمی و فرهنگی و سیاسی ای که علامه فضل الله در لبنان و سوریه داشت، فعالیت های اجتماعی وی چنان گسترده بوده که کمتر منطقه ای از کشور لبنان را می توان یافت که اثر فعالیت اجتماعی وی در آن مشهود نباشد. شعله ور شدن آتش جنگ های داخلی و تجاوزات صهیونیست ها، گذشته از خسارت های جانی و مالی، مشکلات اجتماعی فراوانی را در پی داشت که مهم ترین آن سرنوشت مبهم یتیمان و فرزندان شهدا و فقرا و معلولان بود.

از این رو علامه فضل الله به کمک نیکوکارانی

علمی در آن مرحله بود تا جایی که توانست اعتماد آیت الله ابوالقاسم خوئی از مراجع تقلید شیعه را به خود جلب کند. فضل الله در سال ۱۹۵۲ میلادی در ۱۷ سالگی برای نخستین بار به قصد دید و بازدید خانوادگی به لبنان رفت و در این سفر که همزمان با اربعین درگذشت سید محسن امین عاملی بود، قصیده ای در رثای او سرود و در آیین یادبود او قرائت کرد. وی در این قصیده بسیاری از مسائل سیاسی روز و از جمله مساله وحدت و بیداری اسلامی و مهاجرت جوانان را مطرح و استعمار فرانسه را تقبیح کرد. روزنامه های آن روز لبنان این قصیده را تحریک کننده و احساس برانگیز توصیف کردند. در سال ۱۹۶۶ میلادی جمعی از موسسان انجمن مذهبی اسره التأخی منطقه نبعه در حاشیه شرقی بیروت از فضل الله دعوت کردند تا در آن منطقه رحل اقامت افکند.

پویش فرهنگی و علمی علامه

سید محمدحسین فضل الله از سال های نخست نوجوانی، در کنار تحصیلات حوزوی مطالعات و فعالیت هایی را پی گرفت که در محیط بسته حوزه علمیه نجف چندان پذیرفته نبود وی با تعمیق و تداوم مطالعات ادبی و قرائت مجلاتی چون مجله الکاتب طه حسین اندک اندک به وجود قریحه شعر در نهاد خویش پی برد و شروع به سرودن شعر کرد. بعدها این قریحه چندان در او شکفت که حاصل آن در قالب سه دیوان شعر منتشر شد. در سال (۱۳۸۰ ق) جماعت العلمای نجف مجله ای فرهنگی - اسلامی را راه اندازی کردند که سید محمد حسین فضل الله در کنار سید محمد باقر صدر و شیخ محمد مهدی شمس الدین از مدیران آن بود و سر مقاله های سال دوم این مجله را با عنوان (کلمتنا) (سخن ما) به رشته تحریر در آورد. سر مقاله نخست انتشار این مجله را سید محمد باقر با عنوان رسالتنا (رسالت ما) نگاشته است. فضل الله به مدت ۶ سال به نگارش مقاله و تألیف کتاب ادامه داد و در کنار سید محمد باقر صدر در تشکیل جنبشی شیعی در عراق نقش ایفا کرد. حاصل رایزنی ها و هم فکری های فضل الله و صدر، پیدایی نخستین جنبش اسلامی شیعی در عراق با نام حزب الدعوه

علامه سیدمحمد حسین فضل الله، مرجع تقلید شیعیان لبنان در ۷۵ سالگی درگذشت. این روحانی جلیل القدر از چندی پیش به دلیل بیماری کبد و خونریزی شدید معده در بیمارستان بهمن بیروت بستری و درحالت کما بود.

علامه فضل الله از جمله مراجع شیعه در لبنان بود که سال ها جهاد و مبارزه سیاسی و دینی را در کوله بار خود داشت و به یک قطب بزرگ فرهنگی در این کشور تبدیل شده بود. فضل الله با مشی مداراگرانه و خیرخواهانه خود همواره از یک سو از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی لبنان دفاع می کرد و این امر را به فعالان سیاسی این کشور گوشزد می نمود و از سوی دیگر به عنوان یک روحانی مبارز از مقاومت اسلامی لبنان بویژه حزب الله بشدت دفاع می کرد. سیدمحمدحسین فضل الله با حوزه های علمیه ایران و عراق ارتباط نزدیکی داشت زیرا سال ها در عراق تحصیل کرده بود. این ارتباط به او اجازه می داد تا با آگاهی کامل از مسائل مبتلا به روز جهان اسلام به ویژه دنیای تشیع بتواند بموقع و با دادن فتوای راهگشا و جهت دار به حل مشکلات و برداشتن موانع پرداخته و پشتیبان این مذهب در شرایط مختلف باشد.

زندگینامه

سیدمحمدحسین فضل الله ۱۶ نوامبر سال ۱۹۳۵ میلادی در نجف اشرف چشم به جهان گشود. پدر وی علامه عبدالرؤف فضل الله برای فراگیری علوم دینی به این شهر مهاجرت کرده بود و سال های طولانی را به همراه خانواده اش در نجف اشرف گذراند. به این ترتیب فضل الله در بزرگ ترین حوزه علمیه در نجف اشرف پرورش یافت و از سنین خردسالی فراگیری علوم دینی را آغاز کرد. ایشان از محضر استادان بلندپایه آن زمان همچون حضرات آیات سید ابوالقاسم خوئی، سیدمحسن حکیم، سیدمحمود شاهرودی و شیخ حسین حلی استفاده نمود و درس فلسفه را نزد ملاصدرا بادکوبی، فرا گرفت. مدت ۵ سال نیز این درس را از سیدمحمد باقر صدر فرا گرفت و بعدها از یاران نزدیک او شد.

علامه فضل الله یکی از دانشجویان برجسته

علامه فضل الله:

رهبر انقلاب ایران در موضع قدرت

کردند این انقلاب را به عنوان انقلابی شیعی در برابر اهل تسنن قرار دهند.

وی در بخش دیگری از این مصاحبه، حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، را شخصیتی آگاه و روشنفکر دانست که به دلیل موقعیت ملی و مردمی ایشان در زمینه سیاسی و فرهنگی دارای تجربه ای فراوان است.

این مرجع شیعه، اخلاص و احاطه رهبر معظم انقلاب را نسبت به مسایل و بحران های پیچیده ای که استکبار جهانی، به ویژه آمریکا، بر انقلاب تحمیل کرده است از ویژگی های برجسته ایشان ذکر کرد و افزود: تقابل سیاسی ایشان با سیاست های تجاوزطلبانه آمریکا و رژیم صهیونیستی و حمایت از مقاومت برای آزادسازی فلسطین، لبنان و عراق، ایران را در موضع قدرت برای مبارزه با استکبار جهانی قرار داده است.

فضل الله همچنین درباره تأثیر معنوی و روحی انقلاب اسلامی بر مقاومت های مردمی در برابر استکبار تصریح کرد: انقلاب اسلامی زمینه را برای جنبش های اسلامی و میهنی باز

علامه فضل الله که دار فانی را وداع گفت پیش از این در مصاحبه ای انقلاب اسلامی ایران را زلزله ای سیاسی دانست و با تمجید از رهبر معظم انقلاب گفت: احاطه رهبر انقلاب به مسائل، ایران را در موضع قدرت برای مبارزه با استکبار جهانی قرار داده است.

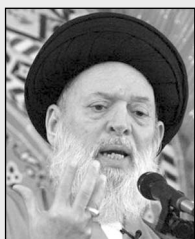
علامه سید محمد حسین فضل الله چندی پیش در گفت و گو با فارس درباره تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر منطقه و جنبش های مردمی جهان گفت: این تأثیر به گونه ای بود که آمریکا و متحدانش از گسترش این انقلاب به شدت در هراس افتادند. طرح تشکیل حکومت اسلامی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار انقلاب اسلامی و مقابله با مستکبران باعث ایجاد جنبشی اسلامی شد و هراس ابرقدرت ها را از این حکومت انقلابی بیشتر کرد.

وی تصریح کرد: به همین دلیل آنان برنامه ریزی گسترده ای برای محاصره تبلیغاتی این انقلاب آغاز نمودند و سعی کردند این نکته را به جهان عرب القاء کنند که انقلاب اسلامی، جنبش فارس زبانان برای تسلط بر جهان عرب است. از سویی دیگر در جهان اسلام نیز سعی

علامه فضل الله در آخرین

لحظات سقوط رژیم صهیونیستی را

آرزو کرد



مرجع عالی شیعیان در لبنان، در آخرین لحظات زندگی خود سقوط رژیم صهیونیستی را آرزو کرده است. علامه سید محمد حسین فضل الله در آخرین لحظات زندگی اش، آرزوی سقوط رژیم صهیونیستی را بر زبان آورد.

بر اساس این گزارش علامه فضل الله در آخرین لحظات زندگی اش، زمانی که پرستار از وی خواست تا کمی بیارامد، پاسخ داد: تا زمانی که اسرائیل سقوط نکند؛ نخواهم آرامید. سید موسی فضل الله برادرزاده مرجع عالی شیعیان در عراق با اشاره به این موضوع گفت که علامه در آخرین لحظات زندگی اش از پرستاران پرسیده بود که آیا زمان نماز صبح فرا رسیده است؛ پرستاران نیز به او گفتند که هنوز زمان آن فرا نرسیده است. علامه نیز ۳ مرتبه تکبیر گفته و به خواب رفته است و پس آن برای بار دوم خونریزی داخلی او اتفاق می افتد که در نتیجه آن دار فانی را وداع می گوید.

سید موسی فضل الله افزود: علامه همواره دو دغدغه مهم داشت که عبارت بودند از مقاومت در عراق و فلسطین و حفظ جمهوری اسلامی ایران.

ویژه رحلت علامه فضل‌الله

پیام تسلیت سران سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به مناسبت درگذشت علامه فضل‌الله

متن پیام تسلیت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام بدین شرح است:

انا لله و انالیه راجعون

درگذشت عالم روحانی، آیت‌الله سیدمحمدحسین فضل‌الله، از مصادیق بارز اَذا مات العالم ثلم فی الاسلام ثلمه لایسدها شئی^۱ است. شخصیت مجاهدی که در خانواده‌ای روحانی و در محضر مراجع بزرگ نجف پرورش یافت و برای دفاع از حقانیت اسلام به سرزمین خویش لبنان برگشت و با حضور در گروه‌های جهادی، عالمی عامل شد. اهمیت جایگاه این شخصیت فقیه و نویسنده اجتماعی و سیاسی باعث چندین بار تلاش دشمنان صهیونیستی برای ترور شخصیتی و حذف فیزیکی ایشان شد که مدال جانبازی را بر سینه خویش آویخت. با تسلیت این مصیبت به مسلمانان، شیعیان، مردم لبنان، گروه‌های مقاومت و روحانیون جلیل‌القدر در سرزمین‌های اشغالی و لبنان و به ویژه بستگان و خانواده داغدار، علّو درجات آن عالم جلیل‌القدر را از درگاه احدیت خواستارم و امیدوارم اندیشه‌های تابناک ایشان چراغ راه همه طلبه‌ها و کسانی باشد که آینده مجامع اسلامی را به دست می‌گیرند.

متن پیام تسلیت رئیس مجلس شورای اسلامی به شرح زیر است:

اَذا مات العالم ثلم فی الاسلام ثلمه لایسدها شیء^۲

ارتحال عالم جلیل‌القدر، مرحوم علامه مجاهد آیت‌الله سید محمد حسین فضل‌الله را که عمر شریف خود را در راه خدمت به اسلام عزیز و ملت شریف لبنان صرف کرد به همه مسلمانان، ملت و دولت لبنان به ویژه شیعیان آن کشور تسلیت عرض می‌نمایم. این مرد بزرگ با چشمانی تیزبین و فکری عمیق اوضاع را مراقبت می‌کرد و با آگاهی بخشی به موقع به مسلمانان سدی محکم را مقابل دشمنان می‌آراست. اینجانب از طرف خود و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی ایران این مصیبت را به خانواده معزز ایشان، ملت و دولت و پارلمان لبنان، شیعیان به ویژه برداران عزیز و ارجمندم حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین سیدحسن نصرالله و جناب آقای نییه بری تسلیت عرض نموده برای بازماندگان و ملت لبنان سعادت و سرفرازی و برای آن مرحوم غفران و رضوان الهی مسالت می‌نمایم.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

علامه فضل‌الله مجتهدی نواندیش و مصلحی بزرگ بود

و خود را خالصانه وقف خدمت به اعتلای کلمه

حق ، اتحاد مسلمین و تقریب مذاهب اسلامی کرده بود.

امت اسلامی مجتهدی نواندیش، مصلحی بزرگ، وحدت‌طلبی صادق، پژوهشگر قرآنی توانمند، رهبری سیاسی ، فرزانه و اندیشمندی پربار در عرصه‌های گوناگون، مبلغی صادق که همه عرصه‌ها را در می‌نوردید تا صدای حق را برساند، و مجاهدی بزرگ که با صلابت و اقتدار در برابر استکبار جهانی صهیونیسم و توطئه‌های

رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب:

علامه فضل‌الله از معماران بزرگ وحدت اسلامی بود

بی‌نظیر جهان اسلام مواجه شد، اما مرحوم علامه فضل‌الله، این مدت را در نجف نماند و شاید به همین دلیل برخی افراد توانستند مناقشاتی را در خصوص افکارش مطرح کنند. رئیس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه خاطر نشان کرد: با این حال علامه فضل‌الله در نوع خود کم‌نظیر و بی‌بدیل بود و از گستره بالای فعالیت‌های اجتماعی برخوردار بود.

وی ادامه داد: مرحوم فضل‌الله با حضور پر رنگ خود در سطح جهان اسلام و بهره‌مندی از شیوه‌های نو توانست لبنانی‌های مقیم در نقاط مختلف دنیا، مانند آمریکا، اروپا و استرالیا را

اتحادیه بین‌المللی امت واحده:

علامه فضل‌الله نماد یک عالم تقریبی و وحدت‌گرا بود

اتحادیه بین‌المللی امت واحده با انتشار بیانیه‌ای تصریح کرد علامه فضل‌الله بلاشک نماد یک عالم تقریبی و وحدت‌گرا بود که به سیره نبی مکرم اسلام و ائمه هدی تمسک بسته بود و مدام بر لزوم حفظ وحدت مذهبی و سیاسی تاکید می‌ورزید. علامه فضل‌الله بلاشک نماد یک عالم تقریبی و وحدت‌گرا بود که به سیره نبی مکرم اسلام و ائمه هدی تمسک بسته بود و مدام بر لزوم حفظ وحدت مذهبی و سیاسی تاکید می‌ورزید.

در این بیانیه آمده است: آن بزرگوار در طول عمر خود همواره در میانه میدان مبارزه فکری و سیاسی و فرهنگی قرار داشت و با تلاش علمی و عملی برای عزت اسلام قیام می‌کرد. وی بارها به دلیل حمایت از حزب الله

درگذشت علامه سیدمحمد حسین فضل‌الله را به دولت و ملت لبنان تسلیت گفت.

رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در پیامی به همتای لبنانی خود درگذشت علامه سیدمحمد حسین فضل‌الله را به دولت و ملت لبنان تسلیت گفت.

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای میشل سلیمان رئیس‌جمهوری لبنان

سلام علیکم

خبر ارتحال فقیه وارسته و عالم مجاهد و آزادیخواه جهان، علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله رضوان‌الله تعالی علیه، موجب تأثر و تألم عمیق گردید.

بدون تردید خدمات ارزنده و درخشان آن فقیه عالی‌مقام در طول حیات با برکت خود که در راستای تحکیم وحدت ملّی و اعتصام حول محور مقاومت قرار داشت، در تاریخ لبنان به یادگار خواهد ماند.

اینجانب ضمن ابراز تسلیت این ضایعه جانسوز به جنابعالی و ملت شریف و مقاوم لبنان به ویژه خانواده معزّز آن مرحوم مغفور، از خدای متعال، برای آن فقیّد سعید علو درجات و برای ملت بزرگ لبنان عزت و سرفرازی روزافزون مسألّت دارم.

رئیس قوه قضاییه با صدور پیامی ارتحال عالم مجاهد علامه سید محمد حسین فضل‌الله را تسلیت گفت.

در پیام آیت الله صادق آملی لاریجانی آمده است:ارتحال عالم ربانی، مجاهد و فقیه وارسته مرحوم سیدمحمدحسین فضل‌الله که همواره با تیزبینی، الهام بخش و پناهگاه مظلومان لبنان بود موجب تاسف و تأثر شد. این پیام می‌افزاید: ضمن عرض تسلیت ارتحال این مرجع عالیقدر به خانواده معزز ایشان، ملت و دولت لبنان به ویژه حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن نصرالله برای ملت لبنان عزت و سرفرازی و برای آن پیر فرزانه فردوس برین مسئلت دارم.

دشمنان اسلام ایستاده بود از دست داد.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ضایعه درگذشت این عالم ربانی را که همواره حامی و پشتیبان انقلاب اسلامی ایران در تمامی عرصه‌ها بوده، به رهبر معظم انقلاب اسلامی و مراجع عظام، حوزه‌های علمیه، متفکران جهان اسلام ، تمامی دلسوزان وحدت امت اسلامی، بیت معظم له و مردم شریف لبنان تسلیت عرض کرده و برای آن فقیّد سعید علو درجات را از خداوند متعال خواستار است.

رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب:

علامه فضل‌الله از معماران بزرگ وحدت اسلامی بود

جذب کند و شیوه‌های بدیعی برای حل مشکلات آنها ارائه کند. وی گفت: علامه فضل‌الله علاوه بر توجه به مشکلات درونی جامعه شیعی، از معماران بزرگ وحدت اسلامی به حساب می‌آید و این امر به دلیل درک درست ایشان از موقعیت شیعه در جهان اسلام بود. وی به روحیه استکبار ستیزی علامه فضل‌الله اشاره و تصریح کرد: ایشان هیچگاه در مقابل جبهه استعمار و استکبار سر تعظیم فرو نیاورد و هیچ خللی در دیدگاه‌های ایشان نسبت به انقلاب، امام و فلسطین ایجاد نشد.

یهودیان

یهودیان و یک دروغ تاریخی

علامه فضل‌الله در آخرین گفت‌وگوی خود پیش از درگذشتش، اظهار داشت: یهودیان براساس یک دروغ تاریخی فلسطین را اشغال کردند. دروغ آنها این بود که خداوند به آنها این سرزمین را بخشیده است.

به گزارش خبرگزاری سایت شبکه الجزیره، مرحوم علامه محمد حسین فضل‌الله، مرجع تقلید شیعیان لبنان، در آخرین گفت‌وگوی خود پیش از درگذشتش تصریح کرد: دروغ یهودیان این بود که خداوند به آن‌ها این سرزمین را بخشیده است تا در آن اقامت کنند و آن را سرزمینی مقدس و ویژه برای یهود تصور می‌کنند و ما معتقدیم که این طرز تفکر هیچ پایه و اساسی ندارد.

مرجع تقلید شیعیان لبنان ادامه داد: ما معتقدیم که یهودیان بر فلسطین تسلط یافته و سرزمین آنها را غصب می‌کنند و هر روز دست به کشتارهای وحشیانه علیه زنان و کودکان می‌زنند. علامه فضل‌الله تصریح کرد: آنچه که امروز در نوار غزه رخ می‌دهد، تنها رنج ساکنان نوار غزه را موجب شده است. آن‌ها مانع دستیابی ساکنان نوار غزه به نیازهای عادی‌شان می‌شوند.

وی ادامه داد: ما معتقدیم که این مساله، یک مساله درگیری یهودی - اسلامی نیست، بلکه همان مساله تسلط ملتی بر ملت دیگر است. این مرجع تقلید شیعه درباره دیدگاهش در زمینه علل نگرانی و ترس از اسلام در غرب و پدیده اسلام هراسی تصریح کرد: این امر به تناقض منافع باز می‌گردد. من تصور می‌کنم که غرب منافع استراتژیک و اقتصادی در جهان اسلام دارد، به ویژه در کشورهایی که دارای ثروت‌هایی نظیر نفت و گاز هستند. وی خاطر نشان کرد: غرب از افزایش و گسترش نقش اسلام به طوری که این نقش خطری بر منافع و اوضاع اقتصادی‌اش است، نگران است.

علامه محمد حسین فضل‌الله خاطر نشان کرد: اسلام از مسلمانان می‌خواهد که بر ثروت‌های طبیعی که در اختیار دارند سرمایه‌گذاری کنند و از آن ثروت‌ها استفاده کنند تا غرب بر آنها تسلط نیابد. از این رو درگیری میان غرب و جهان اسلام به ویژه ملتی که به دنبال ثبات و آزادی هستند، حاصل می‌شود. این مرجع تقلید شیعیان در پاسخ به سوالی در زمینه اینکه منتقدان اسلام معتقدند مسلمانان زمانی که به قدرت می‌رسند از جهاد صحبت می‌کنند و دین را بر دیگران تحمیل می‌کنند، گفت: دین بر هیچ کس تحمیل نمی‌شود، اما شرایط معینی در جهان است که احتمالاً افراد متدین و مسلمانان مانند دیگران با آن روبرو هستند مانند چالش‌های اقتصادی و سیاسی. در این شرایط مسلمانان از خود دفاع می‌کنند، یعنی آن‌ها در راه خدا مبارزه می‌کنند و ما با کسانی می‌کنیم که ما را هدف قرار می‌دهند نه با کسانی که با ما صلح برقرار می‌کنند.

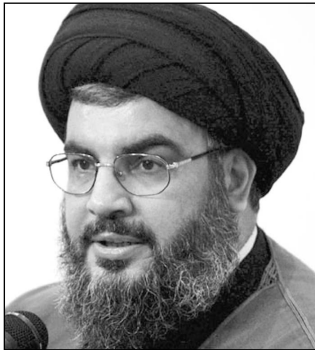
علامه فضل‌الله ادامه داد: اسلام بر هیچ کس تحمیل نمی‌شود و خداوند می‌فرماید بّا درایت مردم را به راه خدا دعوت کنید لذا باید از طریق شیوه‌های متمدنانه نه با شمشیر و غیره مردم را به اسلام دعوت کنیم. وی شیدیدا از القاعده که مخالف اسلام و انسانیت است انتقاد کرد و گفت: هیچ توجیهی برای کشتن کسانی که با القاعده در زمینه مبارزه و نظرات‌شان مخالف هستند حتی اگر مسلمان باشند، از سوی این گروه وجود ندارد.

این مرجع تقلید شیعه تصریح کرد: هرگونه حمله به افراد بی‌گناه جایز نیست، آن هم تنها به این بهانه که مخالف آن‌ها هستند. ما خواهان دوستی در جهان هستیم و می‌خواهیم که براساس احترام متقابل و منافع متقابل در جهان با یکدیگر تعامل داشته باشیم.

علامه محمد حسین فضل‌الله با بیان اینکه هیچ‌گونه روابط تشکیلاتی با حزب الله لبنان ندارد، افزود: این به آن معنا است که من به طور رسمی آن‌طورکه غرب تصور می‌کند، رهبر این گروه نیستم. وی افزود: حزب الله لبنان نظر خود را دارد و ما نظر خود را. بعضاً با یکدیگر اختلاف نظر داریم و بعضاً با یکدیگر توافق داریم.

همزمان با سالگرد پیروزی حزب الله بر اسرائیل؛

ناگفته هایی از زندگی دبیر کل حزب الله از زبان پدر



همزمان با سالگرد پیروزی حزب الله بر اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه، بر آن شدیم تا ضمن بررسی احوالات و زندگی پدر و مادر فردی که چند سالی است در کنار گوش صهیونیست ها لرزه سختی بر اندام آنها انداخته، از آنان بخواهیم تا از ناگفته های زندگی فرزندان برای ماسخن بگویند.

باورش برای ما هم سخت بود که پدر و مادر دبیر کل حزب الله لبنان که محبوب ترین رهبر جهان عرب به شمار می آید، در کوچه پس کوچه های باریک ضاحیه (جنوب) بیروت در ساده ترین وضع ممکن زندگی سپری کنند.

وقتی برای دیدار با "سید ابوحسن نصرالله" این پیر مرد ۷۵ ساله و همسرش در فقیرترین منطقه شهر بیروت رفتیم با خوشرویی و تواضع بسیار از ما استقبال و پذیرایی کردند و در دیداری دو ساعته از خاطرات عمر خود و تربیت سید حسن سخن گفتند.

به نظر می رسید سید حسن، سخنوری را از پدر به ارث برده و ذکاوت و حلمش را از مادرش؛ مادر دلسوزی که به علت کهولت سن، حال چندان خوشی ندارد و حتی به سختی سخن می گوید.

آنان فرزندان را در کلامشان "سید حسن" خطاب می کردند و تصویری نقاشی شده از او را در گوشه اتاق گذاشته اند، اما بالای سرشان عکس امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به همراه نوه شهیدشان "هادی نصرالله" مشاهده می شد و در گوشه دیگری از اتاق تصویری از شهید "عماد مغنیه" خودنمایی می کند. این عکس ها تنها تصاویری بود که در خانه پدر و مادر دبیر کل حزب الله مشاهده می شد؛ خانه ای که حتی در گرمای ۴۳ درجه تابستان لبنان از داشتن کولر محروم و تنها پنکه ای کوچک در گوشه اتاق است. آن هم در مدت دو ساعت حضور ما در منزلشان به علت قطع روزانه برق در ضاحیه تنها دقایقی کار کرد.

مشروح گفت وگوی ایرنا در پی می آید:

پدر بزرگ سید حسن نصرالله در برزیل

ابوحسن نصرالله در آغاز به شغل پدرانش که کشاورزی در روستای بازوریه در جنوب لبنان بود اشاره کرد و وضع زندگی خود را چنین تشریح کرد: پدرم به دلیل فشار اقتصادی ناگزیر شد برای کار به برزیل برود، اما در راه کشتی آنان غرق شد و از مجموع یک هزار و ۷۰۰ سرنشین کشتی تنها ۷۰۰ نفر جان سالم بدر بردند.

وی افزود: از آنجا که فرزندان مادرم به دلیل مشکلاتی مرده به دنیا می آمدند، پدرم قبل از ترک لبنان عهد کرد که اگر فرزندی که در شکم مادرم بود، زنده نماند هرگز به لبنان باز نگردد، اما پس از زنده ماندن کودک پس از چهار سال زندگی در برزیل به لبنان بازگشت.

وی به ماجرای چگونگی مهاجرتش به بیروت پرداخت و افزود: به سبب درآمد ناکافی کشاورزی در آن زمان ناگزیر شدم در سن ۲۰ سالگی برای کسب درآمد به بیروت بیایم.

ابو حسن با اشاره به اینکه در آن سال ها تعداد شیعیان در بیروت اندک و تنها حضور آنان در محله "برج حمود" شهر بیروت بود، افزود: فقر و نبود درآمد موجب شد تا به کار سبزی فروشی بپردازم و به تدریج از درآمد آن، وضعیت معیشتی ما بهبود پیدا کرد و توانستم در آنجا خانه و مغازه خریداری کنم.

ازدواج با ام حسن و چگونگی انتخاب نام حسن برای فرزند اول

وی با اشاره به ازدواج خود با خانمی از خانواده "صفی الدین" که آنان نیز از سادات بودند، افزود: مدت اندکی از ازدواج ما نگذشته بود که در ماه هفتم شبی در رویای صادقه دیدیم که دو سید نورانی به خانه ما آمدند و در کنار من نشستند و خطاب به من گفتند که چند تافرنزد

می خواهی؛ گفتم چند تا که دست من نیست، هرچی که خدا بخواهد؛ آنان پاسخ دادند فرزند نخست تو حسن، دومی حسین و سومی زینب است و سپس رفتند. فردای آن شب موضوع رویا را برای همسرم تعریف کردم و به وی گفتم که تو از این به بعد ام حسن هستی.

تفریحات سید حسن در دوران کودکی و نوجوانی

وی افزود: سید حسن فرزند بزرگ من است و از آغاز کودکی هم قانع بوده و هیچ گاه زیاده خواه نبود. سرگرمی سید حسن در کودکی بازی فوتبال و رفتن به جلسه ادبا و علما و قرائت کتاب بود به طوری که قادر بود ۱۰۰ صفحه را حفظ کند.

ابوحسن نصرالله درباره خاطرات خود از دوران کودکی فرزندش افزود: از جمله ویژگی های پسر من همان دوره کودکی حافظه قوی و قدرت بلاغتش بود که در هر محفلی سخنرانی می کرد اعجاب همگان را بر می انگیزت چنانکه در ۱۴ سالگی در جمع بزرگان روستای بازوریه به دعوت شیخ نورستا در مراسمی سخنرانی غرایب کرد که اعجاب همه را بر انگیزت.

وی افزود: هنگامی که کودکی چهار ساله بود، عمامه بر سر می گذاشت و از پسر عموها و کودکان همسال خود می خواست با هم نماز جماعت بخوانند.

علاقه برای رفتن به حوزه و مخالفت پدر

پدر سید حسن افزود: قدری که بزرگتر شد، با علامه "سید محمدحسین فضل الله" آشنا شد که تازه از عراق بازگشته بود و در منطقه برج حمود برای کمک به شیعیان جمعیت "خانواده و برادری" را تأسیس کرده بود و در درس های وی نیز شرکت می کرد.

ابو حسن افزود: حادثه مهم زندگی سید حسن در این دوره که تازه ۱۴ ساله شده بود تصمیمش برای رفتن به عراق برای تحصیل علوم دینی بود و من با این کار مخالف بودم، زیرا انتظار داشتم که پسر بزرگ مهندس و یا وکیل شود اما وی به من گفت تحصیل علوم دینی و علوم روز منافاتی با هم ندارند و از ضلالت و گمراهی انسان جلوگیری می کند.

وعده محمدباقر صدر به نصرالله

وی افزود: پسر من در جوانی به عراق رفت و در درس آیت الله شهید "سید محمدباقر صدر" شرکت کرد و با دستان مبارک ایشان بود که عمامه بر سر گذاشت. از جمله خاطراتی که دیگران برای من درباره زمان حضورش در نجف تعریف کرده اند، شیفتهگی سید محمدباقر صدر به سید حسن بود تا جایی که به وی گفته بود که مقام و شان تو در آینده عالی و انشاءالله از یاران مهدی (ع) هستی.

ابو حسن نصرالله افزود: این سخنان در من تاثیر فراوانی گذاشت، اگر چه پسر من واقعه را به دلیل تواضعش از من پنهان کرده بود. در عراق و در درس شهید صدر بود که با سید عباس موسوی رفیق و دوست و استاد خود و رهبر آینده حزب الله آشنا شد.

ماجرای ازدواج سید حسن در ۱۹ سالگی

وی افزود: سید نصرالله در بازگشت از عراق به لبنان در سن ۱۹ سالگی ازدواج کرد. در حالی که از مال دنیا چیزی نداشت و من نیز در موقعیتی نبودم که به وی کمک مالی کنم.

ابو حسن افزود: من از تصمیم وی به ازدواج تعجب کردم زیرا او در وضعیت مالی نبود که بتواند ازدواج کند و من نیز قادر به کمک به وی نبودم و در نهایت به اتفاق علامه فضل الله برای خواستگاری رفتیم. در راه علامه فضل الله به من گفت: نگران مشکل مالی نباش، درست است که پسر تو ۱۹ ساله است اما به اندازه یک انسان ۳۵ ساله عقلش می رسد و قادر به اداره یک ملت است.

دو باری که پدر برای پسرش ترسید

وی درباره ترور فرزندش که اسرائیل برای آن لحظه شماری می کند، گفت: من و مادرش هر شب در نماز

شب برای توفیق و سربلندی حسن و مصون ماندن وی از این توطئه ها دعا می کنیم، ولی راضی به مشیت الهی هستیم.

ابوحسن افزود: در عمرم دو بار برای جان فرزندم ترسیدم. یکبار هنگامی که از عراق بازگشته و لبنان در آغاز جنگ داخلی بود و ما نیز در محله مسیحی نشین ساکن بودیم. وی با لباس روحانی به آنجا آمد و آن زمان مسیحیان افراطی به جان مسلمانان در جنگ داخلی رحم نمی کردند و من حقیقتا از اینکه بلایی سر او بیاورند، ترسیدم.

بار دیگر هنگامی بود که با هوایما از لبنان به عراق رفت، زیرا خبردار شدیم که یک هواپیما در فرودگاه بغداد منفجر شده است و من باتوجه به شرایط آن زمان گمان می بردم او نیز در آن پرواز بوده است.

پسرمان را سالی یکبار می بینم

ابو حسن درباره دیدار با پسرش گفت: او را سالی یکبار می بینم و در صورت ضرورت تماس های ما با ایشان از طریق تلفن است زیرا تدابیر امنیتی که برای دیدار وی وجود دارد آنقدر دشوار و سخت است که انسان از دیدن وی پشیمان می شود.

وی درباره احساس خود در مورد اینکه فرزندش اکنون دبیر کل حزب الله افزود: از این امر احساس افتخار می کنم، ولی به رغم احترام مردم در کوچه و بازار، سعی می کنم هر کاری که دارم خودم انجام دهم و به کسی تکیه نکنم و به لحاظ مالی هم حقوق بازنشستگی که می گیرم کفایت می کند و تاکنون حتی از فرزندانم درخواست کمک مالی نکرده ام و به کسی نیاز مالی ندارم.

وی درباره شیوه اخلاقی سید حسن نصرالله گفت: اگر درخواستی از وی شود که پاسخ آن منفی است هیچ گاه نه نمی گوید و جواب منفی نمی دهد، بلکه می گوید صبر کن و یا کار را به خود من واگذار کن.

خاطره شیرین دیدار با رهبر معظم انقلاب

پدر سید حسن نصرالله با اشاره به سفر زیارتی خود به ایران و دیدارش با مقام معظم رهبری افزود: در سفرهای مکرر خود به ایران موفق به دیدار مقام معظم رهبری نشده بودم و حسرت آن در قلبم سنگینی می کرد، تا این که در سفر اخیر قبل از بازگشت به لبنان در آخرین لحظات در حالی که در مسیر فرودگاه امام خمینی (ره) بودیم از بیت رهبری تماس گرفتند و برای نماز مغرب و عشاء موفق به زیارت ایشان شدم.

وی افزود: در دیدار با آیت الله خامنه ای به ایشان گفتم که با عرض معذرت و خجالت من به زبان عامی صحبت می کنم و کسی که به زبان عامی صحبت می کند زبان عربی نصف زبان است و با سخن گفتن به زبان فصیح عربی است که زبان کامل است، ایشان تبسمی کردند و به سخنان من با همین زبان محلی لبنانی گوش دادند.

پدر سید نصرالله افزود: در دیدار با مقام معظم رهبری تنها درخواست من از ایشان کشیدن دست تبرک ایشان بر روی صورتم بود.

پدر سید حسن نصرالله که خود دارای طبع شعر و در نوجوانی از شعرای محلی لبنان بوده در پایان با خواندن شعری فی البداهه در توصیف امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری گفت. ترجمه این اشعار بدین شرح است: باغ به درختان تزئین شده بود - یک درخت با دو شاخه میوه عطر آگینی داد

یکی خمینی بود که دین را برای ما زنده کرد و دیگری سید علی بود که میان قلب و چشم ما جادار داد. سید نصرالله دو سال قبل به من گفت - سرگردان نباشید روی زمین دو حزب وجود دارد یکی حزب الله و دیگری حزب شیطان

تبریک می گویم به کسانی که رهبری را ایمان از درخت مبارک و پر برکت دارند که به عدالت شناخته شده است.

منبع: ایرنا

سالخوردگی متحدان غرب در

خاورمیانه؛ از مبارک ۸۳ ساله

تا عبدالله ۸۷ ساله

روی جلد آخرین شماره نشریه اکونومیست به مطلبی اختصاص یافته که در آن به نگرانی های فزاینده غرب در قبال تغییرات پیش روی کشورهای عرب همپیمان آنها در خاورمیانه اشاره شده است. به گزارش ی مهر، روزنامه القدس العربی در سرمقاله خود با عنوان نگرانی غرب از آینده مصر و عربستان که به قلم "عبدالباری عطوان" نوشته شده است، به بررسی تغییرات گریزنابذیر پیش روی خاورمیانه به ویژه در دو کشوری که به عنوان همپیمان اساسی غرب بشمار می روند، پرداخته است.

در این مطلب آمده است: اصولا اینکه نشریه ای همچون اکونومیست که مغز متفکر ناظر بر نظام سرمایه داری غرب محسوب می شود و البته تحت سلطه آنگلساکسون ها قرار دارد بخش بزرگی از صفحات داخلی خود را برای بررسی مسائل داخلی مربوط به دو کشور عربی [مصر و عربستان] اختصاص دهد، مسئله ای کم سابقه است.

اکونومیست با اشاره به وخامت وضع جسمانی رهبران مصر و عربستان و کهنسال بودن هر دوی آنها (ملک عبدالله ۸۷ و حسنی مبارک ۸۳) می نویسد: مسئله زمانی نگران کننده می شود که در این کشورها و به ویژه مصر همچنان مسئله جانشینی مبارک و ملک عبدالله به صورت نهایی حل نشده است.

این نشریه غربی همچنین نهایی نشدن جانشینان آتی مبارک و ملک عبدالله را هشدار می دهد در زمینه آینده خالی از آرامش و ثبات در این دو کشور می داند.

سرمقاله نویس القدس العربی همچنین با اشاره به عکس روی جلد نشریه اکونومیست که در آن مبارک به شکل فراغنه مصر نشان داده شده که در حال فرو رفتن در خاک این کشور است، می نویسد: قطعا نگرانی های غرب در قبال روند تغییرات پر شتاب مصر بیشتر از عربستان است و این تصویر در واقع بیانگر شرایط فعلی مصر است که در دگوقوئی های پر سرعتی را تجربه می کند.

عطوان ادامه می دهد: در حال حاضر ملت مصر همگی به این استنتاج و دریافت رسیده اند که مرحله تغییر آغاز شده است، تغییری که دیر و زود دارد اما چاره ای هم از وقوع آن وجود ندارد. البته طبیعت نگرانی های غرب در مصر و عربستان به صورت بنیادی با یکدیگر متفاوت است، نگرانی هایی که در مصر ملموس تر به نظر می رسد.

بر این اساس آمریکا در سال های اخیر علاوه بر کمک دهها میلیارد دلاری از سوی کشورهای اروپایی، خود به تنهایی ۶۰ میلیارد دلار برای ابقای نظام مصر در خاورمیانه هزینه کرده است. همپیمانی که موجبات پیشبرد روند شکست خورده سازش را فراهم آورده و از طرفی موجبات جلوگیری از هرگونه تهدید امنیت اسرائیل را فراهم می آورد.

البته در عربستان شرایط کاملا عکس است و طبیعت نگرانی های غرب در قبال روابط با قاهره کاملا در ارتباط با ریاخت متفاوت است. بر این اساس، این عربستان است که صدها میلیارد دلار در قراردادهای تسلیحاتی با کشورهای غربی هزینه کرده است. از طرفی املاک، سهام و زمین های آنها را برای حمایت از اقتصاد کشورهای غربی خریداری می کند.

چرا حکام عرب از جنبش حماس می هراسند؟

نویسنده: جمال ابوریده

هر روز دولت کنونی اسرائیل^۱ به خصوص مثلث دولت راستگرای تندروی متشکل از نتانیاهو، لیبرمان، ایالون افکار عمومی جهان عرب را با اظهارات عجیب خود شگفت زده می کنند. این دولت بارها اعلام کرده است که دولت های عرب از اسرائیل^۲ می خواهند تا موضع شدیدتری نسبت به جنبش حماس اتخاذ کند.

در آخرین مورد از موارد مذکور روزنامه هآرتص اسرائیل^۳ از زبان نخست وزیر، بنیامین نتانیاهو می نویسد: تعدادی از کشورهای عرب به شدت با لغو محاصره دریایی تحمیلی علیه نوارغزه و تاسیس بندر در سواحل غزه مخالفتند. این گونه اظهارات شهروندان عرب را بسیار شگفت زده و متحیر می سازد و سوالاتی را در اذهان آنان مطرح می سازد که ما برای نمونه به برخی از آن ها در زیر اشاره می کنیم:

۱- چرا دولت های عرب جنبش حماس را دشمن خود می دانند؟
۲- چرا این دولت ها در پشت دولت اشغالگران مخفی شده اند و صهیونیست ها را علیه جنبش حماس تحریک می کنند؟

در این زمینه سوالات زیادی مطرح است که نمی توان همه آن ها را مطرح کرد و ما در این جاتنها به همین دو سوال اکتفا می کنیم و به همین دو سوال نیز پاسخ می دهیم.

در مورد پاسخ به سوال اول به باور من علل و عواملی موجب شده است تا دولت های عرب حماس را دشمن خود بدانند و این علل عبارتند از:

۱- این دولت های مشروعیتی ندارند و بر اساس اصول دموکراتیک و انتخابات آزاد و شفاف شکل نگرفته اند و از حمایت مردمی برخوردار نیستند و هیچکس نمی تواند در مورد عملکردشان آنان را مورد مواخذه و بازخواست قرار دهد به گونه ای که نهادها و موسسات این دولت ها خالی از محتوا و تشریفاتی و بی اساس می باشند.

۲- جنبش حماس از بطن این دولت ها خارج نشده است بلکه از عمق جامعه و ملت برخاسته و از طریق انتخابات سالم و شفاف شکل گرفته است. چیزی که سایر دولت های عرب از آن بی بهره اند.

۳- جنبش حماس گزینه جهاد و مقاومت را برای آزادی فلسطین برگزیده است و چنین گزینه ای با گزینه های دولت های عرب در تعارض است زیرا آنان شعار "صلح گزینه راهبردی" را انتخاب کرده اند و بر همین مبنا عمل می کنند.

۴- ناتوانی دولت های مذکور از بهره برداری از حماس و ناکامی آن ها در وادار کردن این جنبش به اطاعت از آنان. در این جا برای تاکید بر این نکته می توان به موضع گیری های ثابت حماس در مورد موضوعاتی همچون آشتی ملی، اسارت نظامی اسیر اسرائیلی و لغو محاصره اشاره کرد.

۵- حجم حمایت مردمی رو به افزایش از جنبش حماس در سطح منطقه عربی و جهان اسلام و سرتاسر جهان موجب نگرانی هایی برای دولت های عربی شده است.

اما در مورد سوال دوم یعنی پنهان شدن دولت های عرب در پشت رژیم اشغالگر و تحریک صهیونیست ها علیه این جنبش به باور من این امر به ترس این دولت ها از افکار عمومی باز نمی گردد زیرا این دولت از طریق سرویس های امنیتی خود که پیوسته تحرکات مردمی را زیر نظر دارند بر ملت های خود مسلط هستند. آنان از این طریق می خواهند به طور رایگان به اشغالگران خدمت کنند و وفاداری خود را نسبت به آنان و حامیانشان در غرب به اثبات برسانند و رضایت آنان را بیشتر جلب نمایند زیرا آن گونه که پیداست این اشغالگران و حامیان آنان هستند که با حمایت های همه جانبه خود این حکام را چند صباحی بر سر قدرت نگه داشته اند.

دولت های عرب سخت در اشتباهند اگر بر این باور باشند که محاصره تحمیلی نوارغزه می تواند جنبش حماس را تضعیف کند. واقعیت های کنونی خلاف این تصور را به اثبات رسانده است. محاصره منطقه آوازه جنبش حماس را در جهان پخش و منتشر کرده و این جنبش توانسته است حمایت بخش وسیعی از افکار عمومی را به دست بیاورد. اعزام پیاپی کاروان های کمک رسانی از راه خشکی و دریا به نوارغزه نشانگر ناکامی طرح محاصره برنامه ریزی شده برای نابودی جنبش حماس و یا تضعیف آن است و رویایی است که دولت های عرب آن را در سر می پروراندند.

حکام عرب باید به خوبی درک کنند که حلقه های محاصره در حال گسستن است و به زودی محاصره پایان می یابد زیرا این موضوع اکنون بر وجدان جهانیان تاثیر گذاشته است و جهانیان روز به روز به حجم درد و رنج محاصره پی می برند. در بیانیه اخیر کمیته بین المللی صلیب سرخ صراحتاً آمده است: محاصره نوارغزه نقض قانون بشردوستانه بین المللی بر اساس توافق چهارم ژنو در سال ۱۹۴۹ است و صدها مدرک و سند از سوی نهادهای بین المللی در مورد مجرمانه بودن محاصره تحمیلی علیه نوارغزه در دست است. به باور من دولت اشغالگر نمی تواند از بعد از این در برابر چشم و خشم جهانیان به محاصره غزه ادامه دهد و آرزوی حکام عرب در مورد نابودی حماس نیز بر باد خواهد رفت.

چرا ترکیه مورد تهاجم دشمنان قرار گرفته است؟

نویسنده: احمد الفلو

پروراندند و پارلمان ترکیه نیز اعطای این آزادی ها را به تصویب رساند. نمایندگان کردها در پارلمان ترکیه از آزادی بیان کامل برخوردارند و دولت کنونی ترکیه اوضاع کردها را به خوبی درک می کند ولی متأسفانه برخی از رهبران کرد دایما تحرکات و تحریکاتی علیه ترکیه انجام می دهند و در جهت تقویت تروریسم گام بر می دارند و احزاب مارکسیستی در این زمینه بسیار فعال هستند و بیش از سایرین دست به خیانت می زنند و حزب کارگر کردستان نیز از نظر سیاسی و نظامی در خدمت دشمن صهیونیستی است. در فلسطین نیز مارکسیست ها هنگامی که مقاومت زمام امور در غزه را در دست گرفت و مقاومت به آنان پیشنهاد کرد که در دولت وحدت ملی مشارکت کنند، آنان به مخالفت برخاستند و خودشان را به محمود عباس فروختند و به همکاری و هماهنگی امنیتی با رژیم صهیونیستی پرداختند.

مخالفت ترکیه با منزوی ساختن جنبش حماس و اصرار این کشور بر تعامل با این جنبش به عنوان دولت و قدرت قانونی و منتخب مردم خشم آمریکا و اسرائیل^۴ و هواداران آن ها از جمله دولت مصر و تشکیلات عباس بهایی و نیروهای راستگرای منافق را که دشمن گرایش های اسلامی ترکیه اردوغان هستند، برانگیخت. بر همین اساس ترکیه بهای سنگینی را به خاطر توطئه و دسیسه های آمریکا و صهیونیست ها و طرفداران آن ها پرداخت کرده است و این دشمنان پیوسته تلاش می کنند که تا تجربه واقعی دموکراسی آزاد را در فلسطین و ترکیه زنده به گور کنند زیرا این تجربه ها حاصل انتخاب واقعی مردم هستند و کالای وارداتی از غرب نیستند. در اکتبر سال ۲۰۰۶ پارلمان فرانسه قانونی را به تصویب رساند که بر اساس آن هر کس که کشتار ارانه به دست ترک های عثمانی را نفی کند باید زندانی و مجازات شود. بدین ترتیب فرانسوی های صهیونیست دشمنی خود را اسلام آشکار کردند و باز می بینیم که فرانسه از پخش شبکه الاقصی جلوگیری می کند تا از پخش جنایات صهیونیست ها علیه فلسطینیان مانعت به عمل آید و اشغالگران بیشتر در جهان رسوا نشوند.

پیشرفت های اقتصادی ترکیه گواهی بر موفقیت آمیز بودن تجربه اقتصاد اسلامی و موفقیت خاص آن است که بر اساس اصول سودآوری اسلامی و غیر ربوی شکل گرفته است و همین پیشرفت ها و جهش های اقتصادی نگرانی سکولارها و لائیک ها و دوستان یهودیان آنان را برانگیخته است و آنان تلاش می کنند تا به انحای مختلف مردم را از اسلام گراها بترسانند زیرا همین عده بودند که از طریق پرداخت وام سودهای کلانی را نصیب خود می کردند و در دوران اقتدار آنان میانگین رشد اقتصادی سالانه نیز در بهترین شرایط از ۲ درصد تجاوز نمی کرد و قبل از سال ۲۰۰۳ یعنی قبل از به قدرت رسیدن حزب توسعه و عدالت، ترکیه اقتصاد بیمار و طفیلی و مصرفگرا داشت ولی پس از به دست گرفت قدرت از سوی این حزب اوضاع تغییر کرد و این حزب با برنامه ریزی هوشمندانه و استوار و به دور از فساد و رشوه و راهزنی اقتصادی و باندبازی دولت های قبلی توانست به رونق اقتصادی این کشور بپردازد. اسلام گراها ظرف هفت سال حکومت توانستند تولید را فعال سازند و صنایع را تقویت کنند و کشاورزی را گسترش دهند و سرمایه های کشورهای اروپایی و عربی و اسلامی را به سوی خود جذب کنند و بانک های اسلامی بزرگی را در این کشور افتتاح نمایند. دولت اردوغان توانست سرچشمه بسیاری از فسادهای دولتی و جرم و جنایت و انحرافات را بخشکاند و در مسیر جامعه و اقتصاد سالم گام بردارد.

برنامه های اقتصادی حماس نیز بسیار شبیه به برنامه های اقتصادی اردوغان می باشد زیرا این جنبش نیز می کوشد وابستگی اقتصادی به رژیم صهیونیستی را قطع کند و همین موجب شده است تا نیروهای شر علیه این جنبش متحد شوند و با هم همکاری کنند و این منطقه مورد محاصره قرار گیرد.

تلاش های جنبش صهیونیسم برای بازگرداندن ترکیه به زیر چتر آمریکا و ممانعت از پیوستن ترکیه بزرگ به امت عربی و اسلامی و تلاش محور اسرائیلی و مصری و اسلویی برای بازگرداندن نوارغزه به آغوش صهیونیست های اشغالگر هرگز متوقف نشده است و در آینده نیز ادامه خواهد داشت ولی چیزی که صهیونیست های گرگ صفت آن را فراموش کرده اند این است که زمان به عقب باز نخواهد گشت و زمان پیروزی های مسلمانان فرارسیده است و چنین امری پایدار خواهد ماند.

نادرست است اگر تحولات سیاسی داخلی و خارجی ترکیه را صرفاً تلاشی در جهت بازگرداندن شکوه و عظمت دولت عثمانی بدانیم و یا آن را کوششی در جهت ایفای نقش داخلی برای دستاوردهای انتخاباتی و یا ایفای نقش منطقه ای و بین المللی دولتی بدانیم که خود را در منطقه مهم و تاثیرگذار می داند بلکه درست آن است که رهبران ترکیه به عنوان نمایندگان حزب عدالت و توسعه که در نوک هرم قدرت و دولت ترکیه قرار دارند بر اساس انگیزه ها و عوامل فکری و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی در چنین جایگاهی جای گرفته اند و باید نیروی سیاسی مردمی حقیقی باشد تا بتواند به خواسته های ملت ترک به درستی پاسخ دهد. بنابراین ما می توانیم به روشنی بگوییم که رهبری حزب عدالت و توسعه و قرار گرفتن آن در سمت های سیاسی حساس برای نجات ترکیه از فروپاشی بسیار ضروری بود و هست و برسرکار آمدن این حزب در واقع پاسخی به خواسته های مردم است البته تا زمانی که این مسئولان به مسئولیت های ملی و دینی خود عمل کنند. آن چه در ترکیه رخ داده است در واقع همان چیزی است که در فلسطین رخ داد و مردم جنبش حماس را برای به عهده گرفتن مسئولیت مهم دولت انتخاب کردند و به آن رای دادند.

آمریکا و اسرائیل^۵ و همپیمانان آنان شمال عراق را در سال ۱۹۹۱ تقسیم کردند و آن را اقلیم کردستان نام نهادند و تشکیلات سیاسی را در آن جا ایجاد کردند و سپس با مصوبه سازمان ملل به این تقسیم بندی به بهانه حمایت از اکراد در برابر ستم صدام رسمیت بخشیدند. رهبران کردها منافع خاص خود را به زیان ملت کرد عراق ترجیح دادند و شیوه خاصی را دنبال کردند و علی رغم این که رهبران کرد دایما می گویند که اقلیم کردستان بخشی از عراق است ولی این اقلیم در واقع جدا شده از این کشور است و برای خود پرچم و نشان و سرود و رئیس و پارلمان و نیروهای امنیتی ویژه ای دارد و روابط مستحکم و همکاری امنیتی و اطلاعاتی ویژه ای نیز با رژیم صهیونیستی و دشمنان ملت فلسطین دارد و این موجودیت در واقع هسته دولت کردستان موعودی به شمار می رود که شامل کردهای سوریه و عراق و ایران می شود.

واقعیت این است که به وجود آوردن این نظام سیاسی در شمال عراق وارد آوردن خنجری از پشت به ترکیه است زیرا در این منطقه نزدیک به ۵ هزار مسلح از اعضای حزب کارگر ترکیه مستقر هستند و کارشناسان اسرائیلی و جنبش فتح به آموزش آنان می پردازند و این منطقه را به صورت پایگاهی برای حمله به اراضی ترکیه درآورده اند. در این جا باید یادآور شوم که محمود عباس رئیس تشکیلات فلسطینی نیز در سال ۲۰۰۹ از این منطقه دیدن کرده است که در واقع در راستای همکاری های امنیتی با اسرائیل بوده است و نیروهای آموزش دیده نظامی جنبش فتح نیز در همین راستا به آموزش چریکی اعضای حزب کارگر کردستان ترکیه و سوریه می پردازند و در مقابل شرکت های وابسته به فرزندان محمود عباس امتیاز برخی از ساخت و سازها را در کردستان عراق به دست آورده اند و ما مشاهده کردیم که چگونه پس از کاهش سطح روابط ترکیه با اسرائیل^۶ حملات حزب کارگر کردستان علیه ترکیه نیز افزایش یافت.

ترکیه بر این باور است که گسترش و تعمیق روابط با همسایگان عرب خود در منطقه موضوع اساسی مهمی است که باید به آن به درستی پرداخته شود. بر همین مبنا در حمله نظامی برای اشغال عراق مشارکت نکرد و به نیروهای آمریکایی اجازه نداد برای حمله به عراق از خاک این کشور استفاده کنند و بعد از اشغال نیز ترکیه تقسیمات کنونی عراق را به رسمیت نشناخت. ترکیه مشارکت در تلاش های آمریکا برای منزوی ساختن سوریه و محاصره این کشور و متهم ساختن سوریه در دست داشتن در ترور حریری را نپذیرفت. بنا براین عملیات تروریستی اخیر پ ک ک به پایگاه دریایی اسکندرون از طریق خاک کشور سوریه صورت گرفت تا شکافی میان دو کشور برادر سوریه و ترکیه ایجاد شود. جاسوسان و مزدوران در سوریه دست به فتنه و آشوب می زنند تا امنیت و آرامش در سوریه را به سود منافع دشمن صهیونیستی برهم بزنند.

اردوغان به کردهای ترکیه آزادی های فرهنگی و سیاسی زیادی داده است که حتی کردها روای آن را در سر نمی

قضاوت در نظام ارزشی اسلام

آیت‌الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد



اسلام مجموعه بزرگی از نظامات ارزشی است و قضاوت و دادرسی در آن نقشی عمده و برجسته دارد. نگاهی به احوال رسول اکرم (ص) و خلفای راشدین نشان می‌دهد در دیدگاه آنان اموری نظیر نظام و فرماندهی لشکر و مملکت داری و غیره هرگز ارج و ارزشی همدوش اهتمام به دادرسی و رسیدگی به تظلمات اهمیت نداشته است و به همین جهت در صدر اسلام، شخص رسول اکرم (ص) و بعدها خلفای راشدین شخصاً کفالت امر قضا را به عهده داشتند. جامعه ساده و محدود اسلام عصر حضرت پیغمبر (ص) بعد از رحلتش، خصوصاً در زمان خلیفه دوم گسترش یافت و با پیروزی حکومت اسلامی بر ممالک و امپراتوریهای بزرگی نظیر ایران و روم و قسمت‌هایی از اروپای کنونی و شمال آفریقا و مصر که هر یک دارای سوابق تاریخی طولانی و سنت‌های جا افتاده و پخته‌ای بودند و در درجات متفاوتی از سطوح تمدن قرار داشتند، لزوم نصب قضات برای کشورها و ولایات مفتوحه بیش از پیش احساس گردید. خلیفه دوم به گواهی تاریخ اولین کسی است که به این کار اقدام کرد و بعد از او نیز با توجه به گسترش بیش از پیش محدوده حاکمیت اسلام، نصب و انتخاب قضات مختلف برای کشورهای تحت فرمانروایی اسلام بیش از پیش احساس شد. همان‌گونه که گفته شد، اهمیت و حساسیت منصب قضا به حدی بود که شخص رسول اکرم (ص) و بعدها خلفا در آن مباشرت می‌کردند و بعد از پیدایش ضرورت نصب قضات نیز، علی‌الاصول متقی‌ترین و باسوادترین فقها و دانشمندان برای تصدی این مهم در نظر گرفته می‌شدند. حساسیت شغل قضا از اینجا ناشی می‌شد که آنها می‌بایست حدود الهی را جاری کنند که لازمه‌اش فهم و درک مقررات و موازین شرعی و قدرت تطبیق فروع بر اصول است.

اهمیت حکم قاضی

تاریخ اسلام نشان می‌دهد که زمامداران و حکام علی‌رغم موارد معدود، طوعاً یا کرهاً ناچار به حفظ و رعایت حریم قضا بوده‌اند و این احترام به شرحی که گذشت، ریشه در جای دیگری دارد؛ یعنی چون دستمایه اصلی کار قاضی حل و فصل اختلافات و اجرای حدود بر اساس موازین الهی بوده و لزوماً به علت توجه عمیق مسلمانان به این موازین، عدم توجه و مراعات آن، علی‌رغم استبداد حکام جور نیز چندان ساده نبوده است. براساس این واقعیت است که می‌بینیم خلفای عباسی در اوج قدرت خود به احکام قضاتی نظیر ابویوسف گردن می‌نهند. ابن اثیر می‌نویسد: وقتی شهر سمرقند مسیحی نشین در زمان عمر بن عبدالعزیز توسط فرمانده قوای اسلام با شبیخون و خلاف مقررات اسلام در مورد جنگ، تسخیر شد، مردم مسیحی از این جهت به خلیفه شکایت بردند. او نیز آنان را به ابن حاضر بلخی - قاضی وقت - ارجاع داد؛ قاضی مذکور پس از رسیدگی و احراز حقانیت مردم شهر، حکم علیه اقدامات جنگی و لزوم به تخلیه شهر داد و خلیفه آن حکم را پذیرفت و به مورد اجرا گذاشت و مردم که این گونه رفتار دیدند، اسلام آوردند.

شخص پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) در مدافعات معمولی به قاضی مراجعه می‌کردند و جالب‌تر اینکه حکم علیه آنان صدور یافته و به آن گردن نهاده‌اند که داستان اختلاف حضرت علی

علیه السلام با مردی عرب در مورد زره مشهور است.

مقایسه نظام قضایی اسلام با اروپا

هنگامی که ممالک اروپایی روزگار چهل و تاریکی خود را می‌گذراندند، نظام قضایی اسلام به صورت یک مجموعه دارای احکام و قواعد و اصول مشخص و انسجام درونی منطقی و قادر به پاسخگویی به نیازهای فزونی گیرنده روز در عرصه تمدن جهانی قد برافراشت. واقعیت این است که تمدنهای همجوار - نظیر مصر و ایران و روم - از جهت سطح معیشت و شیوه‌های تولید نسبت به خاستگاه اسلام یعنی عربستان، برتری چشمگیری داشتند، با وجود این، هرگز دارای یک نظام قضایی مبتنی بر عدل و قسط نبودند. این جوامع رفاه زده مقارن ظهور اسلام، دوران فروپاشی و اضمحلال خود را طی می‌کردند و حکام و سلاطین این ممالک بدون اینکه پروای مسائل و مشکلات مردم را داشته باشند، زندگیهای پراز رفاه و افسانه‌ای برای خود ترتیب داده بودند. شتاب شکست‌انگیز نشر اسلام نشان می‌دهد که رمز پیروزیهای قوای اسلام در فنون نظامی نهفته نبود، بلکه شعارهای مساوات طلبانه و عدالت خواهی ذاتی موازین ارزشی اسلام توده‌های مردم این ممالک را شیفته خود ساخته بود و عدم اعتقاد به نظامات فرسوده سابق، دژهای به ظاهر سنگین را به سهولت مغلوب اسلام می‌ساخت. در واقع اسلام در عصری ظهور کرد که تمدنهای دیگر، روزگار رخوت خود را می‌گذراندند و به علت پویایی درونی خود بود که بر رقبا غلبه می‌کرد.

هنگامی که اروپا از روشهای منسوخ و کهنه برای اثبات اتهامات و مجرمیت استفاده می‌کرد، حقوق اسلامی بر اساس موازین مدون و روشن و تکیه بر سیستم ادله، اختلافات را حل و فصل می‌کرد و به مجازات مجرمان می‌پرداخت. اصول مربوط به مساوات قانونی، برائت، شخصی بودن مجازاتها و قبح عقاب بلایبان، دهها اصل وقاعده روشن که اجزای نظام حقوقی اسلام را تشکیل می‌دهد، قرن‌ها در اروپا ناشناخته بود و طرح و تکوین این مفاهیم در حقوق غربی تا اندازه زیادی مرموز فرهنگ و تمدن اسلامی است.

ظهور اسلام با بعثت پیغمبر اکرم (ص) با سال ۶۱۵ میلادی مقارن است. در این تاریخ حدود یکصد و پنجاه سال از سرنگونی دنیای مسیحیت آن روز در روزگار تاریک و ظلمانی قرون وسطی می‌گذشت و مقدر بود تا اروپا که زیر سیطره مسیحیت به سر می‌برد، نهصد سال دیگر با این تیرگی‌ها دست به گریبان باشد. (ابتدای قرون وسطی سال ۴۷۶ م و پایان آن ۱۴۵۰ تا ۱۵۰۰ م است). در این دوران نه تنها انسانها حقوقی نداشتند و با آنها چون بردگان رفتار می‌شد و از مساوات و برابری خبری نبود، بلکه احقاق حق در قبال زورمندان و آزمندان و آبابی کلیسا و سخن گفتن علیه مصالح آنها، مجازاتی در حد شمع آجین شدن یا سوختن در خرمن آتش داشت!

میزان تشخیص درجه گناهکاری و اثبات مجرمیت، بدون اتکا به ادله اثباتی یا منطقی، بر معیار قیافه‌شناسی و عیب و نقص ظاهری بدن انجام می‌شد! چه بسا بی‌گناهیانی که بر اثر نقص جسمانی یا عدم هماهنگی اندام بدن در آتش مجازات می‌سوختند یا به زندانها و سیاهچالها افکنده شدند تا زندگی تیره خود را در زندانهای تیره سپری سازند. نام گازیمیدو بر دیواره سنگی باستیل - که انگیزه نوشتن کتاب عتاب‌آمیز ویکتور هوگو به نام گوژپشت نتردام شد - در حقیقت فریادی علیه این نوع قضاوت و داوری بود.

متأسفانه مبانی این نوع قضاوت که هیچ نوع منشأ عقلی و انسانی نداشت، در کتاب انسان مجرم جزاوه لومبروزو - به اصطلاح جرم‌شناس و طبیب ایتالیایی (۱۹۰۵ - ۱۸۳۵) - شکل پذیرفت و سالها ملاک قضاوت و میزان عدالت قرار گرفت.

شیوه اردنال حتی تا قرن ۱۴ میلادی یعنی هفت قرن پس از ظهور اسلام در اروپا ادامه داشت. شیوه اردنال عبارت است از: آزمایش الهی. آنان معتقد بودند که خداوند فرد بی‌گناه را از طریق غیبی نجات خواهد داد. شیوه مزبور به گونه‌های مختلف اعمال می‌شد؛ از جمله آنکه متهم راه آب می‌افکندند؛ چنانچه آب او را بیرون می‌انداخت، مقصر بود و اگر در خود فرومی‌برد، او را با طنابی که به دستش بسته بودند، بیرون می‌کشیدند و تبرئه می‌شد!

طریق دیگر این بود که آهن گداخته را به دست او می‌دادند که آن را ۹ فوت حمل کند. اگر دستش عفونت نمی‌کرد، بی‌گناه بود و اگر عفونت می‌کرد، مقصر شناخته می‌شد! پس از ظهور عصر روشنگری در اروپا و پدیدار شدن اصحاب دائرةالمعارف به زعامت دیدرو و سایر روشنفکران چون لاک، منتسکیو و ژان ژاک روسو، کلماتی چون انسان‌دوستی، آزادی، حقوق فطری آنها، آرام آرام شکل گرفت و در اذهان آن روزگار نفوذ کرد. همین تعلیمات و روشنگریها، زمینه ساز انقلاب کبیر فرانسه به سال ۱۷۸۹ میلادی شد. انقلابیون به سال ۱۷۹۱ توسط مجلس مقنن شهمات یافتند که کلمات آزادی - برابری - برادری را شعار خود نمایند. این بیان درست حدود ۱۲ قرن (سال ۱۱۷۶) پس از ظهور اسلام بود. اروپا به تدریج می‌خواست راهی را از میان سنگلاخها به زحمت بگشاید که اسلام ۱۲ قرن قبل آن را پیموده بود و این شعارها را عملاً به موقع اجرا گذاشته بود. با این بیان حق داریم ادعا کنیم که: اروپا به راهی گام گذاشت که قرن‌ها مسلمانان آن را طی و با شعارهای متعالی توسعه‌اش داده و تشریح کرده بودند. بعضی از این شعارهای اصولی که مقدس و لایتغیر بوده و حتی در مواد متعدد اعلامیه حقوق بشر انعکاس یافته، عبارتند از:

الف) اصل برائت: اصل برائت از اصولی بسیار راقی و عالی نظام حقوقی اسلام است. هرچند مضمون و محتوای این اصل بعد از وقوع انقلابات سیاسی - اجتماعی دویست ساله اخیر در انگلستان، آمریکا، فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی در قوانین اساسی ناشی از این انقلابات و همچنین اعلامیه حقوق بشر انعکاس یافته و امروزه تقریباً تمامی قوانین اساسی کشورها این اصل را به رسمیت شناخته‌اند، لیکن شناخت و احترام و اجرای این اصل به عنوان یکی از محورهای اصلی دادرسی و قضا در اسلام، ۱۴ قرن پیش، آنهم در سرزمینی که از حیث درجه مدرنیت مادی قابل مقایسه با تمدنهای باستانی نبود، بی شک از ویژگیهای شگفت‌انگیز تعلیم اسلامی است.

کاربرد اصل مذکور در عصری که حقوق فطری و طبیعی و الهی بشر در دیدگاه سلاطین زورمدار و خودکامه کوچکترین جایگاهی نداشت و برای عزت و کرامت انسانها شأن و مقامی ملحوظ نمی‌گردید، از مزایای اسلام انقلابی است. در سازمانهای اجتماعی و تمدنهای باستانی تقسیم کار و تجزیه جامعه به طبقات و نظام مبتنی بر کاست (Cast) و تمایزات طبقاتی به صورت سنت‌های جا افتاده‌ای درآمد بود و هرگونه عصیان علیه این نظامات، گناهی نابخشودنی شمرده می‌شد و به شدت کیفر می‌دید. لازمه این

سازمان اجتماعی، اولویت و امتیازات بی‌حد و حصر گروهی اندک در مقابل محرومیت همه جانبه اکثریت جامعه از کمترین حقوق انسانی بود. طبیعی است در چنین فضایی، انسانهای محروم و تحت ستم به بهانه‌های گوناگون مورد سؤال و مواخذه و تحت اتهام قرار می‌گرفتند و اکثر قریب به اتفاق مردم به گناه ناکرده، مجازات می‌شدند.

اسلام برای نخستین بار اصل برائت را از طریق قاعده "درا" و قبح عقاب بلایبان جاری ساخت. به موجب این اصل، انسانها از مصونیت و تأمین اجتماعی کافی برخوردار شدند و برای نخستین بار حقوق افراد جامعه در حصار مستحکم تحت محافظت قرار گرفت و از جانب حکومت و قوای عمومی تضمین شد. دیوار برائت از دیدگاه حقوق اسلامی به حدی رفیع است که رخنه در آن به راحتی ممکن نیست. نه تنها در مدافعات معمولی، بلکه آنجا که عرصه حقوق الله است، این اصل کاربرد بسیار مؤثر و عملی دارد؛ به حدی که حتی با تحقق شبهه و تردید اجرای احکام الهی، یعنی حدود نیز تعطیل می‌شود (الحدود تدرء بالشبهات). این اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صورت اصل سی و هفتم به رسمیت شناخته شده است.

ب) ممنوعیت شکنجه: در حقوق اسلامی و قانون اساسی ایران (اصل ۳۸) هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است؛ حتی اجبار شخص به شهادت و اقرار و سوگند نیز مجاز نیست. اصل ممنوعیت شکنجه دارای ریشه عمیق فقهی است؛ زیرا مطابق موازین حقوق اسلامی تنها اراده و قصد آزاد شخص بالغ و رشید و مختار منشأ اثر حقوقی است و بر شخص مجبور و مکره حتی در مواردی مضطر، آثار حقوقی مترتب نیست؛ بنابر این اعترافات و اقراریری که تحت شکنجه گرفته می‌شود و در واقع تأیید تلقینات اجبار کننده است که بدون قصد انشا از شخص مجبور صادر می‌شود، و به همین علت فاقد شرایط صحت و اصالت است. چنین اقرار و اعترافات در محاکم، فاقد ارزش است و نمی‌تواند علیه اشخاص مورد استناد واقع شود. به علاوه مرتکب این گونه اعمال، به موجب قانون قابل تعقیب می‌باشد.

ج) حقوق متهم: در نظام اسلامی متهمان و محکومان دارای حقوق مشخص می‌باشند که تجاوز از آن به هیچ روی مجاز نیست. اصل ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: "هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است." اهمیت این اصل در حقوق اسلامی به حدی است که بنا بر نصوص وارده، چنانچه کسی به این حقوق تجاوز کند، مستحق تعزیر و عقوبت خواهد بود.

از دیدگاه اسلام، متهم حق تعیین وکیل دارد و این حق در اصل ۳۵ قانون اساسی تبلور یافته و قانون‌گذار تا آنجا پیش رفته است که اگر متهم نتواند، دولت موظف است برایش وکیل استخدام کند. کفالت امور شخص زندانی و حتی خانواده‌اش به عهده حکومت اسلامی است. در نظام حقوق اسلام، دولت اسلامی متکفل امور کلیه کسانی است که گرفتار عسر و حرج می‌باشند و از تأمین معاش و اداره امور جاری خود عاجزند؛ به همین جهت شخص زندانی از هر حیث در کفالت و تعهد حکومت است و کلیه مایحتاجش در حدود متعارف باید مرتفع گردد و به علاوه

ادامه در صفحه بعد

ادامه از صفحه قبل

چون خانواده و عائله محکوم با زندانی شدنش، ممر اعاشه خود را از دست می‌دهند، دولت هزینه و اداره امور آنها را نیز عهده‌دار می‌شود؛ چیزی که حقوق اروپایی قرن‌ها با آن بیگانه بود و در دهه‌های اخیر با نضج و گسترش جنبش‌های حمایت از زندانیان، تدریجاً در نظام قضایی مغرب زمین تکوین یافته است.

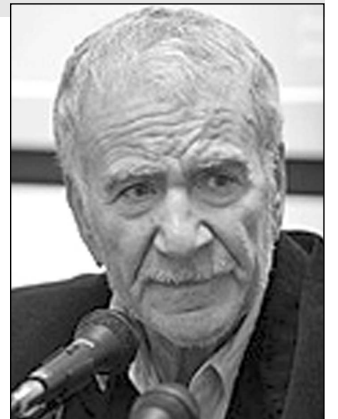
(د) اصل مساوات در مقابل قانون: حقوق اسلام به اصل تساوی در مقابل قانون بیشترین اهمیت را قائل است و از این دیدگاه، بین سیاه حبشی و سید قریشی کمترین تفاوت نیست. وجه شاخص و تمایز بین افراد و اولویت آنان نسبت به یکدیگر، تنها تقوا و عمل

صالح است. سختگیری شرع مقدس در این مورد به حدی است که جزئیات رفتار قضات در خصوص نحوه برخورد با طرفین مراغه را به دقت روشن کرده است. قاضی در صحبت، نشستن، نگرستن و امور دیگری که در جریان دادرسی پیش می‌آید، مکلف است اصل تساوی را رعایت کند و هرگز مجاز نیست یکی از طرفین را بر دیگری بی‌جهت ترجیح دهد. (ه) رعایت نزاکت قضایی: افزون آنکه رعایت ادب و نزاکت در برخورد با متهمان حق مسلم آنان محسوب می‌شود و از اصول قضایی اسلامی به شمار می‌رود. قاضی نمی‌تواند با هیچ منہمی در هر درجه از جرم انتسابی، بی‌ادبانه برخورد کند و قبل از محکوم شدن با او، به تلخ‌گویی پردازد.

(و) اصل منع تجسس (ولاتجسسوا): حریم زندگی شخصی مردم محترم است و جستجو و تحقیق در زندگی آنان امری زشت و ناپسند محسوب است. برای کشف و تعقیب در مورد یک جرم انتسابی به متهم، هیچ‌گاه نمی‌توان بدون دلیل به تفتیش زندگی شخصی او پرداخت و از جزئیات خفی او اطلاع حاصل کرد. با این همه باید تصدیق داشت که میان اسلام نظری و عمل جوامع اسلامی تفاوت شگرف وجود دارد. شریعت سهله و سمحه نبوی مبتنی بر وحی و سنت محمدی (ص) با آنچه در اسلام خلافتی عرضه شده، گاه آن چنان متفاوت است که گر تو ببینی، شناسی اش باز برای نمونه، هیچ کس تردید ندارد که شرع اسلامی در مورد گناهان

گزارشی از نقد و بررسی کتاب "فلسفه و ساحت سخن"

دینانی: دستور زبان عربی توسط اندیشمندان ایرانی تدوین شده است



غلامحسین ابراهیمی دینانی با اشاره به علاقه وافر ایرانیان به فراگیری قرآن گفت: بیش از ۹۵ درصد قواعد دستوری زبان عربی توسط اندیشمندان ایرانی همچون سیبویه نگاشته شده است.

به گزارش فارس، نشست هفتگی شهر کتاب که به نقد و بررسی آخرین کتاب غلامحسین ابراهیمی دینانی با عنوان "فلسفه و ساحت سخن" اختصاص داشت، با حضور مؤلف کتاب برگزار شد.

ابراهیمی دینانی در ابتدای سخنان خود ارتباط فلسفه و سخن را مرتبط با فلسفه سخن و سخن فلسفه دانست و اظهار کرد: هر انسانی می‌تواند سخنگو

و سخنور باشد اما هر سخنوری نمی‌تواند فیلسوف باشد.

وی با بیان اینکه هر نحله فلسفی تعریف خاصی از فلسفه ارائه کرده است در تعریف عمومی و کلی فلسفه گفت: فلسفه "فکر" است و اگر فکر را بشناسیم می‌توانیم بگویم فکر، "فلسفه" است.

عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، میان معنای نحوی و باطنی فکر تفاوت قائل شد و گفت: فکر در معنای نحوی "اسم" است اما در واقع فعل است و مراد از فکر، فعل فکر است. بنابراین فلسفه، فکر کردن است.

وی در خصوص اهمیت فکر کردن گفت: اگر کسی نداند که دارای قوه تفکر است و نداند که به چه چیزی فکر می‌کند، بنابراین علمی به معلوم ندارد و قطعاً فلسفه‌ای هم نخواهد داشت. به عبارت دیگر، فکر در بنیادی‌ترین مسائل هستی، فلسفه است و چنین شخصی فیلسوف است، حتی اگر اصطلاحات خاص فلسفی را نداند.

دینانی داشتن دغدغه فکری را لازمه فلسفیدن دانست و گفت: ممکن است یک روستایی ساده که دغدغه

فکری دارد، فلسفه را از یک دانش آموخته فلسفه بهتر درک کند.

این استاد دانشگاه با اشاره به عوالم "عین"، "ذهن"، "کلام" و کتاب "یادآور شد: اگر ذهنی همراه و موازی با عالم عینیت باشد آن ذهن به خطا نمی‌رود. سفسطائیان برای عالم "عین" ارزشی قائل نبودند در صورتی که "ذهن" زمانی با خارج تطبیق می‌کند که با "عین" همراه شود چرا که انسان لحظه‌ای نمی‌تواند از ذهن خود خارج شود همانطور که انسان نمی‌تواند از روی سایه خود پرش کند.

نویسنده کتاب "فلسفه و ساحت سخن" فکر را فکر کردن و اندیشه را اندیشیدن دانست و گفت: تفاوت انسان با کامپیوتر در اندیشیدن خلاصه می‌شود چرا که کامپیوتر نمی‌تواند اندیشه‌ها را بیندیشد در واقع فلسفه به معنای اندیشیدن اندیشه‌ها است و این مهم در "سخن" اتفاق می‌افتد چرا که ذهن و زبان دو چهره مختلف از یک واقعیت هستند. آقای دینانی با اشاره به تأثیر متقابل دین و تفکر گفت: دین تأثیر مستقیم و سودمندی برای متکلمان دارد و همچنین فکر نیز در سودبخشی به دین مؤثر است. عضو هیأت علمی مؤسسه

پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با اشاره به دلالت کتابت بر کلام گفت: هنگامی که کتابی نگاشته می‌شود بیانگر مراد متکلم است البته علم هرمنوتیک امروزی به مرگ مؤلف حکم می‌دهد و برای متکلم و مراد وی ارزشی قائل نمی‌شود و فقط بر واژه‌ها تکیه می‌زند. این استاد دانشگاه با اشاره به دلالت فکری و ذاتی "ذهن" بر "عین" اظهار کرد: ذهن و عین میان تمامی انسان‌ها قابل درک است اما کتابت و کلام قراردادی هستند. و از طریق تمامی انسان‌ها فهمیده نمی‌شوند. وی با بیان اینکه اگر ذهن نبود این عالم نیز نبود، گفت: در انتهای کتاب خود در اظهارنظری جسورانه نوشته‌ام که اگر ذهن نبود یا عالم نبود و یا دچار آشفتگی و آشوب بود. آن نوعی از آشفتگی که به هیچ عنوان قابل تصور نیست. افلاطون قائل به آشوب بود و به همین دلیل خدا را "صانع" می‌دانست و در تعریف او، عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با اشاره به سخن "ویتگنشتاین" که مرز عالم اشخاص را مرز ذهن آنها می‌داند گفت:

مرتبط با مسائل عفتی و ناموسی، نظر بر اختفا و پرده‌پوشی داشته است و حتی مرتکبانی که به خیال تخفیف عذاب الهی، مبادرت به اقرار می‌کردند، مورد ملامت و سرزنش قرار می‌گرفتند و بر عدم اعتراف و به جای آن، رو به سوی توبه و استغفار نهادن توصیه می‌شدند. حال آنکه در تاریخ اسلامی مکرر دیده‌ایم که صاحبان قدرت و شیخ الاسلام‌های محلی گاه برای تثبیت موقعیت خود به عنوان متولی شریعت، به تجسس در زندگی خصوصی مردم پرداخته‌اند و با طرق شرم‌آوری که قطعاً فاقد وجهت شرعی است، به اثبات اتهامات ناموسی پرداخته و از این رهگذر خود را مجری حدود الهی معرفی نموده‌اند.

ویتگنشتاین سخن درستی را مطرح کرده است و بیان می‌کند هرچه ذهن کسی بزرگتر و فراختر باشد عالم مورد تصور او نیز بزرگتر و عظیم‌تر خواهد بود.

نگارنده کتاب "فلسفه و ساحت سخن" با اشاره به فصلی از کتاب خود که ۱۲۱ مورد اختلاف میان مکاتب بصره و کوفه در قواعد نحوی را برمی‌شمارد گفت: بصره‌ای‌ها در دستور زبان، عقلانی مسلک بودند اما کوفی‌ها بیشتر بر نحوه استعمال تکیه داشتند و نقلی مسلک بودند. شاید فیلسوفان و متکلمان امروزی را بتوان به بصری‌ها نزدیک‌تر دانست. دینانی در پایان سخنان خود با تأکید بر وطن‌دوستی خویش گفت: بنده ناسیونالیست نیستم، اما ایران را دوست دارم و به جرأت می‌توانم بگویم به دلیل علاقه وافر ایرانیان به فراگیری قرآن کریم بیش از ۹۵ درصد دستور زبان عربی توسط اندیشمندان ایرانی از جمله سیبویه نگاشته شده است به همین دلیل نیز یک نویسنده مصری کتابی نوشته است که برحسب صرف و نحو و قواعد آن تأکید می‌کند تا جهان عرب از زیر دین امثال سیبویه خارج شود.

نجفقلی حبیبی:

۴۰ درصد از آثار ابن سینا تصحیح نشده‌اند

شهروری و ابن سهلان ساوی و خونچی.

حبیبی با بیان اینکه مسئولان کتابخانه از تمامی نسخ با کیفیت بسیار عالی عکس برداری کرده‌اند و در ازای پول آن‌ها را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند، سخنانش را پی گرفت: من حدود ۸۰۰۰ ورق سند را که خود حدود ۴۰ تا ۵۰ نسخه می‌شود تهیه کردم. نسخه‌های خوبی از شفا در میان‌شان هست، همین‌طور نسخه‌ای از اشارات و چند نسخه از مبدا و معاد. در واقع از کتاب‌های مهم ابن سینا هر کدام چند نسخه و تعدادی هم از رسالات کوچک او تهیه کردم.

استاد بازنشسته دانشکده الهیات دانشگاه تهران به دو نسخه با ارزش از شفا اشاره کرد که فقط در کتابخانه سلیمانیه وجود دارند و افزود: این دو نسخه هم در قدمت و هم در زیبایی و هم در صحافی بی‌نظیرند. البته درباره تاریخ یکی از آن‌ها شک داریم. در حاشیه کتاب جمله‌ای وجود دارد به این معنی که این کتاب نزد مؤلف قرائت و مقابله شده است. امضای ابن سینا هم در پای کتاب موجود است و تاریخ ۳ رجب ۴۲۲ را دارد. این تاریخ شش سال قبل از مرگ ابن سینا است و در

متوسط ابن سینا هستند که پیش از این نیز منتشر شده‌اند. بخش سوم این مجموعه نیز به آثار مهم ابن سینا نظیر شفا اختصاص دارد.

حبیبی که در اسفند و فروردین سال ۱۳۸۸ به منظور شناسایی نسخ موجود از آثار ابن سینا در کتابخانه‌های ترکیه به این کشور سفر کرده بود، گفت: نسخ خطی مربوط به آثار ابن سینا در بسیاری از کشورها پراکنده‌اند. از مراکز عمده‌ای که این آثار در آن‌ها وجود دارد یکی ترکیه است و دیگری کشورهایی مانند مصر و عراق. البته در ایران هم آثار بسیار خوبی وجود دارند و به لحاظ کمیت، بعد از ترکیه ایران دارنده بیشترین آثار از ابن سینا است.

وی درباره تجربه سفر اخیرش به ترکیه گفت: یکی از نکات جالب این بود که به رغم آنکه تعداد آدم‌هایی که با نسخ خطی کار می‌کنند، اندک است - تا آنجا که من دیدم حدود ۱۰ نفر ثابت - کتابخانه بدون تعطیلی حتی در روزهای تعطیل نیز باز بود و به کار خود ادامه می‌داد. من در این سفر موفق شدم تعدادی از نسخه‌های خطی را شناسایی کنم و به ایران بیاورم، مثل نسخه‌های خطی کارهای ابن سینا و برخی فیلسوفان دیگر مانند سهروردی و

نجفقلی حبیبی با اشاره به طرح احیای آثار ابن سینا گفت که بیش از چهار سال است که نسخ خطی آثار ابن اندیشمند در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در حال گردآوری است و قرار است در نهایت تمامی آثار ابن سینا منتشر شوند. به گزارش روابط عمومی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، دکتر نجفقلی حبیبی در گفتگویی کوتاه به طرح احیای آثار ابن سینا اشاره کرد و گفت: این طرح، یکی از طرح‌های مهم مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به شمار می‌رود که با رویکردی انتقادی و علمی در حال انجام است.

وی افزود: متأسفانه هنوز ۳۵ تا ۴۰ درصد از آثار ابن سینا به صورت نسخه خطی باقی مانده‌اند و تاکنون تصحیح و منتشر نشده‌اند. در جهت اجرای این طرح، بیش از چهار سال به گردآوری نسخ خطی آثار ابن اندیشمند گذشته است و قرار است تمامی آثار ابن سینا در سه بخش منتشر شوند. بخش نخست به آثاری اختصاص دارند که تاکنون منتشر نشده‌اند و تعدادی از آنها آماده انتشارند و مراحل چاپ را می‌گذرانند. بخش دوم، کتاب‌های

صورت صحت، اعتبار کتاب را خیلی بالا می‌برد. وی همچنین از نسخه‌ای از نجات، دست‌نویس شرح‌فصوص ابن عربی به خط عبدالرزاق کاشانی و شرح حکمه‌الاشراق قطب‌الدین شیرازی یاد کرد و گفت: کار من هنوز تمام نشده است. دولت ترکیه کار خوبی انجام داده و تمامی نسخه‌های خطی موجود در ترکیه را اسکن، عکس برداری و به شکل دیجیتال ذخیره کرده است که در همان کتابخانه سلیمانیه در دسترس است. اما در همین حال این آرشیو کامل نیست و تمامی نسخ خطی کتابخانه‌های دیگر در آن موجود نیست. این پژوهشگر و مصحح نسخ خطی گلایه‌ای را نیز مطرح کرد: ما در مؤسسه پژوهشی از بهمن‌ماه تعدادی نسخه از کتابخانه ملی خواسته‌ایم و آنها هنوز نتوانسته‌اند به ما تحویل دهند. من در مدت پنج روز دو برابر آن تعداد نسخه را از ترکیه به دست آورده‌ام. به هر حال کارمندان بخش نسخ کتابخانه ملی زحمت می‌کشند و از آنان گلایه‌ای نیست، اما به هر حال گویا زیرساخت‌های لازم مانند شبکه و غیره کتابخانه ملی مشکل دارد و از این بابت جای گلایه هست.

حوزه علمی نجف و صاحب الجواهر

ادامه داد و مقام علمی اش به جایی رسید که استاد بزرگوارش - صاحب الجواهر - در مجلس درس به اجتهادش گواهی داد. حاج ملاعلی که عالمی معروف، مورد اعتماد، عادل و عابد و زاهد بود، از نجف به تهران بازگشت و مرجع تقلید مردم تهران و برخی از شهرهای ایران شد.

شیخ محمد ابروانی

برای تحصیل علم به کربلا و سپس به نجف رفت و به درجه اجتهاد رسید و به فاضل ابروانی شهرت یافت. او بعد از وفات شیخ مرتضی انصاری و سیدحسین کوه کمری، ریاست حوزه علمیه نجف و کرسی تدریس آن را احراز کرد و مرجع تقلید گردید.

رونق حوزه علمی نجف

صاحب الجواهر با نوشتن جواهرالکلام و سایر کتاب ها، عشق و ایمان و اخلاص خود را ثابت کرد. حوزه علمی نجف در زمان او رونق و درخشش پرفروغی داشت؛ اما خطر ها و دشواری ها از جانب دشمنان به ظاهر مسلمان نیز بود. تهاجم اندیشه های و هابی و نفوذ در مناطق دور و نزدیک، نگرانی های جدی به وجود آورد و تدابیر ویژه ای را برای مقابله می طلبید. صاحب الجواهر آن تدابیر را در نشر فرهنگ و اندیشه های اسلام راستین می دید و در این راه لحظه ای از تلاش باز نماند. او قامت بالا بلند تشیع را به بهترین شکل به نمایش گذاشت و اسلام را به بهترین شکل تعریف و معرفی کرد؛ چنان که در وصیتش به شیخ انصاری (ره) فرمود: "در مسائل فقهی احتیاط خود را کمتر کن که اسلام شریعتی است که احکام آن بر سهولت و سادگی تهیه شده."

وی هرگز راضی نبود که اسلام مترادف با فقر و بیچارگی باشد، لباس های فاخر می پوشید و در روزهای چهارشنبه که معمولاً برای نماز و نیایش به مسجد سهله می رفت، با موکبی از علما و مومنان که نمایانگر هیبت اسلامی و معنویت روحانی بود، همراه می شد و این رفتار، با قناعت نامتناهی و زهد و تقوی او هیچ گونه تعارض نداشت. از خدمت به مردم غافل نبود و در شرایطی که مردم نجف با مشکل بی آبی م-واج-ه- شدند، به احداث کانال یا نهی از فرات به نجف مبادرت ورزید که به گری الشیخ یا نهر الشیخ معروف شد. ترمیم مسجد کوفه و بنای آرامگاه مسلم بن عقیل و هانی بن عروه از دیگر کارهای اوست. دوره زعامت صاحب الجواهر از ۱۲۶۲ق تا پایان عمر شریفش بود.

انتقال زعامت

اداره حوزه علمی در سال ۱۲۶۲ق به صاحب الجواهر رسید. وی در روزهای آخر عمرش به تشکیل مجلسی امر نمود و سفارش کرد که فقهای مشهور نجف در آن حاضر شوند. چون جلسه فراهم آمد، صاحب الجواهر شیخ انصاری را در آن مجلس نیافت. فرمود تا شیخ را در مجلس حاضر کنند. شیخ را در حرم امیر مومنین (ع) یافتند، درحالی که برای سلامت صاحب الجواهر دعا می کرد. او را به آن مجلس آوردند. صاحب جواهر شیخ را نزد خود طلبید و دست او را روی قلب خود نهاد و گفت: اکنون بر من گوارا شد. سپس روی به فقهای حاضر در مجلس کرد و گفت: "مرجع علمی و رئیس حوزه پس از من ایشان هستند. آنگاه شیخ رامخاطب قرارداد و گفت: "ای شیخ، در مسائل فقهی احتیاط های خود را کمتر کن که اسلام شریعتی است که احکام آن بر سهولت و سادگی تهیه شده است" و در همان روز یعنی اول شعبان ۱۲۶۶ق به لقای حق شتافت. این روایت باهمین مفهوم و با جزئی اختلاف، در نوشته ها و گفته های دیگر آمده است. روانش شاد و روح پرفتوحش قرین رحمت باد!

در نوشته های دیگر می خوانیم که در آن مجلس حداقل دو نفر از فرزندان صاحب الجواهر که می توانستند متصدی مقام زعامت باشند، حاضر

خوب. یک موقعی خوب است که صاحب الجواهر و شیخ مرتضی تربیت می شود و یک موقعی خوب است که ماها به وجود می آیم! بین این دوخیلی فاصله است.

استاد شهید مطهری (ره): جواهرالکلام شرح شرائع محقق است و می توان آن را دایره المعارف فقه شیعه خواند. اکنون هیچ فقهی خود را از جواهر بی نیاز نمی داند. کتاب جواهر عظیم ترین کتاب فقهی مسلمین است و با توجه به اینکه هر سطر این کتاب مطلب علمی است و مطالعه یک صفحه آن وقت ودقت زیاد می خواهد، می توان حدس زد که تألیف این کتاب بیست هزار صفحه ای بقدر وقت برده است. سی سال تمام یکسره کار کرد تا چنین اثر عظیمی به وجود آورد. این کتاب مظهر نبوغ و همت و استقامت و عشق و ایمان یک انسان به کار خویشتن است.

و در جای دیگر می فرماید: زبان از گفتن و بنان از نوشتن بزرگی و قدر و منزلت کتاب بازمی ماند. کتابی که نظیر آن در شیرینی تعبیر، حسن بیان، زیبایی کلام، قدرت استدلال، دقت نظر، نقل گفتار فقهاء و استنباط حلال و حرام بوده باشد، تاکنون نوشته نشده است. فقها تا در مطالب مورد نظرشان بدین کتاب نظر نیفکنند، استدلالشان سست و استنباطشان بی پایه خواهد بود. هیچ فقهی از این کتاب بی نیاز نبوده است. مؤلف با زبردستی و چیرگی تمام و با احاطه تام، با استفاده از ادله اربعه، کتاب، سنت، اجماع و عقل به تحریر مطلب پرداخته و به شایستگی از عهده آن برآمده است.

نمونه این سخنان بدیع از علما و بزرگان دین درباره صاحب الجواهر بسیار گفته شده است. صاحب الجواهر علاوه بر جواهر الکلام، کتاب ها و رساله هایی نیز درباره احکام، ارث، خمس، زکات، حج و.. نوشته است. در عصر او حوزه علمی نجف، مقام و منزلت والای خود را تعالی بخشید، علمای بسیاری که از محضر صاحب الجواهر کسب فیض کردند، به مقام های شاخ علمی و فقهی و مرجعیت رسیدند.

صاحب اعیان الشیعه گوید: او (صاحب الجواهر) فقیه پر آوازه، عالم بزرگ شیعه، مربی دانشمندان و سرور فقیهان بود. دانش پژوهان از هرسو به او رو می آوردند و فقها بی شماری دست پروردگان او بودند و می شود گفت پیشوایان مجتهدی که در مجلس درسش حاضر می شدند، بالغ بر شصت نفر بودند. مدرسه اش بزرگترین مدرسه ها بود و اشخاص فاضل از هر جا آمده، در آنجا جمع شده بودند. شخصیت های عظیم علمی و دینی که در مجلس درس او حاضر می شدند و از محضر پرفیض او بهره می جستند، به حدی زیاد بود که به قول علامه آقابزرگ تهرانی شمارش همه آنان کار مشکلی است. به طور فشرده به چندتن از بزرگوارانی که در کتاب "فقیه جاودانه" مفصلاً یاد شده اند، اشاره می کنیم.

آیت الله سیدحسین کوه کمری

مجتهدی مشهور بود و حوزه درس معتبری داشت. در سال ۱۲۸۱ق بعد از ارتحال شیخ انصاری رحمت الله علیه و همزمان با میرزای شیرازی (ره) به مرجعیت رسید.

آیت الله حاج شیخ جعفر شوشتی

شیخ جعفر شوشتی متجاوز از سی سال خدمت کرد و با دم مسیحایی اش جان تازه ای در کالبدی روح انسان ها دمید و دلها را با یاد و نام خدای بی همتا آشنا ساخت. سخن او چنان دراعماق دلها نفوذ می کرد که اهل دل هرگز آن را فراموش نمی کنند.

ملاعلی کنی

وی برای کسب دانش به نجف اشرف رفت و در عین فقر و تنگدستی، با جدیت تمام به تحصیل

سرشار مقدمات را به پایان رسانید و در نوجوانی توانست به درس خارج راه یابد و برای نیل به مقام اجتهاد از محضر علمای نامدار و پر آوازه حوزه و آیات عظام شیخ جعفر کاشف الغطا، سید بحر العلوم، سیدجواد عاملی و شیخ موسی کاشف الغطا بهره فراوان گیرد.

وی در بیست و پنج سالگی به نوشتن کتاب جواهرالکلام همت گماشت و پس از سی سال تلاش بی وقفه و مطالعه و تحقیق و مراجعه به آثار معتبر اسلامی و دقت و موشکافی، توانست کتابی تقدیم کند که در نوع خود بی نظیر بود. او در اواخر دهه پنجم عمر شریفش بخش های مهمی از کتاب جواهرالکلام را تکمیل کرد و چون ماهیت و صحت و دقت و عمق مطالب کتاب بر علمای طراز اول و مراجع مسلم گردید، به "صاحب الجواهر" ملقب شد و از آن زمان به بعد فقط با همین نام نامیده شد.

جواهرالکلام فعلی که در ۴۳ مجلد تنظیم شده، به اعتقاد علما و فقهای بزرگ یک دایره المعارف فقه اسلامی است. در مورد نوشتن جواهرالکلام صاحب الجواهر (ره) می فرمود: "چون به عذارات می رفتم (منطقه ای نزدیک حله و محل سکونت خاندان مادرش)، اهل آنجا از من مسئله می پرسیدند و کتابی که جامع باشد، در اختیار نداشتم و از طرفی تهیدست بودم. پس بر آن شدم تا کتابی بنویسم که در وقت حاجت بدان مراجعه کنم و منظورم رساله عملیه نبود..." او مقداری از کتاب را بر سر جنازه فرزندش نوشت تا تألیف کتاب به تأخیر نیفتد. جواهرالکلام کتاب مشروح و استدلالی در فقه شیعه در قرن سیزدهم ق به زبان عربی نوشته شده است. این کتاب شرح مبسوط کتاب "شرائع الاسلام" علامه حلی (متوفای ۷۶۶ق) است. جواهر الکلام از نظر گسترش و جامعیت نظریات و آرای دانشمندان و فقهای شیعه، از تمام کتب قبل برتر است. صاحب الجواهر در زمان خویش مرجعیت عامه داشت و کتابش به علت شهرت و مقبولیت، نام مولف و خاندانش را در ذیل خود قرار داد.

شرح و چاپ

شرح و حواشی متعددی بر جواهرالکلام یا بخش هایی از آن تألیف شده که شرح آنها در کتاب "آلدر الزاهر فی تراجم اعلام کتاب الجواهر" اثر ناصر کرمی (قم، ۱۴۲۴ق) آمده است. اولین چاپ کتاب جواهرالکلام در زمان حیات مؤلف در سال ۱۲۶۲ق در شش مجلد رحلی صورت گرفت که تا سال ۱۳۷۶ه. ق ۲۴ بار چاپ شد. چاپ های جدید آن در فاصله سال های ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۸ه. ق در ۴۳ مجلد در نجف، تهران و بیروت بود. چاپ اخیر این کتاب با تحقیقی کامل و استوار در موسسه نشر اسلامی قم در حال انجام است که تاکنون ۱۶ جلدش منتشر شده است. درباره اهمیت کتاب جواهر الکلام و سیره و سلوک صاحب الجواهر به چند مورد از بسیار موارد گفتار بزرگان اشاره می کنیم:

شیخ مرتضی انصاری (ره): برای مجتهدی که بخواهد احکام الهی را استنباط کند، کافی است که کتاب های جواهر و رسائل الشیعه را در اختیار داشته باشد و کمتر اتفاق می افتد که به کتاب های پیشینیان نیاز پیدا کند.

شیخ آقابزرگ تهرانی (ره): صاحب الجواهر کتابی از خود به یادگار گذاشت مشتمل بر گوهرهایی که حتی یکی از آنها در گنجینه شاهان یافت نمی شود.

امام خمینی (ره) در جمع فقها و حقوقدانان شورای نگهبان: در مورد وضع درس (روحانیت) پرسیدم، گفتند خوب است. البته خوب داریم تا



علی جواهری زاده

نجف که در متون تاریخی با نام حیره همراه بوده است، در چند کیلومتری رودخانه فرات و نخلستان ها و بوستان های آن واقع است و طرف دیگر آن تا صحرا و شنزارهای نجد و حجاز ادامه دارد. حیره (نجف) پیش از اسلام یکی از پایگاه های مسیحیان بود و آثار و بناهای متعدد به جای مانده، آن واقعیت را نشان می دهد. نجف در سال های بین دوازدهم تا هفدهم ه. ق به دست مسلمانان فتح شد و یکی از مراکز مهم آنها گردید.

با احداث کوفه در امتداد رودخانه فرات، شهر نجف که منطقه ای خشک و بی آب و علف بود، به تدریج رو به ویرانی گذاشت. کوفه و در مجاورت آن نجف در زمان خلافت حضرت علی (ع) و با توجه به اینکه بخش مهمی از زندگی ایشان در آن منطقه گذشت، اهمیت شایانی پیدا کرد. امام علی (ع) در سال چهارم ق در کوفه به شهادت رسید و بنا بر وصیت، مخفیانه در نجف به خاک سپرده شد تا خوارج و عمال معاویه امکان دسترسی و جسارت به مقبره آن امام همام را نداشته باشند. فرزندان و یاران آن حضرت هم مخفیانه به زیارت مشرف می شدند. این وضع تا زمان امام صادق (ع) ادامه داشت. و از زمان خلافت هارون الرشید آرامگاه امام (ع) گاهی آباد و گاهی تخریب می شد و این حوادث تا سصد سال بعد ادامه داشت تا آنکه در زمان عضدالدوله آل بویه یاکمی پیش از آن، گنبد و بارگاهی ساخته شد.

به طور کلی نجف در قرن سوم و چهارم ق شهر آبادی نبود. در سال ۴۴۸ق شیخ طوسی (ره) از بغداد به نجف مهاجرت کرد و این سرآغاز بزرگی برای آبادی نجف و تحول علمی واحداث حوزه علمی نجف شد. این حوزه در مجاورت مرقد مطهر به کانونی تبدیل گردید تا شیفتگان اهل بیت را از کشورهای مختلف به خود جلب کند و فرهنگ ها و تمدن های گوناگونی را در کنار هم قرار دهد. علمای بزرگ و استادان سترگ و ادبا و شعرا و نویسندگان و مورخان اسلامی نامداری را تقدیم مکتب نمایند و بدین ترتیب نجف اشرف با حرم مطهر و حوزه خود، قداست و استحکامی یافت تا آنجا که تعرض بعضی از حکام مشعشی در اواخر قرن نهم ق و یاحکام عثمانی در دوره فروپاشی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی و یورش وهابیان در سال ۱۲۲۱ق نتوانست به فرهنگ غنی و پربار نجف خدشه ای وارد کند و حوزه همچنان به تقدیم علمای بزرگ و پر آوازه و گسترش دهنده فقه شیعه ادامه داد. یکی از بزرگان این علما و به دلایلی از بارزترین آنها شیخ محمدحسن صاحب الجواهر (ره) بود.

اجداد صاحب الجواهر که همگی از علمای فاضل و نامدار بودند و تبارشان به امیر مومنان علیه السلام می رسید، حدود ۱۵۰ سال و به روایتی بیشتر قبل از تولد او (که در سال ۱۲۰۰ق بود)، به نجف مهاجرت کردند و هر کدام به نوعی برای رونق و گسترش حوزه تلاش نمودند. شیخ محمدباقر نجفی فرزندش محمدحسن را از همان ابتدا به بهترین شکل ممکن پرورش داد و خیلی زود او را به مدرسه فرستاد. محمدحسن با استعدادشگرف و هوش

بودند؛ ولی او با توجه عمیقی که به مصالح امت داشت، شایستگی را بر وایستگی مقدم دانست و با انتخاب شیخ انصاری، صاحب الجواهرکار بزرگ دیگری برکارهای قبلی خود افزود.۱

صاحب الجواهر؛اجداد وفرزندان

دربارهٔ اجداد صاحب‌الجواهر دو روایت معتبر مکتوب ومنقول وجود دارد. در هر دو روایت گفته شده که تبار صاحب‌الجواهر به حضرت علی(ع) می‌رسد. همچنین اتفاق نظر هست که جد سوم ایشان معروف به شیخ عبدالرحیم الشریف الکبیر به نجف مهاجرت کرد و دو فرزند بزرگوارش به نام‌های شیخ محمد کبیر و شیخ محمد صغیر از علمای بزرگ نجف بودند و تألیفاتی در فقه دارند. شیخ عبدالرحیم فرزند شیخ محمد صغیر با دختر عموی خود ازدواج کرد و نتیجهٔ این ازدواج شیخ محمدباقر نجفی بود. شیخ محمدباقر نجفی پدر

رئیس مؤسسه رواق حکمت با اشاره به وجود دو تصویر منفی و مثبت از فرهنگ انتظار، اصلاح تفکر دینی را ضرورتی برای زمینه‌سازی ظهور اعلام کرد و گفت: خرافات توسط افراد جاهل به حقایق اسلامی و عده‌ای ترویج می‌شود که منافع مادی خود را در توسعه این افکار می‌بینند.

آیت الله مهدی هادوی تهرانی رئیس مؤسسه رواق حکمت در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به اینکه دو تصویر منفی و مثبت از فرهنگ انتظار وجود دارد، گفت: در تصویر منفی فرد منتظر کار خاصی انجام نمی دهد؛ بلکه تنها انتظار رخداد اتفاقی را می کشد، به استناد برخی روایات که مربوط به شرایط خاصی بوده که ائمه آنها را در رابطه با شرایط و افراد خاصی گفته اند این تصور برای عده ای به وجود آمده است.

وی در تبیین این مسئله با ارائه یک روایت گفت: برای مثال روایتی درباره زمان آغاز قیام بنی عباس علیه بنی امیه است. شعار بنی عباس دعوت مردم به ’رُضا من آل محمد(ص)’ بود. برخی اصحاب ائمه (ع) عنوان کردند که این شعار اشاره به امامان معصوم دارد. این درحالی است که ائمه از نیت بنی عباس خبر داشتند و به این افراد فرمودند شما به این امور کاری نداشته باشید، در خانه منتظر بمانید و هروقت زمان قیام قائم ما بود، از خانه بیرون آیید.

رئیس مؤسسه رواق حکمت با اشاره به اینکه چنین روایات برای برخی این تصور را به وجود آورده که باید گوشه گیر و گوشه نشین باشند تا خداوند زمینه را فراهم کند و امام زمان ظهور یابد

صاحب الجواهربا علویة مکرمه‌ای ازسادات آل حجاب (یا آل صعبر به‌نوشتۀ دکترحسن علی محفوظ) ساکن عذارات حله از دواج کردوصاحب فرزندی شدکه نامش را محمدحسن گذاشت.

اختلاف دو روایت در این است که شیخ عبدالرحیم الشریف از اصفهان به نجف مهاجرت کرد یا ازعراق و یا لبنان؟ موضوع مهاجرت و جابه جایی که درآن روزها یک امر عادی بود. چند صد سال بعد یعنی پس از فروپاشی حکومت عثمانی و استقلال عراق، برای جوahری‌ها به تدریج به مشکل تبدیل شد و درزمان بعضی‌ها به اوج خود رسیدکه موضوع بحث این نوشته نیست و فقط یادآور می‌شوم که در ابتدای انقلاب اسلامی آیت الله شیخ محمدتقی جوahری (عموزاده نویسنده) که عالمی مجاهد و مبارز بود و درجوانی به درجۀ اجتهاد نائل

مذهبی

گردید، دستگیر شد و به شهادت رسید و عده‌ای ازجوان‌های تحصیل کرده و مخالف بعضی‌ها زندانی و یا شهید شدند و تعدادی از روحانیون بزرگوارخاندان صاحب جوahر با خانواده‌های محترمشان و بدون هیچ امکانات ازعراق اخراج گردیدند.

صاحب الجواهر هشت پسر و چند دختر داشت. پسرانش از علما و ادبا و صاحب مدرسه و اهل درس و تدریس در زمان خود بودند و تألیفات ارزشمندی در زمینه‌های مختلف ازخود به‌یادگار گذاشتند.

شیخ حسن - کوچکترین فرزند صاحب الجواهر- در سال۱۳۴۵ق حدود۸۳سال پیش درگذشت.حاشیه بر رسائل شیخ انصاری از او به یادگارماند. از نوادگان صاحب الجواهر، علمای صاحب‌نامی درعراق پا به عرصۀ وجود گذاشتند. در

آیت الله هادوی: مروجان خرافات بدنبال منافع مادی هستند

فکری و فرهنگی مناسب و سخت افزار مناسب نیاز دارد.آیت الله هادوی تهرانی گفت: انتظار به معنای آمادگی شخصی، اجتماعی، سخت افزاری و ساختار اجتماعی است. به تعبیر برخی بزرگان انقلاب اسلامی صبحی است که قبل صبح صادق طلوع کرده است. این انقلاب در صورت داشتن صلاحيتها، حفظ و شناخت ارزشهای انقلاب اسلامی و شخصيتهای آن، حفاظت از این میراث گرانقدر می تواند به ظهور حضرت مهدی متصل شود. اگر از مسیر منحرف شویم، جریانهای انحرافی در لایه های نظام رسوخ کند، افراد فاسد به اسم مصلح به میدان آیند و اگر منافقین قدرت را به دست بگیرند نمی توان چنین امیدی داشت.

وی با بیان این مطلب که توسعه فرهنگ انتظار با فراهم کردن شرایط تشکیل و تحقق حکومت جهانی حضرت مهدی در خود جامعه ما است یادآور شد که این امر در برگیرنده چند مقدمه است که یکی از آنها توسعه دانش است.هادوی تهرانی افزود: فهم درست از دین از دیگر مقدمات این بحث است. در حقیقت اصلاح تفکر دینی و استفاده از اندیشمندانی است که به حقیقت اسلام را بشناسند نیز از مقدمات توسعه تفکر انتظار است. توسعه انتظار مستلزم توسعه عمل و باور دینی در جامعه است، در غیر این صورت ما در توسعه فرهنگ انتظار با مشکل مواجه هستیم. اگر انسانهای عالم و عامل به ارزشهای دینی و معتقد به آنچه که در دین آمده حضور داشته باشند به طور قطع زمینه ساختارهای اجتماعی فراهم شده و با اصلاح این

دکتر محمد علی آذرشب:

منتظر واقعی جلوتر از زمان حرکت می کند

مشاور امور بین الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تصریح کرد: ارتقاء فرهنگ مهدویت در جامعه به ایجاد اندیشه های آینده نگری منتهی می شود، چرا که مهدویت به آینده ارتباط دارد. فکر انسان مهدوی به آینده معطوف است و اگر به گذشته و حال نیز فکر می کند آن را سکوی پرشی به آینده می داند. این اندیشه های آینده نگر، اگر در وجود انسانها رسوخ یابد ، انسانها جلوتر از زمان خود حرکت می کنند.وی آینده نگری را مسئله مهمی دانست که ویژگی تمام حرکتهای تمدن ساز است و در ادامه اضافه کرد:اندیشه مهدویت یکی از اندیشه های مهم آینده سازی است، چرا که به آینده اندیشیده و خواهان اصلاح آینده است. این اندیشه موجب حرکت انسانها به سمت جلو است. متأسفانه بسیاری از افرادی که مدعی پیروی از اندیشه مهدویت هستند از زمان حال خود مطلع

پیشگامان

نهضت‌های آزادیخواهانهٔ مردم و درجنگ با انگلیسی‌ها که پس ازجنگ جهانی اول به عراق حمله کردند،مشارکت فعال داشتند.

تذکر این نکته لازم است که در فاصلهٔ بین هفتادوپنج تا نود سال پیش، برخی از روحانیون بزرگوار خاندان صاحب‌الجواهر به دلایلی به ایران مهاجرت کردند و عده کمی از آنها درایران ماندگار شدند. مرحوم پدرم، روحانی بزرگوار شیخ‌هادی از کسانی بود که در ایران ماند و فقط به مناسبت هایی که مهمترین آنها دیدار با خانواده‌اش بود، به نجف یا بغداد مسافرت می‌کرد. ازشخصیت‌های غیرروحانی ولی مهم خاندان جوahری، مرحوم محمد مهدی جوahری -شاعر بزرگ و انقلابی عراق و جهان عرب است که جداگانه مطالبی را به او اختصاص داده‌ام.

۱.نقل از کتاب تندیس زهد

ساختارها تفکر انتظار نیز توسعه می یابد.

دکتر مهدی هادوی تهرانی همچنین در رابطه با میزان موفقیت‌های ما در رابطه با توسعه فرهنگ انتظار گفت: امام (ره) خورشیدی بود که در ظلمتی طلوع و افقهای اندیشه اسلامی را روشن کرده و در پرتو آن جمع زیادی را هدایت کرد و جریان هدایت آن همچنان در جهان وجود دارد. معنای انتظار و تفکری که امام مطرح کرد این نیست که بدون درایت، خردمندی و استناد به دانش کاری انجام دهیم. امام همیشه به استناد عقل، خرد و درایت عمل می کرد، چرا که این امر سنت انبیا و ائمه بوده است.وی گفت: اگر می خواهیم فرهنگ انتظار را توسعه دهیم باید حقایق دین را بشناسیم و این حقایق را به شیوه ای خردمندانه عرصه کنیم. اگر این تفکرات طوری مطرح شوند که خرافه ، اوهام و اباطیل در آن راه یابد فرهنگ انتظار توسعه نمی یابد. اگر این تفکرات طوری مطرح شود که چهره غیر معقول از امام زمان، زمان ظهور آن حضرت یا انقلاب اسلامی در ذهنیتها ایجاد شود ضد توسعه فرهنگ انتظار خواهد بود.

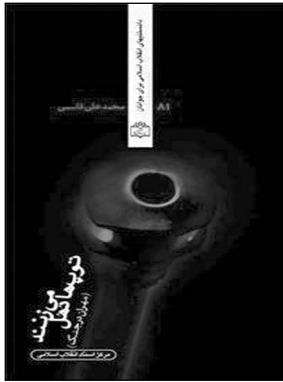
آیت الله هادوی تهرانی اظهار داشت: دوران حکومت حضرت مهدی دوران ایده آل، آرامش، عدل و رفاه انسانها است . این تصورات باید با توجه به اطلاعات دقیق توضیح داده شود تا خرافات و اوهام از آن دور بماند. اگر در زمان امام زمان طبق برخی روایات جنگها و درگیریهایی است، این درگیریهایی است که ظالمان تحمیل می کنند و آرمان حکومت امام زمان نیست.

نیستند. منتظر واقعی آن است که نه تنها به گذشته و حال احاطه داشته باشد بلکه به آینده فکر و جلوتر از زمان خود حرکت کند.محمد علی آذرشب گفت: یکی از نتایج مهم ارتقای فرهنگ مهدویت این است که انسانها را استوار، محکم و ثابت قدم می سازد چرا که انسان مهدوی می داند آینده بشریت از آن آرمان خود خواهد بود، بنابراین هیچ تزلزل، دودل و عقب نشینی در مقابل جبهه کفر و استکبار، اربابها، تهدیدها، تهاجم فرهنگی نخواهد داشت.

وی همچنین گفت: ویژگیهای آینده نگری، آرمانهای بزرگ، استواری و ثابت قدیمی در میان منتظرین واقعی مکتب مهدوی در طول تاریخ تشیع مشاهده شده است که در زمینه فکر و اندیشه، نوآوری ، تمدن سازی افراد بسیاری در این راستا حرکت کرده اند که یکی از برکات اندیشه مهدویت بوده است.

معرفی کتاب های جدید مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۵- توپ ها دهل می زنند، مهران در جنگ: این اثر از مجموعه دانستنی



های انقلاب برای جوانان می باشد که شهر مهران را در جنگ تحمیلی به تصویر می کشد.

۶- دکتر شهید فتحی شقایق: این



اثر از مجموعه دانستنی های انقلاب برای جوانان می باشد که زندگی دکتر شهید فتحی شقایق را ترسیم می کند.

ندارند و...
۴- ۸۸/۱۰/۹ نُه دَه: در علم سیاست



گفته می شود گاه نخبگان سیاسی مانع توسعه سیاسی می شوند که بی شک حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم مصداق عینی این سخن است. در حالی که شرکت چشمگیر مردم در انتخابات نویدبخش شکل گیری فضایی آرام برای جامعه بود تا با قوت و طراوت بیشتر به تحقق آرمان های انقلاب اسلامی پرداخته شود، مع الاسف اعتراض به نتیجه انتخابات و طرح شایعه تقلب و موضع گیری غیرشفاف و دو پهلوی نخبگان باعث شکل گیری فضای متشنجی گردید که از آن با عنوان 'فتنه' یاد شد. این جو ناآرام میدان آزمایشی نیز برای بسیاری از نخبگان بود تا نسبت خود را با خط ولایت مشخص سازند. ملت ایران در پاسخ به گستاخی فتنه گران حماسه ۹ دی را آفریدند و نقطه پایانی بر هشت ماه متشنج گذاشتند.

شاخصه های مدیریتی وی در مقام فرماندار و دادستان می باشد. وی سرانجام در ۱۳ فروردین ۱۳۶۵ توسط منافقین به شهادت رسید.

۳- روشنفکری دینی: لیبرال یا دین مدار؟: این تحقیق نشان می دهد که



چارچوب مفهومی و گفتمانی جریانات مختلف لیبرال دینی در ایران و انشعابیون تجدیدنظرطلبی که به صورت نظری یا عملی از نظام جمهوری اسلامی جدا شده اند و یا در آینده جدا می شوند، برخلاف عناوین و صفت های دینی به کار گرفته توسط آنها، لیبرالی، سکولار و خارج از گفتمان دینی می باشد و به موازات یا در مقابل نظام جمهوری اسلامی قرار دارد. بیشتر اعضای این جریانات، علی رغم ادعای الزام به قانون اساسی، مکرر اعلان می کنند که به برخی اصول آن از جمله اصل ولایت فقیه که مبنای مشروعیت، اقتدار و وجه تمایز اصلی این نظام با جمهوری های غیردینی است، اعتقاد

روحی و فردی و مناسبات سیاسی - اجتماعی رهبران، اعضای فعال و کارگزاران اجرایی آن دست می یابد.

۲- شهید ابوالحسن کریمی (سردار حزب الله گیلان): شهید



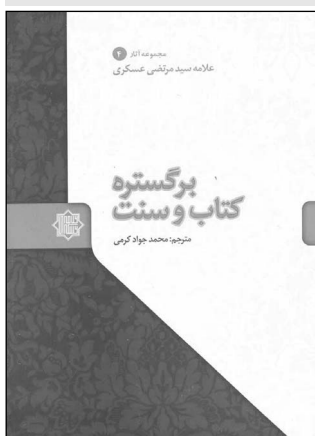
ابوالحسن کریمی در سال ۱۳۲۷ در خانواده ای مذهبی در لاهیجان به دنیا آمد و تحصیلاتش را تا مقطع دیپلم در آن شهرستان به پایان رسانید. پس از آن وارد دانشگاه تهران شد و در رشته اقتصاد به ادامه تحصیل پرداخت. شهید کریمی از همان دوران دبیرستان به مبارزه با رژیم مشغول گردید و در کنار آیت الله قربانی و امیراسلان انصاری در کانون بحث و انتقاد مذهبی جوانان لاهیجان فعالیت نمود. بعد از پیروزی انقلاب ایشان به فرمانداری لاهیجان منصوب شد و مدتی بعد با حکم آیت الله قدوسی، دادستان کل انقلاب گیلان گردید. پیروی از ولایت فقیه، مبارزه و سازش ناپذیری با ضد انقلاب و خدمت به مردم محروم و مستضعف از جمله

۱- فرهنگنامه رجال روحانی عصر امام خمینی (ره) "جلد اول": فرهنگنامه



رجال روحانی عصر امام خمینی که با هدف مطالعه نقش روحانیت مبارز و مبرز شیعه در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی تدوین گردیده است، شرح حال زندگی شخصیت های برجسته ای است که در دوره سیاه استبداد و خفقان رژیم پهلوی شالوده مقاومت پایان ناپذیری را پی ریزی کردند که سرانجام در تلاطم امواج خروشان مردمی به سرنگونی رژیم پهلوی انجامید و از پی فرسودگی ارکان هیأت مستبد، استقرار نظام دینی و سازمان سیاسی جدیدی را در پهنه ایران اسلامی محقق ساخت. در این مجموعه که با هدف ضبط وقایع و تاریخ نگاری انقلاب اسلامی تهیه و تنظیم شده، خواننده با افکار، عقاید، خاستگاه طبقاتی و اجتماعی روحانیت انقلابی آشنا می شود و ضمن بازخوانی وقایع تاریخ انقلاب اسلامی، به تصویر روشن تری از تعلقات فکری، خلقیات

بر گستره کتاب و سنت؛ تألیف علامه عسکری



که در باره امام علی(ع) و پیروان او نازل شده است؛ و...
۱۳. عدالت صحابه، شامل تعریفی از 'صحابی' در دو مکتب خلفا و اهل بیت(ع)، ضابطه شناخت اصحاب در مکتب خلفا، و دیدگاه مکتب اهل بیت(ع) در باره عدالت صحابه؛
۱۴. بدآ یا محو و اثبات الهی؛
۱۵. جبر و تفویض و اختیار، و قضا و قدر؛
۱۶. خداوند جلیل در دو مکتب، در بررسی منشأ برخی اختلاف نظرها درباره صفات خداوند در مکتب خلفا، و بیان دیدگاه مکتب اهل بیت(ع) در این باره؛
۱۷. ازدواج موقت در اسلام.

حسین گودرزی - موسسه علمی فرهنگی علامه عسکری

۶. توسل به پیامبران خدا و تبرک به آثار ایشان؛
۷. بزرگداشت یاد انبیا و بندگان صالح خدا؛
۸. حکم بازسازی قبور انبیا و اولیا و عبادت در آنها، که دلایل معتقدان به تحریم ساخت بنا بر قبور را طرح و رد کرده است؛
۹. گریه بر میت، در بررسی سنت پیامبر خدا در این باره؛
۱۰. آیه تطهیر در کتب دو مکتب، شامل نقل 'حدیث کسا' به روایت مکتب خلفا، سپس شرح الفاظ 'آیه تطهیر' و احادیث مربوط به آن؛
۱۱. تاریخ حدیث پیامبر(ص)، شامل مقدمه ای درباره ارزش حدیث در شریعت اسلام، بحثی در باره تاریخ حدیث در مکتب اهل بیت(ع) و مکتب خلفا، و بحثی مفصل در تعریف و تبیین 'وحی قرآنی' و 'وحی بیانی'؛
۱۲. امام علی(ع) در قرآن که نگارنده با استناد به مهمترین منابع تفسیری و روایی دو مکتب، آیات مرتبط با موضوع را در دوازده گروه، طبقه بندی مینماید که عبارتند از: آیاتی که در باره امام علی(ع) نازل شده است، مانند: آیه های انفاق، ایثار و مباحله؛ آیاتی که با استناد به روایات، شأن نزولشان در باره اهل بیت(ع) معلوم میگردد؛ آیاتی

کوچک است که هر یک پیش از این به صورت مجزا و در قطع جیبی به چاپ رسیده اند.

این مجموعه، شامل پاسخ های علامه به برخی سؤالات اعتقادی و نیز شبهات وارد شده بر مکتب اهل بیت(ع) است که بر اساس روش ویژه ایشان، بیشتر با استفاده از منابع معتبر اهل سنت، فراهم آمده است. علامه، پس از مقدمه کوتاهی با عنوان 'وحدت بر محور کتاب و سنت'، در مجموعه ای هفده گانه به این موضوعات پرداخته است:

۱. صلوات بر محمد و آل محمد(ص)، شامل ۲۲ روایت در فضیلت و کیفیت صلوات بر پیامبر و خاندان او؛
۲. مصحف در روایات و اخبار، شامل بحثی در باره جدا سازی قرآن (وحی قرآنی) از حدیث رسول خدا(ص) (وحی بیانی)؛
۳. امامان این امت، دوازده نفرند، شامل روایاتی از پیامبر خدا در باره تعداد امامان(ع)؛
۴. شیعیان اهل بیت پیامبر(ص)، که پس از معرفی اهل بیت پیامبر اکرم، به این پرسش، پاسخ داده که: شیعیان اهل بیت، کیان اند؟
۵. عصمت انبیا و رسولان؛

فریقین (شیعه و سنی)، موجب شده که آثار وی، این گونه شاخص و ممتاز باشند.

بر گستره کتاب و سنت (ترجمه علی مائده الکتاب و السنه)، یکی از آثار گرانبهای علامه عسکری و مشتمل بر هفده مجموعه نسبتاً

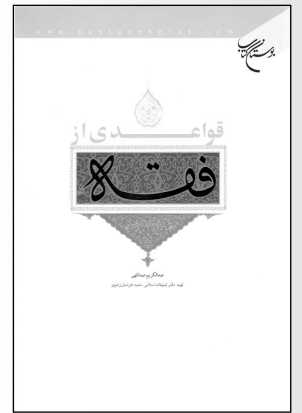
معرفی کتب انتشارات بوستان کتاب

پژوهشی در آیین مسیحیت



نویسنده: کامل خیرخواه
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۸۰۰۰ تومان

قواعدی از فقه



نویسنده: عبدالکریم عبداللہی
تهیه: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی
شمارگان: ۱۲۰۰
بها: ۶۷۰۰ تومان

آیت الله امجد:

عدالت و «نهادینه شدن انتقاد»



نور آنها هدایت می شد. ... روش آنها عملی بود نه حرفی! ... همه مشکلات بشر از این است که بشر ساخته نشده است و ... تمام تکالیف الهی برای آن است که بشر ساخته شود. انبیاء پیش از اینکه مأمور ساختن جامعه باشند مأمور ساختن خود بودند. انسان باید از خود شروع کند. اگر شما ساخته شوید جامعه ساخته می شود. اگر انسان ساخته شد همه چیز درست می شود! ...

من تا تربیت نشده باشم نمی توانم تربیت کنم. به عنوان مثال در منزل فرض کنید شما می خواهید مطالعه کنید و فرزند شما می تواند تلویزیون تماشا کند و مزاحمت بین این دو کار ایجاد می شود. اگر شما به خاطر خودتان فرزند خود را از تماشای تلویزیون منع کنید، تهنید نشده اید! و با زور و یا از روی ترس او را مجبور می کنید که از حق خود صرف نظر کند آنگاه این بچه یا زبون بار می آید یا عصیانگر! حال اگر شما تهنید شده بودید با ترجیح خواست او بر خودتان عملاً او را تربیت می کردید و تهنید شما در او نیز اثر می کرد. تربیت جامعه نیز همین است. اگر سودجو نباشیم جامعه تربیت می شود. بیشتر گرفتاریهای ما از سودجویی است و حاضریم به خاطر نام و نان به هر دلتی تن بدهیم! یک بام و دو هوا نمی شود. معروف معروف است. منتها جامعه باید معروف را به عنوان معروف بپذیرد. پذیرش معروف به صورتهای مختلفی نظیر قانون یا تبلیغ امکان پذیر است. تذکر وظیفه همه است اما جلوگیری عملی و کیفر وظیفه حکومت است. دین اسلام دین حریت است و حکومت اسلامی حکومت حریت و آزادی! در دین اسلام بین مردم و حکومت وظیفه متقابل وجود دارد.

امربه معروف و نهی از منکر می خواهد و تنها وظیفه حوزه، دانشگاه و ... نیست و هیچ کس نمی تواند از خود سلب مسئولیت کند و بی تفاوت باشد. موضوع امر به معروف و نهی از منکر در بخش جهاد مطرح شده است و در صورتی که ترک شود ظالم حاکم می شود لذا بخشی از امر به معروف و نهی از منکر باید از موضع قدرت و حکومت انجام شود.

به نقل از علی (ع) امر به معروف و نهی از منکر یکی از بالاتر درجات جهاد دانسته شده است و این اهمیت این فریضه را نشان می دهد. دفع ظلم یا گسترش عدالت و ... راه فراگیر شدن آن «نهادینه شدن انتقاد» در جامعه است. این انتقاد نهادینه از یک طرف باعث جلوگیری نق و نق و از طرفی از بی تفاوتی جلوگیری می کند.

اگر عده ای خاص خود را متولی امر به معروف و نهی از منکر بدانند و تندروی کنند این خطر ... وجود دارد. اولاً باید عزم ملی وجود داشته باشد. ثانیاً تندروی به هیچ عنوان جایز نیست و باید مراتب این فریضه رعایت شود. برخوردها نیز نباید سلیقه ای باشد و باید شرایط آن وجود داشته باشد. سه شرط لازم برای امر به معروف و نهی از منکر عبارتند از: علم، تشخیص مصلحت و نفی مفسده. این کار سلیقه ای نیست و گرنه هرج و مرج می شود.

پیش شرطهایی برای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه لازم است که عبارتند از: مساوی بودن افراد، آزادی بیان و احتمال تأثیر. و لذا امر به معروف و نهی از منکر در جامعه آزاد و آگاه موثر واقع می شود و اگر آزادی آگاهی در جامعه ای وجود نداشته باشد باید این معروف (آزادی و آگاهی) را ترویج کرد و جامعه را از جهالت نهی کرد.

معرفی کتاب

مصلح جهانی، از دیدگاه شیعه و اهل سنت



نوشته شیخ عبدالمحسن العباد و سید ابوالاعلی مودودی
ترجمه و تحقیق: سید هادی خسروشاهی

این اثر که گفتمان برجسته اسلامی به حساب می آید و همه مذاهب اسلامی - به ویژه شیعه - بر آن تأکید می ورزند، حاصل پژوهش ها و تلاش های علمی استاد سید هادی خسروشاهی است که ضمن سفرهای گوناگون وی به کشورهای و ملاقات با دانشمندان، برجسته ترین آرای آنان را درباره «مصلح جهانی» با قلمی روان، پیش روی خواننده گذاشته و شبهه ها را با منطق و استدلال، پاسخ گفته است.

کتاب «مصلح جهانی، از دیدگاه شیعه و اهل سنت» شامل پنج فصل و دو مقدمه است. مقدمه اول درباره معرفی کتاب و چگونگی تألیف و ترجمه مباحث آن است و به سه نکته اساسی اشاره دارد. نکته اول به بررسی موضوع طول عمر امام زمان (عج) با معیارها و مقیاس های متداول می پردازد و نکته دوم برداشت غیر صحیح حافظ ابن کثیر شافعی در مورد سرداب سامرا را بیان می کند و نکته سوم به تحریف گفته های امام خمینی (ره) درباره مهدی موعود (عج) مربوط می شود که با توجه به این که اصل کتاب در داخل و خارج، مورد توجه اهل سنت قرار خواهد گرفت، اثر حاضر، اشاره ای کوتاه و مستند به هر سه موضوع کرده و به روشن گری دست زده است.

مقدمه دوم کتاب، به معرفی ۵۰ کتاب جدید درباره «مساله مهدی (عج)» و «علائم ظهور» می پردازد که در یک سفر کوتاه زیارتی، تهیه شده است. «مصلح بزرگ و جهانی»، عنوان نخستین فصل این کتاب است که به مساله «فوتورسیم» یعنی اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی غیبی و مصلح جهانی و بزرگ می پردازد. این موضوع، از جمله مسائلی است که در اصول عقاید شیعیان، جایگاه مهمی دارد.

عنوان فصل دوم کتاب «مصلح جهانی، مهدی موعود (عج)» نام دارد. اسلام که آخرین و کامل ترین ادیان آسمانی است، برای مساله مهدی موعود (عج)، اهمیت خاصی قائل شده و بیشتر از ادیان و مذاهب دیگر، آن را تبیین و تشریح کرده است.

همچنین علاوه بر آیات، بیش از سه هزار روایت و حدیث در این مساله و موضوعات مربوط به آن از پیغمبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) نقل شده است.

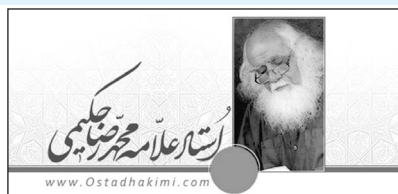
فصل سوم به «دیدگاه اهل سنت درباره مهدی منتظر (عج)» می پردازد. در بخشی از این فصل آمده است: «مساله مهدی موعود (عج)، از جمله مسائلی است که ارتباط ریشه ای با اصول اعتقادی - اسلامی دارد. اندیشمندان و پژوهشگران طراز اول مسلمان، از فرقه ها و مذاهب گوناگون در گذشته های دور، با استناد به روایات و احادیث منقول از پیامبر (ص)، به بحث و بررسی چگونگی این مساله پرداخته و آن را مورد توجه ویژه قرار داده اند. اگر امروز محققان مسلمان به آثار و نوشته های پیشینیان اهل سنت درباره این مساله رجوع کنند، به خوبی در می یابند که این مساله پیش از آن که مربوط به «مذهب شیعه» باشد، یک مساله عام اسلامی است.»

توضیح درباره احادیث مهدی (عج) عنوان فصل چهارم این اثر است که به حادثه محرم سال ۱۴۰۰ هجری قمری و اشغال مسجدالحرام، توسط گروهی به فرماندهی «جهیمان» اشاره می کند و ضمن رد حرکت آنها، به پاره ای از پرسش های منکران که آیا احادیث پیامبر (ص) درباره حضرت مهدی (عج) و ظهور وی در آخرالزمان صحت دارد یا نه، پاسخ داده است.

عنوان آخر این کتاب، «احیاگر جهانی یا مهدی منتظر (عج)» نوشته استاد سید ابوالاعلی مودودی است که در این چاپ به کتاب اضافه شده و به مباحثی نظیر: امام مهدی (عج)، نشانه های مهدی و جایگاه او در دین، مساله مهدی و پژوهشی درباره حدیث رجال می پردازد.

چاپ جدید کتاب «مصلح جهانی، از دیدگاه شیعه و اهل سنت» در شمارگان ۱۵۰۰ نسخه، ۳۰۰ صفحه و بهای ۴۰۰۰۰ ریال راهی بازار نشر شده است.

انتشار آثار استاد محمد رضا حکیمی در فضای مجازی



موسسه بارش، پایگاه آثار محمد رضا حکیمی را به منظور آشنایی کاربران با آثار وی راه اندازی کرد.

به گزارش خبرگزاری رسا، موسسه فرهنگی هنری بارش، به مناسبت اعیاد شعبانیه، پایگاه استاد حکیمی را در فضای مجازی راه اندازی کرد.

این پایگاه که با تمرکز بر آثار منتشره استاد حکیمی، آغاز به کار کرده از بخش های گوناگونی برخوردار است.

درباره استاد، کتابخانه، مقالات، ایده ها، اخبار و اطلاعیه ها، گالری فیلم، گالری صوت، گالری تصاویر از قالب هایی است که در این پایگاه مجازی برای ارایه اطلاعات در نظر گرفته شده است.

از نکات قابل توجه در این پایگاه، توجه ویژه به کتاب الحیاء علامه حکیمی است که موجب شده بخش مجزائی برای آن در نظر گرفته شود که شش جلد ترجمه الحیاء در آ بارگذاری شده و قرار است متن الحیاء، تلخیص الحیاء، بازتاب های الحیاء به زودی در این قسمت قرار گیرد.

در بخش مقالات درباره کتاب الحیاء از زبان

احمد آرام، مترجم کتاب می خوانیم: طرح تألیف الحیاء بسیار طرح پسندیده ای است. مؤلفان نشسته اند فکر کرده اند، و برای خدمت به اسلام این طرح را ریخته اند. آدم در زندگی احتیاجاتی دارد، در این کتاب بر حسب این احتیاجات فصل هایی آورده اند. از جمله این که اساس دین قسط است. و خیلی چیزهای دیگر در کتاب هست. من خوشحالم که مردم این ها را می خوانند، و باید این ها را بخوانند. این از هر تفسیری برای این مردم بهتر است، برای این که تقریباً نیمی از قرآن را آورده، و آیات را، دانه دانه، شکافته.

در الحیاء قرآن مطرح می شود. از ویژگی های این کتاب این است که همه آن اشکال هایی که راجع به اسلام مسائلی مطرح می کنند از بین می برد. چون خودشان با جوانان محشور بوده اند، و مردمی پاکیزه اند، این سؤالات را پیدا کرده (در طی فصول کتاب و توضیحات) پاسخ داده اند.

آقای حکیمی گفت، پانویست ها را خودم ترجمه می کنم، شما زحمت آنها را نکشید. در این کتاب درباره افکار از هر لحاظی صحبت شده است، هر چه شما فکر کنید در این کتاب هست: اخلاق اسلامی، اقتصاد اسلامی، اجتماعات اسلامی و ... علاقمندان برای مطالعه ای آثار علامه حکیمی می توانند به نشانی <http://ostadhakimi.com> در فضای مجازی مراجعه کنند.

مجموعه سایت های مرکز:

سایت مرکز بررسی های اسلامی

www.iscqi.ir

سایت استاد خسروشاهی

www.khosroshahi.org

سایت سید جمال الدین اسدآبادی:

www.moslehesghargh.com

سایت تحلیلی - خبری بعثت

www.besatonline.com

بعثت

نشریه مرکز بررسی های اسلامی

دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسروشاهی

دقتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائییه) نیش ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: سپهر

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com